تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

نماز و عبادت امام حسين عليه‌السلام

نويسنده: عباس عزيزى

## پيشگفتار

حسين كيست؟

ثار الله كيست؟

نفس مطمئنه كيست؟

امام حسين عليه‌السلام كنار بدن عباس چه ديد و چه كرد و چه گفت؟

امام حسين عليه‌السلام كنار بدن فرزندش على اكبر چه ديد و چه كرد و چه كسى را صدا زد؟

امام حسين عليه‌السلام وقتى على اصغر در دستش بود و تير سه شعبه به او زدند چه حالى به او دست داد؟

امام حسين عليه‌السلام چرا جنگ را يك شب به تاخير انداخت؟

امام حسين عليه‌السلام چرا نمازش را در مقابل تيرهاى دشمن اقامه كرد؟

حسين عليه‌السلام در لحظه آخر چه ذكرى گفت؟

امام حسين عليه‌السلام با اهل حرم وداع نمود چه ذكرى را گفت؟

امام حسين عليه‌السلام تيرى به پيشانى مباركش خورد، آن تير را بيرون كشيد و خون بر چهره اش جارى شد، در آن موقع چه دعايى خواند؟

امام حسين عليه‌السلام وقتى كه تير سه شعبه به قلب مباركش خورد چه ذكرى خواند؟

امام حسين عليه‌السلام در ظهر عاشورا، براى ياد آورنده وقت نماز چه دعايى كرد؟

امام حسين عليه‌السلام هنگامى كه دشمن گفت: به خيمه ها حمله كنيد، چه حالى به او دست داد و چه گفت؟

امام حسين عليه‌السلام مگر جگر گوشه فاطمه نبود، پس چرا بدنش را قطعه قطعه كرده و زير سم اسبان قرار دادند؟

امام حسين عليه‌السلام عاشق رخسار معبود است.

امام حسين عليه‌السلام روح طاعات و عبادات است.

امام حسين عليه‌السلام نور صحراى قيامت است.

امام حسين عليه‌السلام فيض دائم روح قرآن است.

امام حسين عليه‌السلام سبب گريه هر مومن است.

امام حسين عليه‌السلام در روز عاشورا در اوج جنگ و دشوارى ها يك لحظه از ياد خدا غافل نبود.

امام حسين عليه‌السلام روز عاشورا پيوسته و مداوم مشغول ذكر لا حول و لا قوه الا بالله بود.

امام حسين عليه‌السلام بنده خالص خدا بود.

امام حسين عليه‌السلام به خاطر نماز شهيد شد.

امام حسين عليه‌السلام در صبح عاشورا وقتى سپاه دشمن به سوى او مى آيد آن طور دعا كرد: «اَللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، خدايا! در هر گرفتارى تو تكيه گاه منى.»

تيرى كه در ظهر عاشورا بر قلب حسين عليه‌السلام اصابت نمود، و خون ثار الله را بر زمين ريخت، در واقع در روز سقيفه رها شده بود و در عاشورا به هدف نشست.

امام حسين عليه‌السلام شهيد مى شود و خداوند هفتاد هزار فرشته را كه ژوليده و غبار آلودند بر قبر حسين عليه‌السلام گماشته تا روز قيامت بر او گريه مى كنند و كنار قبرش نماز مى خوانند يك نماز آنان مساوى هزار نماز مردم است، ثواب و اجر آن نماز براى زائر قبر حسين عليه‌السلام است.

امام زمان فرمود به جاى اشك خون مى گريم.

اميدوارم خداوند ما را نيز مشمول شفاعت حسين عليه‌السلام و مشمول دعايى كه در ظهر عاشورا آن حضرت به يكى از اصحابش فرمود: جعلك الله من المصلين قرار دهد.

زمستان 1380

حوزه علميه قم - عباس عزيزى

## گزيده اى از زندگانى امام حسين عليه‌السلام

نام: حسين

القاب معروف: سيد الشهداء، ثارالله

كنيه: ابو عبدالله

نام پدر و مادر: على عليه‌السلام - فاطمه عليها‌السلام

وقت و محل تولد: سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدينه

دوران امامت: يازده سال (از سال 50 تا 61 ه‍ ق)

خلفاى غاصب در زمان آن حضرت: معاويه و يزيد

وقت و محل شهادت: در روز عاشورا سال 61 هجرى در كربلا در سن 57 سالگى به شهادت رسيد.

مرقد شريفش: شهر كربلا در كشور عراق است.

دوران زندگى آن حضرت را مى توان به چهار بخش تقسيم كرد:

1- ملازمت با پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله (حدود شش سال)

2- دوران ملازمت با پدر و برادرش امام حسن عليه‌السلام (حدود 40 سال)

3- دوران امامت (يازده سال)

4- نهضت جاودانى و عظيم امام حسين عليه‌السلام كه مهمترين حادثه تاريخ است.

1- پرچمدار امام حسين عليه‌السلام اباالفضل العباس بود.

2- موذن امام حسين عليه‌السلام حجاج بن مسروق بود.

3- به علت هجرت امام حسين عليه‌السلام «امام» اطلاع حاصل كرد كه جمعى از افراد يزيد به نام حج براى ترور و قتل امام حسين عليه‌السلام به سوى مكه گسيل شده اند و ماموريت دارند با سلاحى كه در زير لباس احرام پوشيده اند در ماه حرام و در كنار كعبه فرزند پيامبر را به قتل برساند و بدين جهت امام حج تمتع را به عمره مفرده تبديل فرمود و هشتم ذيحجه رهسپار عراق شد و فرمود: براى رعايت حرمت خانه خدا مكه را ترك مى كنم.

4- سفير امام حسين عليه‌السلام به كوفه فرستاده شد مسلم بن عقيل بود.

5- مردم كوفه حدود 150 نامه دعوت براى امام حسين عليه‌السلام ارسال كرده بودند.

6- در زمان دعوت مردم كوفه از امام حسين عليه‌السلام 18 هزار نفر با حضرت مسلم بيعت كردند.

7- پسران مسلم ابراهيم و محمد بودند كه محمد بزرگ تر از ابراهيم بوده و هر دو كمتر از ده سال سن داشتند.

8- سه عامل اساس قيام امام حسين عليه‌السلام:

الف: يزيد از امام حسين عليه‌السلام بيعت مى خواست امام شديدا در مقابل اين درخواست ايستادگى كرد.

ب: دعوت مردم كوفه.

ج: عامل اصلى امر به معروف و نهى از منكر

9- قبر امام حسين عليه‌السلام شش گوشه دارد چون جنازه حضرت على اكبر در كنار پدرش امام حسين دفن شده است.

10- زيارت ناحيه مقدسه: زيارتى است كه از حضرت ولى عصر عليه‌السلام نقل شده و در اين زيارت شريف حضرت اسامى همه شهداى كربلا را با اسم و رسم ذكر فرموده و بر آنان درود فرستاده و نام قاتلين هر كدام را نيز برده و بر آنان لعنت فرستاده است.

11- اسب امام حسين عليه‌السلام ذوالجناح نام دارد.

12- پيكر مطهر امام حسين عليه‌السلام توسط امام سجاد عليه‌السلام شناسايى و دفن شد.

13- اولين زائر قبر امام حسين عليه‌السلام بعد از شهادت امام حسين عليه‌السلام جابر بن عبدالله انصارى بود.

## فصل اول: جلوه نماز از ولادت تا كربلا

### 1- اذان و اقامه در گوش امام حسين عليه‌السلام

از اسماء بنت عميس نقل شده: حسين عليه‌السلام بعد از گذشت يك سال از ولادت برادرش حسن عليه‌السلام ديده به جهان گشود. پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به خانه زهرا عليها‌السلام آمد و به من فرمود: «پسرم را نزد من بياور.»

من حسين عليه‌السلام را كه در قنداقه سفيدى بود، به محضر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بردم.

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله از ديدار چهره عليه‌السلام شاد و خندان شده، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. سپس حسين عليه‌السلام را به دامن گرفت و گريه كرد.

عرض كردم: پدر و مادرم به فدايت اى رسول خدا! چرا گريه مى كنى؟

فرمود: گريه ام به خاطر مصائبى است كه بعد از من به اين نوزاد وارد مى شود.

به زودى گروه ستمگر او را مى كشند و خداوند آن گروه را مشمول شفاعت من نخواهد كرد.

### 2- هزار ركعت نماز

آن حضرت به عبادت بسيار علاقه مند بودند، به طور مثال شخصى خطاب به حضرت سجاد عليه‌السلام عرض كرد: يابن رسول الله! چرا پدرت امام حسين عليه‌السلام كم اولاد است؟ حضرت فرمودند: تعجب مى كنم كه من چگونه متولد شده ام، زيرا پدرم امام حسين عليه‌السلام در هر شب و روزى هزار ركعت نماز به جاى مى آورد. (1)

### 3- وضوى امام حسين عليه‌السلام

«كان الحسين بن على عليه‌السلام اذا توضاء تغير لونه و ارتعدت مفاصله فقيل له فى ذلك، فقال: حق لمن وقف بين يدى الملك الجبار ان يصفر لونه و ترتعد مفاصله»؛

امام حسين عليه‌السلام وقتى وضو مى گرفت رنگش پريده و پاهايش‍ مى لرزيد.

علت اين كار را پرسيدند فرمود: سزاوار است براى كسى كه در مقابل خداى با جبروت ايستاده رنگش زرد شود و پاهايش بلرزد. (2)

### 4- سنت هفت بار تكبير

صدوق رحمه و الله از امام باقر عليه‌السلام نقل كرده كه فرمود: حسين عليه‌السلام دير به سخن آمد تا آنجا كه بيم مى رفت نكند حرف نزند و بى سخن باشد. روزى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله براى نماز بيرون آمد در حالى كه حسين عليه‌السلام را بر شانه خود نهاده بود، مردم (براى نماز) پشت سر حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله صف بستند و حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله او را در طرف راست خود بر زمين گذارد و تكبير نماز گفت، پس حسين عليه‌السلام (نيز) تكبير گفت، چون رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله تكبير حسين عليه‌السلام را شنيد تكبير را دوباره فرمود و حسين نيز (به پيروى از رسول خدا) هفت بار تكبير گفت. بدينگونه سنت هفت بار تكبير گفتن (در ابتداى نماز) آغاز شد.

### 5- نماز در يك لباس

ابو بصير از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: جهت نمازگزاردن مرد چه مقدار لباس كفايت مى كند؟

حضرت عليه‌السلام فرمود: «امام حسين عليه‌السلام در يك قطعه لباس كه از نيمه ساق پا بالاتر و نزديك زانوها بود و بر دوش حضرت عليه‌السلام جز به مقدار دو بال پرستو نداشت نماز گزارد و وقتى ركوع مى نمود از شانه هايش مى افتاد و سجده مى كرد بر گردن حضرت مى رسيد، پس آن را با دست بر شانه هايش خود بر مى گرداند، اين گونه بود تا از نماز فارغ شد.»

امام باقر عليه‌السلام فرمود: «براى من نقل نمود كه كسى كه امام حسين عليه‌السلام را در حالى ديده است كه در يك جامه نماز مى گزارد، و امام حسين عليه‌السلام براى او نقل نموده كه: «پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را ديده است كه در يك لباس نماز مى خواند. (3)»

### 6- عبور از جلوى نماز گزار

ضيف از امام صادق عليه‌السلام از امام باقر عليه‌السلام از امام سجاد عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: «امام حسين عليه‌السلام نماز مى خواند، مردى از جلوى او عبور كرد، يكى از ياران حضرت عليه‌السلام او را از اين كار بازداشت. چون حضرت عليه‌السلام از نماز فارغ شد، پرسيد: چرا او را نهى نمودى؟

عرض كرد: اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله! ميان شما و محراب آشفتگى پديد مى آورد.

فرمود: واى بر! تو خداى متعال به من نزديك تر از آن است كه كسى ميان من و او آشفتگى ايجاد كند. (4)»

### 7- ركوع و سجده طولانى

حضرت مهدى (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود:

جدم حسين عليه‌السلام ركوع و سجودش طولانى بود. (5)

### 8- تغيير رنگ صورت امام هنگام وضو

روايت شده كه امام حسين عليه‌السلام هرگاه به نماز مى ايستاد رنگ از چهره اش مى پريد، از او سوال مى شد: اين حالت چيست كه هنگام وضو در شما پيدا مى شود؟

مى فرمود: «شما چه مى دانيد كه در پيشگاه چه كسى مى خواهم بايستم؟ (6)»

### 9- نماز تقيه

قطب راوندى به سند خود، از امام موسى كاظم عليه‌السلام از امام صادق عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: «امام حسين عليه‌السلام پشت سر مروان بن حكم (از باب تقيه) نماز مى گزاردند.

پس به يكى از آن دو بزرگوار عرض شد: آيا پدر شما وقتى به منزل برمى گشت نماز را اعاده نمى كرد؟ فرمود: نه به خدا سوگند، او به همان يك نماز اكتفا مى كرد. (7)

### 10- سفارش اهل بيت به نماز

على بن ابراهيم، از امام باقر عليه‌السلام نقل مى كند درباره فرمودء خداى سبحان: «خانواده خود را به نماز امر كن و خود نيز سخت بر آن پايدار باش.» فرمود: در آن به پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمان ابلاغ ويژه به اهل بيتش را داده است نه عموم مردم را، تا به همه مردم اعلام شود كه اهل بيت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله، در نزد خدا منزلتى ويژه دارند كه براى ديگر مردمان نيست، زيرا خداى سبحان به آنان (جهت اقامه نماز)، هم فرمان عمومى همراه با همه مردم داده، هم فرمان خصوصى.

پس از نزول اين آيه، پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله هر روز، وقت نماز صبح به در خانه على عليه‌السلام مى آمد و مى فرمود: «سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد»، پس (اهل بيت يعنى) على عليه‌السلام و فاطمه عليها‌السلام و حسن عليه‌السلام و حسين عليه‌السلام (در پاسخ) اظهار مى داشتند: «و سلام و رحمت و بر كات خدا (نيز) بر شما باد اى پيامبر خدا.»

سپس حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله دو طرف چهار چوبه در را گرفته مى فرمود: «نماز، نماز، خدا شما را رحمت كند»، «همانا خدا چنين مى خواهد كه هر گونه آلودگى را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را (از هر ناخالصى) پاك گرداند.»

پس حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله، زمانى كه در مدينه حضور داشت، هر روز صبح پيوسته اين كار را انجام مى داد تا اينكه از دنيا رفت. ابوالحمراء خادم پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مى گويد: من شهادت مى دهم كه هر روز پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله اين عمل را انجام مى داد.

در كتاب «موده القربى» از انس بن مالك و از زيد بن على بن الحسين عليه‌السلام از پدرش امام سجاد عليه‌السلام از جدش عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از نزول آيه شريفه (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا) «و اهل بيت خود را به نماز فرمان ده و خود نيز بر آن سخت پايدار باش» به مدت نه ماه هر روز هنگام نماز صبح، به در خانه فاطمه عليها‌السلام مى آمد و مى فرمود: نماز اى اهل بيت نبوت! «همانا خدا مى خواهد كه از شما خاندان هرگونه آلودگى را ببرد و شما را منزه گرداند» و اين حديث را سيصد نفر از صحابه نقل كرده اند.

زيد بن على از پدرش امام سجاد از جدش عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: «روزى پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در خانه ام سلمه بود. فرنى خدمت حضرت آوردند. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله على و فاطمه و حسن و حسين عليهم‌السلام را فرا خواند و از آن خوردند.

سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آنان را در پوشش عبايى خيبرى قرار داد و اين آيه شريفه را تلاوت فرمود:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهر كم تطهيرا.

ام سلمه اظهار داشت: اى رسول خدا! آيا من هم از اهل بيت نبوتم؟

حضرت فرمود: تو (از آنان نيستى اما) رو به سوى خير دارى. (8)

### 11- تسليم در برابر خدا

مفضل بن عمر، از امام صادق عليه‌السلام از امام باقر عليه‌السلام از امام سجاد عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: از امام حسين عليه‌السلام پرسيدند: چگونه صبح كردى؟

فرمود: «صبح نمودم در حالى كه پروردگارم، بالاى سرم و آتش، پيش ‍ رويم، مرگ، جوينده ام و حساب الهى فراگيرم مى باشد، و چنين روزى من، در گرو كردار خويشم، نه آنچه دوست دارم پيدا مى كنم، و نه آنچه نمى پسندم از خود مى رانم. توان هيچ يك را ندارم و همه كارها در اختيار ديگرى است، اگر بخواهد عذابم مى كند و اگر بخواهد از من مى گذرد. بنابر اين، كدام فقيرى از من نيازمندتر است (9)؟!

### 12- طواف و نماز پس از نماز عصر

عمار بن معاويه از ابو سعيد نقل كرده كه گفت: «حسن عليه‌السلام و حسين عليه‌السلام را ديدم كه با امام (جماعت) نماز عصر را خواندند سپس نزد حجر الاسود آمده آن را استلام كردند، سپس هفت بار طواف كردند و دو ركعت نماز خواندند.»

مردم (كه ايشان را شناختند) گفتند: اينان فرزندان دختر رسول خدايند.

پس مردم آنان را در (هجوم و) فشار قرار دادند تا جايى كه نتوانستند حركت كنند، همراه ايشان يك مرد ركانى بود. حسين عليه‌السلام دست ركانى را گرفته به كمك او مردم را از امام حسين عليه‌السلام دور كرد او امام حسن عليه‌السلام را بسيار احترام مى كرد و ايشان را نديدم كه بر ركن نزد حجر از جانب حجر بگذرند مگر كه آن را استلام مى كردند.

راوى گويد: به ابو سعيد گفتم: شايد برخى از هفت طواف - كه با نماز قطع شده - مانده بوده است.

گفت: نه بلكه هفت بار كامل طواف كردند. (10)

### 13- انفاق بعد از نماز

مردى اعرابى وارد مدينه شد و از كريم ترين مردم سوال كرد، امام حسين را به او معرفى كردند، وارد مسجد شد و آن بزرگوار را در حال نماز يافت، پشت سر آن بزرگوار ايستاد و اين شعر را خواند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لَمْ يَخِبِ اَلْآنَ مَنْ رَجَاكَ وَ مَنْ  |  | حَرَّكَ مِنْ دُونِ بَابِكَ اَلْحَلَقَةَ  |
| أَنْتَ جَوَادٌ وَ أَنْتَ مُعْتَمَدٌ  |  | أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ اَلْفَسَقَةِ  |
| لَوْ لاَ اَلَّذِي كَانَ مِنْ أَوَائِلِكُمْ  |  | كَانَتْ عَلَيْنَا اَلْجَحِيمُ مُنْطَبِقَةً  |

آنكه به تو اميدوار شده نا اميد نگشته، و كسى كه بر در خانه آمده و دق الباب كرده به اميد بخشش آمده.

تو بخشنده و مورد اعتمادى، پدرت كشنده فاسقين بود.

اگر هدايت جد و پدرت نبود، آتش جهنم ما را فرا مى گرفت.

امام حسين نمازش را سلام داده و به قنبر فرمودند: آيا از مال حجاز چيزى باقى مانده است؟

گفت: بله، چهار هزار دينار باقى مانده است.

فرمودند: آن را بياور كه نيازمند حقيقى آن آمده است.

قنبر دينارها را آورد، امام دو برد خود را از تن در آورده و دينارها را در آن پيچيد و دست مباركشان را از شكاف در خارج كردند، زيرا به خاطر كم بودن دينارها از اعرابى خجالت كشيدند و اين شعر را سرودند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خُذْهَا فَإِنِّي إِلَيْكَ مُعْتَذِرٌ  |  | وَ اِعْلَمْ بِأَنِّي عَلَيْكَ ذُو شَفَقَةٍ  |
| لَوْ كَانَ فِي سَيْرِنَا اَلْغَدَاةَ عَصًا  |  | أَمْسَتْ سَمَانَا عَلَيْكَ مُنْدَفِقَةً  |
| لَكِنَّ رَيْبَ اَلزَّمَانِ ذُو غِيَرٍ  |  | وَ اَلْكَفُّ مِنِّي قَلِيلَةُ اَلنَّفَقَةِ  |

بگير اين مقدار دينار را، من به خاطر كمى آن از عذر مى خواهم و بدانكه من نسبت به تو مهربانم.

اگر در آينده وسيله فراهم شد ثروت سرشارى بر تو ريزش خواهد كرد.

ليكن مردم زمان بيگانه پرستند و اينك دست ما خالى است. (ريب الزمان، يعنى حيله مردم زمان، منظور اين است كه مردم به جاى اينكه خلافت را به خاندان رسالت بسپارند و خمس و زكاتشان را به ايشان برسانند تا به دست مستحق حقيقى برسانند به غير مراجعه مى كنند.)

اعرابى دينارها را گرفته و هاى هاى گريه كرد! امام فرمودند: شايد آنچه عطا كردم به تو، كم است كه گريه مى كنى؟!

اعرابى گفت: نه، وليكن گريه من براى اين است كه چرا اين دستهاى با سخاوت زير خاك خواهد رفت. (11)

### 14- روزه امام حسين عليه‌السلام

صدوق قدس سره با سند خود از امام حسن مجتبى عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود:

ارمغان مرد روزه دار، اين است كه ريش خود را عطر زند و جامه خويش را بخور دهد و ارمغان زن روزه دار، اين است كه سر خود را شانه زند و لباسش‍ را بخور دهد، «هر گاه امام حسين عليه‌السلام روزه مى گرفت با عطر خود را خوشبو مى ساخت و مى فرمود: تحفه روزه دار عطر است.»

عبدالله بن زبير و يارانش، امام حسين را دعوت نمودند، پس آنان از غذا خوردند و امام چيزى نخورد، سوال شد: چرا نمى خورى؟

فرمود: روزه دارم، اما تحفه روزه دار بياوريد.

عرض شد: تحفه روزه دار چيست؟

فرمود: روغن (عطر) و بخوردان. (12)

### 15- طلب باران

از امام سجاد عليه‌السلام نقل شده كه فرمود: كوفيان نزد امام على عليه‌السلام آمده از نيامدن باران شكايت كردند و گفتند: (از خدا) براى ما باران بخواه، امير مومنان عليه‌السلام به حسين عليه‌السلام فرمود: برخيز و از خداوند طلب باران كن!

او برخاسته حمد و ثناى الهى به جاى آورده و بر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله درود فرستاد و عرض كرد: «بارالها! بخشنده خيرات و نازل كننده بركات! آسمان را بر ما سرشار ببار، و ما را از بارانى بسيار فراگير، انبوه، پر دامنه، پيوسته ريزان، روان و شكافنده (زمين هاى خشك و تشنه) - كه با آن از بندگانت ناتوانى را بردارى و زمين هاى مرده را زنده سازى - سيراب فرما. آمين اى پروردگار جهانيان.»

او دعاى خود را به پايان نبرده بود كه ناگهان خداوند باران (سيل آسا) فرستاد. عربى باديه نشين از برخى نواحى كوفه آمد و گفت: دره ها و تپه ها را پشت سر گذاشتم، در حالى كه آب يكى در ديگرى (از فراوانى) پيچ و تاب مى خورد. (13)

### 16- نماز و نفرين بر منافق

مرد منافقى كه دشمن اهل بيت عصمت و طهارت بود از دنيا رفت. امام حسين عليه‌السلام دنبال جنازه اش به راه افتاد، در بين راه غلام خود را ديد كه در مقام كناره گيرى از تشييع جنازه است به او فرمود: كجا مى روى؟

عرض كرد: مى خواهم از نماز بر اين منافق فرار كنم.

امام به او فرمود: بيا كنار من بايست و هر چه مى گويم تو هم بگو.

غلام در كنار امام ايستاد، وقتى ولى ميت تكبير گفت امام حسين عليه‌السلام هم فرمود:

«اَللَّهُ أَكْبَرُ اَللَّهُمَّ اِلْعَنْ فُلاَناً عَبْدَكَ أَلْفَ لَعْنَةٍ مُؤْتَلِفَةٍ غَيْرِ مُخْتَلِفَةٍ اَللَّهُمَّ أَخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَ بِلاَدِكَ وَ أَصْلِهِ حَرَّ نَارِكَ وَ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذَابِكَ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَوَلَّى أَعْدَاءَكَ وَ يُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ؛

يعنى خدا بزرگ است. خدايا! فلانى را هزار بار پيوسته لعنت كن بدون اختلاف و فاصله، خدايا! اين بنده ات را در ميان بندگان و شهرهايت خوار و خفيف كن و آتش دوزخت را نصيب وى گردان و شديدترين عذابت را به او بچشان كه دوستى دشمنانت را پذيرا گشته و به دشمنى دوستانت برخاسته و اهل بيت پيامبرت را دشمن مى داشت. (14)»

### 17- نماز و غسل على عليه‌السلام

ابن شهر آشوب با سند خود، از امام سجاد عليه‌السلام از امام حسين عليه‌السلام - ضمن خبرى بلند - نقل كرده كه فرمود: امير مومنان عليه‌السلام به حسين فرمود: به شما سفارش مى كنم كه (چون از دنيا رفتم) كسى را از مرگ من آگاه نكنيد.

سپس فرمود: تابوتى را از آن زاويه راست بيرون آورند و در كفنى كه پيدا مى كنند كفن كنند، هرگاه غسلش دادند در آن تابوت بگذارند و چون جلو تابوت از زمين بلند شد، آنان عقب تابوت را بلند كنند (و هر جا كه رفت ببرند) و اينكه حسن عليه‌السلام يك بار و حسين عليه‌السلام هم يك بار به عنوان امام بر او نماز گزارند. (15)

### 18- نماز كنار قبر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

شبى امام حسين عليه‌السلام از خانه بيرون آمده كنار قبر جدش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و فرمود: «سلام بر تو باد اى پيامبر خدا! منم حسين فرزند فاطمه، منم فرزند و فرزند و نوه دخترى تو در ميان بازماندگانى كه ميان امت خود جا نهادى. اى پيامبر خدا! تو بر آنان گواه باش كه مرا تنها گذارده حقم را تباه ساختند و حرمتم را شكستند، اين شكوه من است به تو تا (روزى كه) تو را ديدار كنم.»

سپس برخاست و به نماز ايستاد، پيوسته در ركوع و سجود بود (16).

### 19- دو ركعت نماز كنار قبر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

روايت شده: حضرت امام حسين عليه‌السلام شبى از خانه اش خارج و رو به سوى قبر جدش نمود، چند ركعت در آنجا نماز گزارد، بعد از نماز فرمود:

خداوندا! اين قبر پيامبرت محمد مى باشد و من پسر دختر اويم، مشكلى برايم پيش آمده كه خود بدان واقفى، پروردگارا! من كار نيك را دوست داشته و كار بد را زشت مى شمرم، و من از تو مى خواهم، اى داراى جلالت و بزرگوارى! به حق اين قبر و كسى كه در آن است تنها آنچه مورد خشنودى تو و رسولت مى باشد را برايم مقدر سازى.

### 20- نماز جماعت

روايت شده كه مردم دسته جمعى نزد امام حسين عليه‌السلام آمده عرض كردند: يا ابا عبدالله! اى كاش پيش افتاده نماز مى گزاردى و آنان در منزل خود فرود مى آوردى!

چون موذن (اذان و اقامه) نماز را انجام داد، عمرو بن سعيد پيش افتاد و تكبير نماز را گفت. به امام عليه‌السلام عرض شد: يا ابا عبدالله! اكنون كه نخواستى پيش بيفتى، پس بيرون شو.

فرمود: «نماز را در جماعت خواندن بهتر است». پس نماز گزارد و بيرون رفت. (17)

### 21- مناجات حضرت كنار مزار خديجه

روايت شده كه آن حضرت همراه انس بن مالك حركت مى كرد، كنار قبر خديجه آمد و گريست، آنگاه گفت: از من دور شو.

انس گويد: از ديد آن حضرت پنهان شدم، هنگامى كه انجام نمازش طولانى شد شنيدم كه مى خواند: پروردگارا! پروردگارا! تو مولاى من هستى، رحم كن بنده اى را كه به تو پناه برده است و اى داراى صفات برجسته! تكيه ام بر توست، خوشا به حال آنكه تو مولاى او باشى. خوشا به حال كسى كه خدمتگزار شب زنده دار باشد، و گرفتاريش را با خداى خود در ميان گذارد و بيمارى و مرضى ندارد بيشتر از محبش به مولايش هرگاه غصه و ناراحتى اش را مطرح كرد، خداوند او را پاسخ داده و اجابت نمايد. هرگاه به گرفتارى مبتلا گردد در تاريكى زارى كنان خدا را بخواند، خدا او را گرامى داشته و به خود نزديك گرداند.

آنگاه ندا كرده شد: بنده ام بيا در حالى كه تو در حمايت من هستى، و هر چه بگويى ما آن را مى دانيم. فرشتگانم مشتاق شنيدن صداى تواند، و كافى است كه ما صداى تو را مى شنويم. دعاى تو نزد من بوده و در حجاب ها در گردش است، و كافى است كه ما پوشش را براى تو برمى داريم. اگر باد از جوانب او بوزد، از بيهوشى بر زمين افتد. از من بخواه بدون ميل و ترس و حساب، كه من خداى توام.

### 22- عبادت امام حسين عليه‌السلام از زبان دشمنان

درباره عبادت او مورخان و دانشمندان، مخصوصا از گروه اهل سنت سخن ها گفته اند و حتى آنها كه دشمن اهل بيت بودند در امر عبادت او راى و نظرى شگفت انگيز اعلام كردند. ابن اثير مى نويسد:

حسين كه خداى او از او راضى باد فردى فاضل متدين و زياد اهل روزه و نماز و حج و صدقه بود و همه كارهاى خوب از او سر مى زد.

« كانَ الْحُسَينُ‌ عليه‌السلام فاضِلاً، كَثيرَ الصَّوْمِ، وَ الصَّلاهًِْ، وَ الْحَجِّ، وَ الْصَّدَقَهًِْ، وَ اَفْعالِ الْخَيْرِ جَميعُها»

عبدالله بن زبير كه در واقع، رقيب امام حسين عليه‌السلام، فردى منافق، مدعى خلافت رسول الله، و دلش لبريز از كينه اهل بيت بود درباره عبادت حسين عليه‌السلام مى گفت: او فردى بسيار شب خيز براى عبادت و بسيار روزه دار در روزها بود. و آن كه خبر شهادت او را شنيد، شايد از يك نظر خوشحال شد كه رقيبى از سر راه او برداشته شد، ولى از طرف ديگر گفت: «به خدا قسم او را كشتند، در حالى كه او را شب ها براى عبادت قيامى بس طولانى بود و بسيارى از روزها روزه مى داشت.»

« اَما والله قَتَلوه! طَويلاً بالليل قيامُهُ، کثيراً في النَّهار صيامُهُ.»

عقاد، دانشمند و نويسنده متاخر در كتاب خود به نام ابو الشهداء (پدر يا سالار شهيدان) مى نويسد: او اهل نماز بود. علاوه بر نمازهاى واجب نمازهاى مستحبى بسيار مى گزارد، زياد روزه مستحبى مى گرفت، همه ساله به حج خانه خدا مى رفت مگر كه به ناچار از او ترك مى شد. و نمونه اين سخنان در تاريخ زندگى او زياد نوشته شده است. (18)

### 23- همه چيز او عبادت بود

عبادت حسين لحظه اى و بر حسب موقعيت نبود. بلكه تمام لحظات و دم زدن هاى او عبادت به حساب مى آمد، جهاد او عبادت بود، قيام او عبادت بود، خطبه و سخنرانى او عبادت بود، شمشير زدن او، نصيحت او به دوست و دشمن، صبر او، و تحمل او عبادت بود. آن ساعتى كه با خصم مى جنگيد عبادت مى كرد، آن لحظه به خاك افتادن او عبادت بود، و آن جان دادن او در عين صبر و تحمل عبادت بود.

اما در چنان وضع و حالى گويى باز هم آن عبادت را هم كفايت كننده و قابل عرضه نمى دانست. در عين افتادگى و بى رمقى در قتلگاه و لبانش در عين خشكى و تشنگى به ذكر خدا مترنم بود:

«الهى رضا بقضائك، صبرا على بلائك، تصديقا لا مرك، لا معبود سواك.»

خدايا! به حكم تو راضيم. بر بلاى تو صابرم. و من تو را تصديق دارم. جز تو معبودى نيست.

### 24- انس با مسجد

امام حسين عليه‌السلام در دوران كودكى پاى منبر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى نشست و هر آنچه را كه پيامبر مى فرمود، حفظ كرده، در خانه به مادرش فاطمه زهرا عليها‌السلام باز مى گفت.

روزى مادر براى حسين صندلى آورد و حسين را بر آن نشاند و فرمود:

خوب پسر جان! حالا مثل پدر موعظه كن.

او هم آنچه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مسجد فرموده بود را با همان لحن و حالت بازگو كرد.

فاطمه روزى شيرين زبانى حسين را براى پدر تعريف كرد و پيامبر را علاقه مند ساخت تا صداى حسين را كه مانند پدر بزرگ سخن مى گويد، بشنود.

پيامبر فرمود: فكر مى كنم با ديدن من خجالت بكشد.

قرار شد پيامبر جايى مخفى شود و آن وقت از حسين بخواهند، مثل بابا سخن بگويد و موعظه كند.

پيامبر را پشت پرده پنهان كردند و حسين شروع به سخنرانى كرد. اما بر خلاف هميشه دچار لكنت زبان شد، او كه متوجه تعجب مادر شده بود، گفت: «مادر! تعجب نكن كه زبانم خوب نمى چرخد، علتش اين است كه در پشت پرده شخصى پنهان شده است كه اگر تمام سخنوران عالم جمع شوند، در پيش او زبانشان بند مى آيد.»

پيامبر با شنيدن اين سخن از پس پرده بيرون آمد و حسين را در آغوش كشيد و دستش را زير چانه اش برد و سه مرتبه بر لب هاى فرزند شيرين زبانش ‍ بوسه زد و فرمود: بابا به قربان شيرين زبانيت برود. (19)

### 25- مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نماز جماعت به جا مى آورد، حسين هم در نزديكى آن حضرت نشسته، به بازى مشغول بود. همين كه پيامبر به سجده رفت، حسين بر پشت پيامبر سوار شد. او پاهايش را حركت مى داد و مى گفت: برو، برو!

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله وقتى سر از سجده برداشت، او را از پشت خود بر زمين نهاد. اما زمانى كه حضرت دوباره به سجده رفت، حسين كارش را تكرار كرد.

وضع به همين صورت ادامه يافت تا بالاخره نماز تمام شد. در اين بين مردى يهودى كه از آنجا عبور مى كرد، با ديدن اين صحنه دچار چنان شگفتى شد كه نزد پيامبر آمد و گفت: اى محمد! شما با كودكان به گونه اى رفتار مى كنيد كه ما هرگز چنين نمى كنيم!

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آرى! اگر به خدا و پيامبر روى آوريد، بر كودكانتان رحمت خواهيد آورد.

مرد يهودى با ديدن رافت اسلام، به رسالت پيامبر شهادت داد و به دين اسلام رو آورد. (20)

### 26- نماز بر پيكر پدر

امام حسين عليه‌السلام هنگام غسل پدر متوجه شد كه پيكر پاك على عليه‌السلام به طور محسوسى سبك شده است. به طرف برادرش برگشت و با اظهار شگفتى گفت: برادر! پيكر پدرمان سبك است؟!

امام حسين عليه‌السلام جواب داد: اى ابا عبدالله! با ما گروه ديگرى نيز هستند كه در غسل پدرمان ياريمان مى كنند، ولى آنها به چشم ديده نمى شوند. وقتى پدر را غسل دادند، دو برادر عقب تابوت پدر را گرفتند و جلو تابوت خود برخاست. آنها در ميان راه صداى بال ملائكه و تسبيح و تقديس آنها را مى شنيدند. تا اينكه بر سر قبر رسيدند. بر طبق وصيت پدر اول امام حسن عليه‌السلام و آنگاه حسين عليه‌السلام بر پيكر پدر نماز خواندند. و پدر را به خاك سپردند. (21)

### 27- انفاق بعد از نماز

يك شب گدايى در خانه حسين را به صدا در آورد و با خود گفت: «آنكه به تو اميد داشته باشد، نا اميد برنگردد.»

حسين عليه‌السلام كه در محراب خود مشغول نماز بود، با شنيدن صداى در، نمازش را كوتاه كرد و به پايان برد، آنگاه در را باز كرد. فقيرى ژنده پوش و ضعيف را ديد. به خانه برگشت و دو هزار درهم، كه خرجى خانواده و خدمتكارها بود، به همراه دو دست لباس خودش را به او داد. با اين حال از ناچيز بودن آنها نيز عذر خواهى كرد. (22)

### 28- زيارت قبر امام حسين عليه‌السلام

يكى از كارهاى پسنديده و حسنه شب جمعه كنار قبر شهداء و مومنين رفتن است، و براى شادى روح آنها قرآن و دعا خوانده شود و اين عمل حسنه از سيره امام حسين عليه‌السلام به يادگار مانده است.

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد سيد الشهداء هر شب جمعه به زيارت قبر امام حسن عليه‌السلام مى رفت. (23)

گرچه اصحاب ابا عبدالله شب قبل از روز عاشورا را به جاى خواب و استراحت به نماز و قرآن و استغفار و مناجات با محبوب به سر بردند و ظاهرا بايد از نيروى جسمى و بدنى آنان كاسته شده باشد، ولى عشق به آنان نيرو بخشنده است، عشق به خدا، عشق به شهادت در راه خدا و در ركاب بهترين برگزيده حق، حجت خدا و امام زمان حضرت ابا عبدالله الحسين.

### 29- نماز بر دشمن نمى خوانم

معاويه در همان سالى كه حجربن عدى و اصحابش را به قتل رساند، به حج آمد. وى در آنجا حسين عليه‌السلام را ديد و به او گفت: اى ابو عبدالله! شنيدى كه با حجربن عدى و اصحاب او و ساير شيعيان پدر تو چه كردم؟ حضرت فرمود: چه كردى؟

گفت: كشتم، كفن كردم، نماز خواندم و دفن نمودم.

حسين عليه‌السلام لبخندى زد و گفت: اين جماعت در قيامت دشمن تو خواهند بود. اما وقتى كه ما دولت بيابيم و پيروان تو را به قتل برسانيم، كفن نخواهيم كرد و نماز بر ايشان نخواهيم خواند (24).

### 30- بهترين كار بعد از نماز

امام حسين عليه‌السلام فرمودند: برايم ثابت شده است كه اين سخن پيامبر (بهترين كارها بعد از نماز خوشحال كردن مومن به وسيله غير حرام است) درست است زيرا، روزى غلامى را ديدم كه به سگى غذا مى داد. جلوتر رفته، پرسيدم: چرا اين چنين مى كنى؟

پاسخ داد: اى فرزند رسول خدا، من ناراحت هستم و با شاد كردن سگ، دنبال شادى و محبت هستم، سرپرستم مردى يهودى است و من از اين موضوع خيلى ناراحتم.

من نزد مرد يهودى رفتم و نوكر را به دويست دينار خريدم.

يهودى پول را نگرفت و گفت: اين غلام هديه قدم هاى تان، اين باغ هديه غلام و اگر اجازه دهيد، مبلغى پول هم نثارتان كنم.

گفتم: نه اجازه بدهيد من مبلغى به شما بدهم.

يهودى پذيرفت و همان پول را به غلام بخشيد. من هم او را آزاد كردم و همه اموال را به او دادم.

همسر يهودى مجذوب اين شد و گفت: من هم اسلام آوردم و مهرم را به شوهرم بخشيدم. شوهرش كه ديد چنين است، گفت: من هم مسلمان شدم و خانه ام را به همسرم دادم. (25)

### 31- مزد معلم

عبد الرحمن سلمى استاد يكى از فرزندان حسين عليه‌السلام بود، آن روز عبد الرحمن سوره حمد را به طور كامل به آن فرزند ياد داد. كودك بعد از پايان درس خود را نزد پدر رساند و با ذوق و شوق و زبانى شيرين سوره حمد را از اول تا آخر براى پدر تلاوت كرد.

حسين آنقدر تحت تاثير زحمات معلم قرار گرفت كه هزار دينار طلا و هزار پارچه زيبا به او بخشيد و دهانش را از مرواريد پر كرد.

برخى كه شاهد اين بخشش هنگفت بودند، لب به اعتراض گشودند، امام حسين عليه‌السلام جواب داد: اين مقدار مزد در برابر آنچه به فرزندم ياد داده، ناچيز است، و ارزش كار معلم خيلى بيشتر از آنهاست. (26)

## فصل دوم: جلوه نماز در كربلا

### 32- روز تبلور عبادت

از ويژگى هاى امام حسين عليه‌السلام كه منشاء و سرچشمه ديگر صفات و امتيازات او گرديد، اين بود كه فرمان خاص آفريدگارش را در روز بزرگ و جاودان عاشورا به سبك بى نظيرى به انجام رسانيد و خدا را به گونه اى عبادت كرد كه نه كسى پيش از او توفيق آن را يافته بود و نه پس از او عبادت او، در آن روز تاريخى و حماسه ساز، عبادتى جامع، كامل، پر محتوا و دربردارنده تمامى اقسام و ابعاد و چهره هاى يك سيستم عبادى كامل بود و از عبادت هاى بدنى و قلبى گرفته تا ظاهرى و باطنى، روحانى و معنوى، واجب و مستحب، و ديگر چهره ها و جلوه هاى پرستش خالصانه و عاشقانه خدا، در آن موج مى زد و از هر نمونه و نوع آن، بهترين و كامل ترين و زيباترينش در عبادت و عبادتگاه حسين عليه‌السلام تبلور يافت.

و در يك روز! آرى! يك روز شكوهمند و به يادماندنى آفريدگار تواناى هستى به انواع و اقسام پرستش ها و در تمامى جلوه ها پرستيده شد.

آن روز علاوه بر اينكه روز بزرگ عبادت و نيايش بود روز تبلور ارزش هاى انسانى نيز بود، به همين جهت بود كه در كنار عاشقانه ترين و خالصانه ترين نيايش ها و عبادت ها تمامى مكارم اخلاقى و صفات پسنديده انسانى به صورت همگون و ناهمگون در بهترين صورت ممكن در چشم انداز بشريت قرار گرفت.

### 33- اسوه عالى عبادت

از ويژگى هاى امام حسين عليه‌السلام ايجاد هماهنگى و جمع ميان اقسام طهارت بود، او به قصد تقرب به پروردگار و به نيت عبادت و بندگى او، شب عاشورا با اندك آبى كه فرزند محبوبش على، در آن شرايط سخت محاصره و بى آبى برايش فراهم ساخته بود غسل شهادت كرد. (27)

پس روز عاشورا با خون قلب مصفايش، به سبك ويژه اى وضو ساخت و چهره منورش را رنگين كرد آنگاه به غسل ترتيبى پرداخت و با خون قلبش سر مطهر و بدن مقدسش را شست و سر انجام غسل ارتماسى كرد.

امام حسين عليه‌السلام در صبحگاه روز شهادتش، وضوى خاصى ساخت، كف دست خويش را از خون پاكش پر كرد و چهره نورانى اش را رنگين كرد، آنگاه به خاك پاكيزه و مباركى تيمم نمود و بر بارگاه دوست پيشانى بر زمين نهاد و به سجده پرداخت. و عاشقانه نماز عشق را در سجاده شهادت اقامه فرمود: حسين عليه‌السلام اسوه عالى عبادت و بندگى است.

### 34- چهار نوع نماز عاشقانه

امام حسين عليه‌السلام نماز به راستى به صورت بى نظيرى به پا داشت به گونه اى كه مخصوص او بود و نه ديگرى، در شبانه روز جاودانه عاشورا آن حضرت چهار نوع نماز خواند.

1- نماز وداع و آن نمازى بود كه شب عاشورا پس از به تاخير افكندن پيكار و مهلت خواستنش از دشمن به پا داشت.

2- نماز نيمروزى كه به صورت نماز خوف به سبك ويژه اى جز نمازهاى خوفى كه در منزلگاه «عسفان» و «ذات» و «بطن النخل» خواند، به پا داشت كه در آن برخى از ياران پاكباخته اش هدف تيرهاى دشمن كينه توز و تجاوزكار قرار گرفته، به شهادت رسيدند.

3- روح و جان نماز را با آوردن اسرار و افعال و چگونگى و كلمات آن به صورت تمام عيار به پا داشت.

4- و نماز مخصوصى كه تكبيره الاحرام، قرائت، قيام، ركوع، سجود، تشهد و سلام ويژه اى داشت. نمازى كه تكبير آن را به هنگام فرود آمدن از مركب سر داد و قيام آن را به هنگامى كه پس از افتادن بر خاك به روى پاى خويش ايستاد به جا آورد و ركوع آن را به هنگامى كه از شدت زخم و خونريزى بر خاك مى افتاد و برمى خاست انجام داد و قنوت آن را با آخرين دعاى روح بخش و آخرين نيايش ملكوتى اش در واپسين دقايق زندگى زمزمه كرد كه:

«خداى من! اى خدايى كه مقامت بس والا و بلند مرتبه است و خشم و غضبت بر بيدادگران بسيار شديد، نيرويت از هر نيرويى بالاتر است. اى خدايى كه از تمامى مخلوقات بى نيازى و در كبريا و عظمت فراگير و به آنچه بخواهى توانا. بار خدايا! ما خاندان و فرزندان پيامبر محبوب و برگزيده تو هستيم كه اينان با ما از راه فريب و حيله وارد شدند و دست از يارى ما كشيدند و ما را كه براى حق و عدالت به پا خاستيم به شهادت رساندند.»

و سجده آن را با نهادن چهره پر فروغش بر خاك گلگون كربلا انجام داد و تشهد و سلام آن را با خروج روح بلندش از پيكر غرق به خونش ادا كرد و بالاخره سر از سجده نماز برداشتن را، با اوج گرفتن سربريده اش بر فراز نيزه ها و تعقيب نمازش را هم با برخى دعاها و اذكار و سوره مباركه كهف كه از فراز نيزه ها تلاوت كرده، به گوش ها مى رساند. (28)

### 35- شيرينى معرفت

امير مومنان عليه‌السلام در ترسيم صفات فرشتگان مى فرمايد، آنها شيرينى معرفت خداى را چشيده و از جام مهر و محبت او سيراب گشته و پرواى از خدا تا اعماق قلبشان نفوذ كرده است، از اين رو فرمانبردارى و عبادت طولانى خدا، قامت آنان را خم كرده و شوق بسيار به او، حالت تضرع آنان را از بين نبرده است. (29)

آرى، اگر به خوبى به شخصيت والا و شاهكار بزرگ حسين عليه‌السلام بينديشيم به روشنى آثار چشيدن معرفت خدا و سركشيدن جام مهر و عشق او را، در كران تا كران زندگى او در خواهيم يافت. او شيرينى معرفت بى نظيرى را چشيده بود كه هجوم امواج رخدادهاى ناگوار و تلخ دنيا و دنياپرستان بر قلب و جان و درون و برون او هرگز احساس تلخكامى نكرد.

اگر با بينش معنوى به سخن امير المومنين عليه‌السلام در مورد فرشتگان بينديشيم كه فرمود: «فرمانبردارى و عبادت خدا قامت آنان را خميده ساخته، اما شوق بسيار به او حالت نيايش آنان را از بين نبرده است». در خواهيم يافت كه آشكارترين فرد و شايسته ترين مصداق آن، امام حسين عليه‌السلام است، چرا كه هم در فرمانبردارى و عبادت باشكوه روز عاشورا قامتش خميده شد و هم تير سه شعبه اى را كه بر سينه و قلب مقدسش فرود آمد به جان خريد.

و خون پاكش فواره زد و بايد كه بر خميدگى قامت او در اطاعت و عبادت پر شكوه خداوند در آن روز جدا شدن و قطعه قطعه شدن پيوندهاى وجود و اعضاى مقدسش را نيز اضافه كرد اما با همه اينها عشق او به خدا افرونتر شد.

### 36- همانند نماز فرشتگان

از صفات برجسته فرشتگان اين است كه پيوسته در عبادت خدا و اطاعت فرمان او هستند نه خستگى آنان را فرا مى گيرد و نه غفلت از ياد خدا و نه به نافرمانى مى گرايند. امير مومنان عليه‌السلام در وصف آنان مى فرمايد:

«برخى از فرشتگان سجده كنندگانى هستند كه ركوعى ندارند. برخى ديگر براى ركوع خميده اند و قامت براى قيام راست نمى كنند. گروهى از آنان صف زدگانى هستند كه خستگى فرسودگى در آنان راه ندارد، نه خواب بر چشمانشان پيروز مى گردد و نه اشتباه و خطاى بر انديشه آنها، نه بر كالبدهايشان سستى روى مى آورد و نه به آگاهيشان غفلت و فراموشى (30)»

امام حسين عليه‌السلام عبادت تمامى فرشتگان از آغاز تا فرجام آفرينش را در يك روز انجام داد. آن حضرت براى خدا سجده اى كرد و جاودانه شد.

ركوعى به جا آورد كه قيامت براى قيام راست نكرد و در شب عاشورا خدايش را به گونه اى عبادت نمود كه نه خواب برچشمانش پيروز شد و نه اشتباه و نسيان بر انديشه اش.

### 37- نماز، محبوب حسين عليه‌السلام

نمازگزار بايد اسرار نماز را دوست داشته باشد، دوست نماز باشد، نه نمازخوان باشد. سيد الشهدا عليه‌السلام به اباالفضل عليه‌السلام فرمود: «به اين قوم بگو امشب را كه شب عاشورا است به من مهلت بدهد براى اينكه خداى سبحان مى داند «أَنّي کُنْتُ اُحِبُّ الصَّلاةَ لَهُ » (31)، كه من نماز را براى رضاى خدا دوست دارم، نماز محبوب من است، من نماز را دوست دارم و مى خواهم از دوستم وداع كنم.»

از امام سجاد عليه‌السلام بيان شده: «إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلاَةَ مُوَدِّعٍ (32)»

وقتى نماز مى خوانيد مثل آن كسى باشد كه مى خواهد نماز را وداع كند زيرا ممكن است اجل نگذارد به نماز بعدى برسيد.

با توجه به اين نكته كه ائمه عليه‌السلام الگوهاى پايدار و مبين عبادت مى باشند توصيه هاى اينان در هميشه تاريخ اسلام چراغى فرا راه مسلمين خواهد بود تا در لحظات كاميبابى و ناكامى شدت و صحت، سرا و ضرا، هماره خداوند را به ياد داشته و ختم تمامى امور را منوط به راى و مصلحت پروردگار ببينند و خداى متعال را حاظر و ناظر بر كليه اعمال بدانند. با عنايت به اين مساله درمى يابيم كه چگونه است كه عابدترين عابدان عصر سلطه اموى حضرت عليه‌السلام وقتى نماز مى خواند با آن همه مقامات معنوى چنان در پيشگاه ذات اقدس الهى حاضر مى گردد كه گويى اين آخرين نماز اوست.

### 38- شهادت به خاطر احياى نماز

حالت نيايش و راز و نياز امام حسين عليه‌السلام به درگاه الهى، هيچ گاه در تمام زندگى ظاهرى حضرتش قطع نگشت... بلكه انواع مصائب و گرفتارى ها و رنج هاى جانكاه را بر پيكر مقدسش و سر مطهر و قبر منورش، پس از شهادت خود نيز، در راه خدا به جان خريد و همه اينها را در همان دوران زندگى ارزيابى و براى خشنودى خدا، نيت همه آنها را نمود. در اين مورد كافى است به پايمال شدن پيكرش، بريده شدن دست و انگشتانش پس از شهادت، زده شدن چوب بيداد بر لب و دهانش، بر فراز نيزه گرداندن سر مطرش در شهرها نگريست كه همه اينها را به نيت انجام فرمان خدا و نماز و عبادت و اطاعت او و احياى دين و سنت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله انجام داد.

### 39- شهادت در حال نماز

حضرت سيد الشهداء عليه‌السلام به برادرش فرمود كه: اگر من به لانه حيوانات پناه ببرم بنى اميه بر من دست پيدا مى كنند مى داند كه او را مى كشند و جناب امير مومنين عليه‌السلام مى دانست او را شهيد مى كنند، من عالم مى دانم كه مرا مى كشند حالا كه مى داند خوب چرا توى خانه؟ چرا توى دهليز؟ چرا توى يك بيابانى بى اطلاع؟ خوب، حالا كه مرا مى كشند طورى كشته و شهيد شوم كه خون من هدر نرود مظلوميت من برملا بشود، آنها كه بالاخره على عليه‌السلام را مى كشتند لذا مى رود به مسجد اگر مسجد هم نمى رفت آن شب او را مى كشتند.

به يك وجه ديگر چه بهتر كه حقانيتشان را بر مردم معلوم كنند، در مسجد سر نماز (مسجد مامن مردم است) كه قساوت و شقاوت را خوب برساند اين را اختيار كرد، اين مسير را برگزيده است نبايد گفت چرا على امير المومنين تن به تهلكه داده چرا؟ قرآن كه مى فرمايد: (وَلا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ). انسان بالاتر از اين حرف هاست.

اينها دست از امام حسين بر نمى داشتند به هر طريقى او را مى كشتند، ولى امام جهاد و شهادت را اختيار كرد، و در ميدان جهاد، درس استقامت و آزادى و شهادت و بندگى و معنويت و مناجات و عبادت و برپايى نماز براى تمام انسان ها داد.

نماز حقيقى را امام در شب، صبح و ظهر عاشورا به تصوير كشيد، اگر چه فيلمبردار آنجا نبود، ولى انسان با چشم بينا مى تواند الان هم ببيند چونكه آنها حق بودند و حق هم نابود شدنى نيست، تا ابد اين فيلم نماز كربلا زنده و پايدار است.

در قيامت خداوند تمام صف كربلا را به عالم محشر نشان مى دهد، واقعا ركوع و سجود امام ديدنى است. واقعا آنها چقدر قسى القلب بودند، كه به قلب نماز و به قلب نمازگزار تير زدند.

دشمنان با اين كار ثابت كردند كه نمازگزار واقعى نيستند، بلكه نمازگزار واقعى امام حسين و يارانش مى باشند، اگر آنها نمازگزار واقعى بودند به نماز و نمازگزار تير نمى زدند.

الف) عصر روز تاسوعا

### 40- به خاطر نماز جنگ را به تاخير انداختند

بنا به نقل طبرى عصر پنچ شنبه نهم محرم، عمر سعد فرمان حمله داد و لشكر به حركت در آمد امام عليه‌السلام در آن ساعت در بيرون خيمه به شمشيرش تكيه نموده خواب خفيفى بر چشمانش مستولى شد.

و چون زينب كبرى عليه‌السلام سر و صداى لشكر عمر سعد را شنيد و جنب و جوش آنها را ديد به نزد امام آمد و عرضه داشت: برادر! اينك دشمن به خيمه ها نزديك شده است. امام عليه‌السلام سر برداشت و اول اين جمله را گفت: «إِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اَللَّهِ...، اينك جدم رسول خدا را در خواب ديدم كه به من فرمود: فرزندم به زودى نزد من خواهى آمد». سپس برادرش ابوالفضل عليه‌السلام را خطاب كرد و چنين گفت: جانم به قربانت! سوار شو و با اينها ملاقات كن و انگيزه و هدف آنان را بپرس.

طبق فرمان امام عليه‌السلام حضرت ابوالفضل با بيست تن زهيربن قين و حبيب بن مظاهر نيز در ميان آنان ديده مى شد به سوى دشمن حركت نموده و در مقابل آنان قرار گرفت و انگيزه حركتشان را سوال نمود.

لشكريان عمر سعد در جواب او گفتند: اينك از سوى امير (ابن زياد) حكم تازه اى رسيده است كه بايد شما بيعت كنيد والا وارد جنگ خواهيم گرديد.

حضرت ابوالفضل به سوى امام برگشت و پيشنهاد آنان را به عرض آن حضرت رسانيد.

امام در پاسخ وى چنين فرمود: «به سوى آنان بازگرد و اگر توانستى همين امشب را مهلت بگير و جنگ را به فردا موكول بكن تا ما امشب را به نماز و استغفار و مناجات با پروردگارمان بپردازيم، زيرا خدا مى داند كه من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شديد دارم.»

ابوالفضل عليه‌السلام برگشت و تقاضاى مهلت يكشبه نمود. عمر سعد چون در قبول اين پيشنهاد مردد بود موضوع را با فرماندهان لشكر مطرح و نظر آنان را جويا گرديد.

يكى از فرماندگان به نام «عمرو بن حجاج» گفت: سبحان الله! اگر اينها از ترك و ديلم بودند و چنين مهلتى را از تو در خواست مى كردند بايستى به آنان جواب مثبت مى دادى «يكى ديگر از فرماندهان گفت: به عقيده من هم بايد به اين درخواست حسين جواب مثبت داد، زيرا اين درخواست وى نه براى عقب نشينى آنها از جبهه و نه براى تجديد نظر است بلكه به خدا سوگند! فردا اينها پيش از تو به جنگ شروع خواهند نمود.

عمر سعد گفت: اگر چنين است پس چرا شب را به آنان مهلت بدهيم؟ به هر حال، پس از گفتگوى زياد، پاسخ عمر سعد به حضرت ابوالفضل عليه‌السلام اين بود: ما امشب را به شما مهلت مى دهيم اگر تسليم شديد و به فرمان امير گردن نهاديد به نزد او مى بريم و اگر امتناع كرديد ما هم شما را به حال خود باقى نخواهيم گذاشت و جنگ است كه سرنوشت شما را تعيين خواهد نمود.

و بدينگونه با درخواست امام عليه‌السلام موافقت گرديد و شب عاشورا به وى مهلت داده شد.

### 41- سخنرانى بعد از نماز مغرب

از اين درخواست امام عليه‌السلام براى مهلت گرفتن در شب عاشورا مى توان به اهميت نماز و دعا و نيايش و تلاوت قرآن پى برد كه آن حضرت تا آنجا به اين مسائل علاقه دارد كه از دشمن ناجوانمردش درخواست مهلت مى كند تا يك شب ديگر از عمر خويش را با اين اعمال بگذارند. و چرا چنين نباشد كه حسين عليه‌السلام براى ترويج و زنده ساختن نماز و قرآن و شعارهاى الهى بدينجا آمده است و مناجات و نيايش با پروردگار بهترين و لذت بخش ترين دقايق زندگى اوست و بايد هر ملتى كه براى خدا قيام مى كند، همين اعمال را شعار و ملاك عمل خويش قرار بدهد.

حسين بن على عليه‌السلام نزديك غروب تاسوعا و پس از آنكه از طرف دشمن مهلت داده شد (و يا پس از نماز مغرب) در ميان افراد بنى هاشم و ياران خويش قرار گرفته اين خطابه را ايراد نمود:

«خداى را به بهترين وجه ستايش كرده و در شدايد و آسايش و رنج و رفاه، مقابل نعمت هايش سپاسگزارم. خدايا! تو را مى ستايم كه بر ما خاندان، با نبوت، كرامت بخشيدى و قرآن را به ما آموختى و به دين و آيين مان آشنا ساختى و به ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بين) و قلب (روشن) عطا فرموده اى و از گروه مشرك و خدا نشناس قرار ندادى. اما بعد: من اصحاب و يارانى بهتر از ياران خود نديده ام و اهل بيت و خاندانى باوفاتر و صديق تر از اهل بيت خود سراغ ندارم. خداوند به همه شما جزاى خير دهد.

آنگاه فرمود: جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله خبر داده بود كه من به عراق فرا خوانده مى شوم و در محلى به نام «عمورا» و يا «كربلا» فرود آمده و در همانجا به شهادت مى رسم و اينك وقت اين شهادت رسيده است به اعتقاد من همين فردا، دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد نمود و حالا شما آزاد هستيد و من بيعت خود را از شما برداشتم و به همه شما اجازه مى دهم كه از اين سياهى شب استفاده كرده و هر يك از شما دست يكى از افراد خانواده مرا بگيرد و به سوى آبادى و شهر خويش حركت كند و جان خود را از مرگ نجات بخشيد، زيرا اين مردم فقط در تعقيب من هستند و اگر بر من دست بيابند با ديگران كارى نخواهند داشت، خداوند به همه شما جزاى خير و پاداش نيك عنايت كند.»

ب) نماز در شب عاشورا

### 42- شب معراج

در عصر تاسوعا، لشكر عمر سعد طبق دستور عبيد الله زياد حمله كردند. و همان شبانه مى خواستند با حسين عليه‌السلام بجنگند، حسين به وسيله برادرش ابوالفصل العباس عليه‌السلام از اينها مى خواهد كه يك شب را مهلت بدهند، مى گويد: برادر جان به اينها بگو همين امشب را به ما مهلت بدهند.

من فردا مى جنگم من اهل تسليم نيستم، مى جنگم اما يك امشب را به ما مهلت بدهند فردا (وقت غروب بود) بعد براى اينكه گمان نكنند كه حسين مى خواهد دفع الوقت بكند اين جمله را گفت: برادر! خدا خودش مى داند كه من مناجات با او را دوست دارم. من مى خواهم امشب را به عنوان شب آخر عمرم با خداى خودم مناجات بكنم و شب توبه و استغفار خودم قرار بدهم.

آن شب عاشورا اگر بدانيد چه شبى بود! معراج بود يك دنيا شادى و بهجت و مسرت حكمفرما بود. در آن شب خودشان را پاكيزه مى كردند، خيمه اى بود به نام خيمه تنظيف كسى داخل خيمه بود و دو نفر ديگر بيرون خيمه ايستاده و نوبت گرفته بودند. يكى از آنها كه ظاهرا برير است با ديگرى شوخى و مزاح مى كرد ديگرى به او گفت: امشب شب مزاح نيست! او گفت اساسا من اهل مزاح نيستم، ولى امشب شب مزاح است. وقتى كه ديگران آمدند اين توابين و مستغفرين را ديدند مى دانيد درباره شان چه گفتند؟ پس از آنكه از كنار خيمه هاى حسين عليه‌السلام گذشتند گفتند (دشمن اين حرف را مى گويد): «لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ». (33)

مثل اينكه انسان از كنار كندوى زنبور عسل گذشته باشد صداى زمزمه زنبورها چگونه بلند است؟

امام حسين عليه‌السلام مى گويد: من امشب را مى خواهم شب توبه و استغفار خودم قرار بدهم (مى خواهد شب معراج خودش قرار بدهد) آن وقت آيا ما نيازى به توبه نداريم؟ آنها نياز دارند و ما نيازى نداريم؟ بله آن شب را حسين بن على عليه‌السلام با اين وضع به سر برد با حال عبادت به سر برد به كارهاى خود و اهل بيتش رسيدگى كرد و در آن شب بود كه خطابه اى غرا را براى اصحاب خودش قرائت كرد (34).

### 43- تا صبح در حال عبادت

«ضحاك بن عبدالله» مى گويد: شب عاشورا امام حسين عليه‌السلام و يارانش تا صبح در حال نماز و استغفار و دعا و زارى بودند (35).

### 44- نماز جماعت شب عاشورا

شب عاشورا حسين بن على عليه‌السلام آخرين نماز جماعت مغرب و عشا را تشكيل داد. پس از نماز سخنرانى كوتاهى داشت.

### 45- تمام شب براى عبادت

در حديثى از امام سجاد عليه‌السلام آمده است، پدرم حسين عليه‌السلام به نزد ياران خويش رفت و به ايشان دستور داد خيمه ها را نزديك هم بزنند و طنابهاى آنها را در هم داخل كنند و آنها را چنان نصب نمايند كه خود ميان آنها قرار گيرند تا با دشمنان از يك طرف رو به رو شوند و خيمه ها در پشت سر و سمت راست و چپ ايشان قرار داشته باشند كه از سه سمت ايشان را احاطه كرده باشد، جز آن سمت كه دشمن به نزد ايشان آيد سپس خود آن حضرت به جاى خود بازگشت و همه شب را به نماز و دعا و استغفار آن شب را به پايان بردند و پس از مختصر استراحتى كه حضرت كرد نماز صبح را با اصحاب خويش به جماعت به جا آورد و بعد به تدارك و آماده سازى سپاه پرداخت. (36)

ج) نماز صبح عاشورا

### 46- اذان گفتن امام در صبح عاشورا

در جريان شهادت حضرت امام حسين عليه‌السلام آمده است:

كه صبح عاشورا آن حضرت خود اذان و اقامه گفته و نماز صبح را با اصحابشان خواندند.

قابل توجه است كه امام حسين در صبح روز عاشورا آخرين روز عمرش اقتدا به پدر بزرگوار خود كرده و همانگونه كه اميرالمومنين عليه‌السلام در صبح نوزدهم ماه مبارك رمضان خود اذان گفتند امام حسين عليه‌السلام هم در صبح عاشورا با داشتن موذن مخصوص خودشان اذان گفتند. (37)

### 47- سخنرانى بعد از نماز صبح عاشورا

بنا به نقل ابن قولويه و مسعودى حسين بن على عليه‌السلام آنگاه كه نماز صبح را به جاى آورد، رو به سوى نمازگزاران نموده پس از حمد و سپاس خداوند به آنان چنين فرمود: «ان الله تعالى اذن...، خداوند به كشته شدن شما و كشته شدن من در اين روز اذن داده است و بر شماست كه صبر و شكيبايى در پيش گرفته و با دشمن بجنگيد.»

د) نماز ظهر عاشورا

### 48- اذان براى ظهر عاشورا

هنگام ظهر فرا رسيد (دو سپاه آماده شدند كه به امامت امام حسين عليه‌السلام نماز جماعت را بخوانند) امام حسين عليه‌السلام به پسرش امام زين العابدين عليه‌السلام و يا حضرت على اكبر عليه‌السلام فرمود: اذان و اقامه بگو! وى اذان و اقامه گفت و سپس نماز خواندند. (38)

چه خوب است هنگام ظهر عاشورا در سراسر كشور تمام جوانان به اذان گوى جوان كربلا اقتدا كنند، و صداى اذان در فضاى كشور طنين انداز شود. و نماز جماعت اقامه گردد، و رعب و وحشى در دل دشمنان بيفتد، تا همين امر سبب وحدت در بين نمازگزاران گردد.

### 49- موذن امام

پس از محبت و پذيرايى امام از حر و سپاهيان او و استراحت مختصر حر، موقع ظهر و وقت نماز فرار رسيد، امام به «حجاج بن مسروق» موذن مخصوصش فرمود: «اذن يرحملك الله و اقم للصلوة نصلى، خدا رحمتت كند اذان و اقامه بگو تا نمازمان را بخوانيم.»

حجاج مشغول اذان گرديد، امام به «حر» فرمود: تو نيز با ما نماز مى خوانى يا مستقل و با سپاهيانت مى خوانى؟

عرضه داشت: نه، ما هم به شما و در يك صف به نماز مى ايستيم.

امام در جلو و يارانش و «حر» و سپاهيانش در پشت سر آن حضرت ايستادند و نماز ظهر را با آن حضرت به جاى آوردند. (39)

### 50- ياد آورى وقت نماز ظهر

«عمرو بن كعب» معروف به ابو ثمامه صائدى يكى از ياران حسين بن على عليه‌السلام چون متوجه گرديد كه اول ظهر است، به آن حضرت عرضه داشت: جانم به فدايت! گرچه اين مردم به حملات پى در پى خود ادامه مى دهند ولى به خدا سوگند! تا مرا نكشته اند نمى توانند به تو دست بيابند، من دوست دارم آنگاه به لقاى پروردگار نايل گردم كه اين يك نماز ديگر را نيز به امامت تو به جاى آورده باشم.

امام عليه‌السلام در پاسخ وى فرمود: «ذكرت الصلوة جعلك الله من المصلين الذاكرين، نعم هذا اول وقتها، نماز را به ياد ما انداختى خدا تو را از نمازگزارانى كه به ياد خدا هستند قرار بدهد.» آرى! اينك وقت نماز فرا رسيده است از دشمن بخواهيد كه موقتا دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جاى بياوريم.»

و چون به لشكر كوفه پيشنهاد آتش بس موقت داده شد، حصين يكى از سران لشكر باطل گفت: انها لا تقبل، نمازى كه شما مى خوانيد مورد قبول پروردگار نيست.»

حبيب بن مظاهر به او پاسخ گفت و در اين رابطه باز جنگ شديدى در گرفت كه منجر به كشته شدن وى گرديد.

و در نتيجه حسين بن على عليه‌السلام با چند تن از يارانش در مقابل تيرها كه مانند قطرات باران به سوى خيمه ها سرازير بود نماز ظهر را به جاى آورد و چند تن از يارانش به هنگام نماز به خاك و خون غلتيدند و در صف نمازگزارانى كه واقعا به خدا هستند قرار گرفتند.

ابو ثمامه همانگونه كه تصميم گرفته بود پس از اداى فريضه ظهر پيش از همه ياران آن حضرت به جلو آمد و عرضه داشت:

«يا ابا عبدالله! جعلت فداك قد هممت اءن اءلحق باصحابك و كرهت اءن اتخلف فاءراك وحيدا فى اهلك قتيلا؛ جانم به قربانت! من تصميم گرفته ام كه هر چه زودتر به ياران شهيد تو بپيوندم و خوش ندارم كه خود را كنار بكشم و ببينم كه تو در ميان اهل و عيالت تنها مانده و كشته مى شوى.»

امام عليه‌السلام در پاسخ وى فرمود: «تقدم فانا لا حقون بك عن ساعة، به سوى دشمن بتاز ما نيز به زودى به تو ملحق خواهيم شد».

با صدور اين فرمان، او به صفوف دشمن حمله كرد و جنگ نمود تا به دست پسر عمويش قيس بن عبدالله صائدى به شهادت نايل گرديد. (40)

### 51- اولين شهيد نماز در جبهه كربلا

عموم مورخين گفته اند كه: سعيد بن عبدالله حنفى، سينه و سر و صورت خود را سپر آن حضرت و ياران او قرار داد تا نماز بخوانند و چون زخم ها بر بدن او فراوان شد و نتوانست روى پاى خود بايستد بر زمين افتاد و در حالى كه مى گفت: «اللهم العنهم لعن عاد و ثمود و ابلغ نبيك منى السلام و ابلغه ما لقيت من الم الجراح فانى اردت بذلك ثوابك فى نصرة ذرية نبيك صلى الله عليه و اله و سلم؛

يعنى خدايا! ايشان را همانند قوم عاد و ثمود از رحمت خويش دور گردان و پيامبرت را از طرف من درود فرست و اين درد و زخمى را كه به من رسيد به او ابلاغ فرما، كه هدف من در اين كار يارى فرزند پيامبر تو بود.»

آنگاه روى خود را به سوى امام حسين عليه‌السلام كرد و عرض كرد:

«اوفيت يا بن رسول الله، يعنى آيا به عهد خود وفا كردم.؟»

امام حسين عليه‌السلام فرمود: «نعم انت امامى فى الجنه، يعنى آرى! تو در بهشت پيش روى من هستى.» به دنبال اين سخن بود كه روح از بدن او پرواز كرد و در بدن او سيزده تير مشاهده كردند و اين غير از زخم ها و ضربه هاى ديگرى بود كه بر او وارد شده بود.

رضوان الله و سلامه و بركاته عليه و على من استشهد معه. (41)

### 52- جنگ بعد از نماز ظهر

يكى از اسرار جنگ در اسلام اين است كه جنگ مستحب است از ظهر به بعد شروع شود و قبل از ظهر مكروه است. مگر اينكه دشمن حمله كند، در اين صورت در تمام اوقات انسان مى تواند حمله او را پاسخ دهد.

جنگ كردن قبل از ظهر مكروه است اما از ظهر به بعد مستحب است، چرا؟

راز اين نكته در كتب فقهى ما كه از اين روايات استفاده كرده اند اين چنين بيان مى شود كه: درهاى رحمت هنگام ظهر باز است. بلكه خداى سبحان قلب كفار و منافقين را هدايت كند كه به اسلام گرايش پيدا كنند و خونى ريخته نشود.

اين راز جهاد در ميدان جنگ است كه آن هم حكمى خاص دارد، مرحوم صاحب جواهر رحمه‌الله مى گويد: «سيد الشهداء شخصا از ظهر به بعد روز عاشورا وارد ميدان شده است، اصحابش قبل از ظهر دفاع كرده اند اما آنچه مربوط به خود حضرت است از ظهر به بعد است لذا نماز ظهر را وى در آن حالت خواندند، سپس وارد ميدان شدند. ظهر كه مى شود درهاى رحمت باز است وقتى كه درهاى رحمت باز شد ايشان از خداى سبحان رحمت كامله مسألت مى كند.»

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است: «هنگام ظهر درهاى رحمت باز است، درهاى بهشت باز است، و دعاها هم مستجاب است. (42)»

### 53- نماز خوف در صحراى كربلا

نماز خوف مثل نماز مسافر دو ركعت است نه چهار ركعت. يعنى انسان اگر در وطن هم باشد باز بايد دو ركعت بخواند، براى اينكه مجال نيست و در آنجا بايد مختصر خواند، چون اگر همه به نماز بايستند وضع دفاعى شان به هم مى خورد. سربازان موظف هستند در حال نماز نيمى در مقابل دشمن بايستند و نيمى به امام جماعت اقتدا كنند امام جماعت يك ركعت را كه خواند صبر مى كند تا آنها ركعت ديگرشان را بخوانند بعد آنها مى روند پست را از رفقاى خودشان مى گيرند در حالى كه امام همينطور منتظر نشسته يا ايستاده است سربازان ديگر مى آيند و نمازشان را با ركعت دوم امام مى خوانند.

حضرت ابا عبدالله عليه‌السلام چنين نماز خوفى خواند، ولى وضع ابا عبدالله عليه‌السلام يك وضع خاصى بود، زيرا چندان از دشمن دور نبودند. لهذا آن عده اى كه مى خواستند دفاع كنند نزديك ابا عبدالله ايستاده بودند و دشمن بى حياى بى شرم حتى در اين لحظه هم آنها را راحت نگذاشت در حالى كه ابا عبدالله مشغول نماز بود دشمن شروع به تيراندازى كرد، دو نوع تيراندازى هم تير زبان كه يكى فرياد كرد: حسين! نماز نخوان نماز فايده اى ندارد! تو بر پيشواى زمان خودت يزيد، ياغى هستى، لذا نماز تو قبول نيست!

و هم تيرهايى كه از كمان هاى معمولى شان پرتاب مى كردند يكى دو نفر از صحابه ابا عبدالله كه خودشان را براى ايشان سپر قرار داده بودند روى خاك افتادند. يكى از آنها سعيد بن عبدالله حنفى به حالى افتاد كه وقتى نماز ابا عبدالله تمام شد ديگر نزديك جان دادنش بود، آقا خودشان را به بالين او رساندند وقتى به بالين او رسيدند او جمله عجيبى گفت، عرض كرد، يا ابا عبدالله! اوفيت؟ آيا من حق وفا را به جا آوردم؟ مثل اينكه هنوز هم فكر مى كرد كه حق حسين آنقدر بزرگ و بالاست كه اين مقدار فداكارى هم شايد كافى نباشد اين بود نماز ابا عبدالله در صحراى كربلا. (43)

### 54- دعا در آخرين لحظات روز عاشورا

آخرين دعاى امام حسين عليه‌السلام در حالى كه با بدن غرق در خون بر خاك افتاده بود اين بود:

«اللهم متعالى المكان، عظيم الجبروت شديد المحال غنى عن الخلائق، عريض الكبرياء قادر على ما يشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابق النعمة حسن البلاء قريب اذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك قادر على ما اردت و مدرك ما طلبت و شكور اذا شكرت و ذكور اذا ذكرت. ادعوك محتاجا و ارغب اليك فقيرا و افزع اليك خائفا و ابكى اليك مكروبا و استعين بك ضعيفا و اتوكل عليك كافيا احكم بيننا و بين قومنا بالحق فانهم غرونا و خدعونا و غدرونا و قتلونا و نحن عتره نبيك و ولد حبيبك محمد بن عبدالله الذى اصطفيته بالرسالة و ائتمنته على وصيك فاجعل لنا من امرنا فرجا و مخرجا برحمتك يا ارحم الراحمين»؛

«پروردگارا! جايگاهت برتر، قدرت بسيار و قهر و غضبت شديد مى باشد. بى نياز از مخلوقات، داراى قدرت گسترده، قادر بر هر چه بخواهد، داراى رحمت نزديك و وعده راست، نعمت گسترده، و بلاء نيكو، آنگاه كه خوانده شوى نزديك هستى، و بر آنچه خلق كردى محيط هستى، توبه را از كسى كه به سوى تو بازگشت كند مى پذيرى، بر آنچه بخواهى قادرى و هر چه را بخواهى مى يابى، هنگامى كه شكر تو را گذارند شكر گذار بوده، و هرگاه ياد شوى متذكر آنان مى گردى.

تو را با نيازمندى خوانده و با فقر و بى چيزى و به سوى تو توجه مى كنم و با ترس به سوى تو روى مى آورم و با ناراحتى به سوى تو مى گيريم و با ناتوانى از تو يارى مى خواهم و بر تو، توكل مى كنم در حالى كه تو را كافى مى دانم. بين ما و قوم ما با حق حكم نما، به درستى كه آنان ما را فريب داده و مكر و خدعه زدند و ما را كشتند در حالى كه ما خاندان پيامبرت و فرزندان دوست تو محمد بن عبدالله مى باشيم كه او را به رسالت برگزيده و بر وحيت او را امين قرار دادى پس در كار ما فرج و گشايش قرار ده. به رحمتت اى مهربان ترين مهربانان.» (44)

### 55- علت تاخير افتادن جنگ

يكى از دلايل به تاخير افكندن پيكار با دشمن، يافتن فرصت ديگرى براى راز و مناجات و نيايش با خدا در شب عاشورا بود به همين جهت پس از پاسى از شب به دعا مشغول شد و تا صبحگاه بر حال نيايش بود و دعاى شبانگاهى اش به اين دعاى صبحگاهى پيوند خورد كه فرمود:

«بار پروردگارا! تو در تمام غم و اندوه و پناهگاه و در هر رخداد سخت و ناگوار مايه اميد و در هر حادثه اى پناه و سلاح من هستى.

چه بسيار غم هايى كه دل هايى در برابر آن ناتوان و راه چاره در برطرف ساختن آن مسدود مى گردد دوستان و دشمنان زبان به لرزش و شماتت مى گشايند كه من همه را به بارگاه تو آوردم و به تو شكايت كرده و از ديگران قطع اميد نمودم و تنها تو بودى كه به داد من رسيدى و اين غم هاى كمرشكن را برطرف ساختى و مرا از امواج سهمگين بالا رهانيدى.»

### 56- ياد خدا تا لحظه شهادت

امام حسين عليه‌السلام از عصر تاسوعا تا عصر عاشورا در تمامى حالات و شرايط و در همه گفتار و كردار و حركات و سكنات خويش به ياد خدا و ياد آورى پيمان با او و تاكيد بر پايبندى بر عهد خويش با خدا بود و تا لحظاتى كه بر پيمانش با خدا وفا نكرد و حق امانت را ادا ننمود به كار ديگرى حتى صرف غذا نينديشيد و اين در حالى بود كه زبان مباركش تا هنگامى كه تر بود و گردش مى كرد به ذكر خدا مشغول بود.

### 57- آخرين سجده خونين حسين عليه‌السلام

دو يا سه ساعت بعد از نماز ظهر عاشورا براى امام حسين عليه‌السلام نماز ديگرى پيش آمد ركوع ديگرى پيش آمد سجود ديگرى پيش آمد. شكل ديگرى ذكر گفت، اما ركوع ابا عبدالله آن وقتى بود كه تير به سينه مقدسش وارد شد و ابا عبدالله به چه شكلى بود؟ سجود بر پيشانى نشد، چون ابا عبدالله قهرا از روى اسب بر زمين افتاد، طرف راست صورتش را روى خاك هاى گرم كربلا گذاشت ذكر ابا عبدالله اين بود.

«بسم الله و بالله و على ملة رسول الله.»

سيد بن طاووس در لهوف نقل كرده:

«لما سقط عن فرسه الى الارض على خده الايمن، هنگامى كه از اسب بر روى گونه راستش بر زمين افتاد چنين گفت: بسم الله و بالله و على ملة رسول الله؛ به نام خدا و به ياد او و به راه پيامبر.»

### 58- دعا قبل از شهادتش

روايت شده آن حضرت لحظاتى چند خون آلود روى زمين افتاد بودند و چهره شان به سوى آسمان بود و مى فرمود: «يا الهى! صبرا على قضائك لا معبود سواك يا غياث المستغيثين.»

خداوندا! بر قضا و قدرت صبر مى كنم، معبودى جز تو نيست اى فرياد رس فرياد خواهان! (45)»

### 59- توجه به خيام و نماز

امام حسين عليه‌السلام در عين جنگ، ناگزير است گاهگاهى از اهل حرم خبر گيرد. حال و احوال آنها را بپرسد، به آنان دلدارى و تسليت دهد، در آنان آمادگى براى مصائب بعدى را فراهم سازد.

از سوى ديگر او در خيمه بيمارى دارد، امام سجاد عليه‌السلام، كه تمام روز عاشورا در حال بيمارى شديد و گاهى در حال اغماء است. هر چند گاهى سرى به خيمه او مى زد، با او سخن مى گفت، ودايع امامت را به او مى سپرد.

آخر او امام بعدى است، رئيس قافله اسيران است او بايد رسالت خطير بعدى را بر عهده گيرد.

در عين حال، وقت نماز است. او بايد به نماز بايستد و در ميان مردم و در ميدان جنگ نماز بخواند تا هم شبهه كفر و بى ايمانى را از خود بزدايد و هم به ديگران بفهماند كه نماز مهم است و در هيچ حالتى از حالات حتى در بحبوحه جنگ و فراموش نمى گردد. حتى در ميان تير و شمشير و حتى با چهره خونين. (46)

### 60- دعوت به بهشت بعد از نماز ظهر

نماز جماعت به پايان رسيد، امام رو به نمازگزاران گرداند و سخنان خويش را با حمد و سپاس خداوند آغاز كرد، آن گاه فرمود: خداوند در اين روز كشته شدن شما و مرا امضا كرده است.

«صبرا يا بنى الكرام فما الموت الا قنطرة تعبر بكم عن البوس و الضراء الى الجنان الواسعة النعم الدائمه؛

بر شماست كه صبر و شكيبايى پيش گيريد اى بزرگ زادگان! صبر كنيد كه مرگ پلى بيش نيست كه شما را از سختى ها و رنج ها به بهشت گسترده و نعمت هاى جاويد مى رساند. پس كدام يك از شما به خاطر انتقال از كاخ به زندان و شكنجه گاه است. همانا پدرم از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت كرد كه آن حضرت مى فرمود: دنيا براى مومن همانند زندان و براى كافر همچون بهشت است و مرگ پل مومنان به سوى بهشت هايشان و پل كافران به سوى دوزخ آنان است. نه دوزخ شنيده ام و نه دوزخ مى گويم!»

ه‍) نماز اصحاب امام حسين

### 61- بهترين اصحاب امام حسين

قضيه معروفى است درباره يكى از علماى بزرگ شيعه منقول است.

يكى از علماى قم براى من نقل مى كرد كه مرحوم فيض درباره اين جمله كه از حضرت امام حسين عليه‌السلام نقل شده است كه ايشان در شب عاشورا فرمودند: من اصحابى بهتر از اصحاب خودم سراغ ندارم، مى گفت: من باور نمى كنم چنين چيزى را امام فرموده باشد.

گفته بودند: چرا؟

گفته بود: مگر آنها چه كار كردند كه امام بگويد اصحابى از اينها بالاتر نيست. آنهايى كه امام حسين را كشتند خيلى آدم هاى بدى بودند، اينهايى كه امام حسين را يارى كردند كار مهمى انجام ندادند. هر مسلمانى جاى آنها مى بود، وقتى مى گفتند: فرزند پيغمبر، و امام زمانشان در دست دشمن تنها مانده است، قهرا مى ايستاد.

يك شب در عالم رويا ديد كه صحراى كربلاست، امام حسين با 72 تن در يك طرف، لشكر 30 هزار نفرى دشمن هم در طرف ديگر. آن جريان به نظرش آمد كه موقع ظهر است و مى خواهند نماز بخوانند. حضرت امام حسين عليه‌السلام به همين آقا فرمودند: شما جلو بايستيد تا ما نماز بخوانيم. (همانطور كه سعيد بن عبدالله حنفى و يكى دو نفر ديگر خودشان را سپر قرار دادند.)

دشمن تير اندازى مى كرد. آقا رفت جلو ايستاد. اولين تير از دشمن داشت مى آمد. تا ديد تير دارد مى آيد، خم شد. ناگاه ديد كه تير اصابت كرد به امام. در همان عالم خواب گفت: «استغفر الله و اتوب اليه»، عجب كار بدى كردم! اين دفعه ديگر چنين كارى نمى كنم. دفعه دوم تير آمد. تا نزديك او شد دو مرتبه خودش را خم كرد. چند دفعه اين جريان تكرار شد، ديد بى اختيار خم مى شود. در اين هنگام امام به او فرمود: انى لا اعلم اصحابا خيرا ولا افضل من اصحابى؛ من اصحابى از اصحاب خودم بهتر نمى شناسم. يعنى تو خيال كرده اى هر كه كتاب خواند مجاهد مى شود؟ اين حقيقتى است: من لم يغز و لم يحدث نفسه بغزو مات على شعبة من النفاق؛ كسى كه عملا مجاهد نبوده است يا لااقل اين انديشه را نداشته كه مجاهد باشد در درون روحش يك دو رويى وجود دارد يعنى موقع جهاد كه مى شود در مى رود. (47)

### 62- نماز مسلم بن عقيل

در كتاب مقتل ابى مخنف آمده است: وقتى كه مسلم را به بالاى دار الاماره بردند گفت: بگذاريد تا دو ركعت نماز به جا آورم، آن گاه هر چه مى خواهيد بكنيد، اما آنها به حرف مسلم گوش ندادند (هر چند در بين عوام مشهور است كه دو ركعت نماز خوانده است).

مسلم به گريه در آمد و اشعارى را فرمود، سپس ابن زياد صدا زد او را از بالا به زير افكندند.

در روايت ديگر آمده كه وقتى مسلم را براى كشتن به بالاى قصر مى بردند، همچنان به تسبيح و تكبير مشغول بود و استغفار مى كرد و به رسول الله و خاندانش درود مى فرمود. تا اين كه در همان حال او را به شهادت رساندند و پيكرش را به پايين انداختند.

### 63- مناجات ياران امام

ياران حسين در شب عاشورا اشتغالاتى داشتند از جمله:

- آماده سازى اسلحه و صيقل دادن آن، اصلاح سپر، آزمايش كمان ها و...

- دعا و عبادت، تلاوت قرآن، مناجات، گريه و ناله هاى جانسوز، آن چنان كه شب عاشورا ياد آور شب هاى مناجات على عليه‌السلام بود و بيدار كننده خاطره شب قدر.

- نماز و سجده هاى طولانى، تقاضاى سعادت، عرض اخلاص در راه خدا. (48)

### 64- ايمان و اخلاص ياران امام

يارانى كه امام براى كار و تلاش خود برگزيده يارانى پاك و خالص و با صفا بودند و ارزيابى از آنها در موارد زير قابل دقت است.

در بُعد ايمان: در ايمان استوار و قوى بودند و جوهره اصلى ايمانشان در روز عاشورا معلوم شد كه با چه استوارى و عشقى به پيش رفتند و تا آخرين نفس بر ايمان خود پايدار ماندند.

در جنبه عبادت: همه از عابدان و بندگان خالص خدا بودند. همه اهل نماز شب، اهل تلاوت قرآن، اهل ذكر و مناجات و دعا و در پيشگاه خدا خاضع بودند. در وسط جنگ در روز عاشورا در ميان تيرها و نيزه ها، در ميدان كربلا به نماز جماعت ايستادند.

در جنبه اخلاص: ياران حسين هر چه داشتند در طبق اخلاص نهاده و به پيشگاه خدا عرضه كرده اند. خود را بر حق مى دانستند و با تمام وجود مى جنگيدند، مى خواستند خداى را از خود راضى كنند. حتى در شدت جراحات به فكر درد نبودند، در انديشه فداكارى در راه خدا بودند.

اخلاص به امام: عباس عليه‌السلام وارد شريعه آب شد، ولى به ياد تشنگى امام از وسط شريعه آب تشنه لب برگشت. سيف بن حارث براى امام گريه مى كرد و درباره علت گريه مى گفت: براى اين است كه نمى توانيم براى تو كارى انجام دهيم. غلام ابوذر با عجز و لابه از امام اجازه شهادت مى گرفت و مى گفت: مرا از شهادت محروم مكن! (49)

### 65- نماز يكى از اصحاب امام حسين عليه‌السلام

برير يكى از مشايخ و علماى كوفه بود. از القابش سيد القراء است، در تفسير و تدريس قرآن بر همه اصحاب مقدم بود با على عليه‌السلام مصاحبت داشته و چهل سال نماز صبحش را با وضوى نماز عشايش خوانده است، آن قدر كم خوراك بود كه اقتضاى تجديد وضو هم در او ديده نمى شده است،

در بعضى از شب ها يك ختم قرآن مى كرد. كتابى در فضاى اسلامى نوشته است در مكه به امام ملحق شد و در شب عاشورا نخستين كسى بود كه برخاست و اعلام آمادگى كرد و در آن شب با برخى از اصحاب مزاح و شوخى مى كرد. شب عاشورا سيد الشهداء به اصحاب فرمود: برويد لباس هايتان را تميز كنيد. فردا لباس تميز در بر نماييد تا كفن هاى شما باشد زيرا شما را كفن نمى كنند.

بعد هر كدام به خيمه خود رفتند و عبادت و مناجات با خدا را شروع كردند، بعضى به ذكر ركوع و برخى به ذكر سجود شب را تا صبح مناجات مى كردند دعا مى خواندند و وداع مى نمودند.

### 66- خسته ناپذير

گرچه اصحاب ابا عبدالله عليه‌السلام شب قبل از روز عاشورا را به جاى خواب و استراحت به نماز و قرآن و استغفار و مناجات با محبوب به سر بردند و ظاهرا بايد از نيروى جسمى و بدنى آنان كاسته شده باشد، ولى عشق به آن نيرو بخشيده است. عشق به خدا، عشق به شهادت در راه خدا و در ركاب بهترين برگزيده حق حجت خدا و امام زمان حضرت ابا عبدالله الحسين. (50)

و) نماز حضرت زينب سلام الله عليها

### 67- نماز شب حضرت زينت

از حضرت فاطمه عليها‌السلام دختر امام حسين عليه‌السلام نقل شده كه درباره عبادت شب دهم عمه اش زينب عليها‌السلام گفته است: «و اما عمتى زينب، فانها لم تزل قائمة فى تلك الليلة - اى عاشرة من المحرم - فى محرابها تستغيث الى ربها، و ما هداءت لنا عين و لا سكنت لنا زفر (51)؛

و اما عمه ام زينب پس او همچنان در آن شب - شب عاشورا - در جايگاه عبادت خود ايستاده بود، و به درگاه خداى تعالى استغاثه مى كرد، و در آن شب چشم هيچ يك از ما به خواب نرفت، و صداى ناله ما قطع نشد.»

امام سجاد عليه‌السلام در اين خصوص فرموده است: «همانا عمه ام زينب همه نمازهاى واجب و مستحب خود را در طول مسير ما از كوفه تا شام ايستاده مى خواند، اما بعضى از منزل هاغ نشسته نماز خواند، و اين هم به جهت گرسنگى و ضعف او بود، زيرا مدت سه شب غذايى كه به او مى دادند ميان اطفال تقسيم مى كرد، چون كه آن مردمان ستمگر و سنگدل، در هر شبانه روز به ما فقط يك قرص نان مى دادند. (52)»

### 68- سفارش امام حسين به نماز شب

امام حسين عليه‌السلام هنگام وداع در روز عاشورا به زينب كبرى عليه‌السلام فرمود: «اى زينب، خواهرم! در نماز شب مرا فراموش مكن. (53)»

## فصل سوم: آثار و پيام نماز عاشورا

### 69- درس عبادت و بندگى

امام حسين عليه‌السلام و اصحابش درس عبادت و بندگى كامل را به بشريت آموختند، خيلى ها ادعا مى كنند ما خداوند را عبادت و بندگى مى كنيم ولى هنگام امتحان مردود مى شوند.

اين شعار را مى دهيم، اى كاش ما در كربلا بوديم، امام حسين عليه‌السلام را يارى مى كرديم و سينه خود را سپر نماز قرار مى داديم، اما گويا واقعا اينطور هستيم. خود را امتحان كنيم.

### 70- اهميت نماز اول وقت

سيد الشهداء، در سخت ترين شرايط و در حين جنگ، نماز را در اول وقت اقامه نموده و هيچ چيز نتوانست مانع نماز اول وقت ايشان شود، نمى گويد اول جنگ و بعد نماز، او اين درس را از پدر بزرگوارش على عليه‌السلام آموخت. كه روزى در جنگ صفين حضرت على عليه‌السلام در حالى كه مشغول جنگ بود مرتب به خورشيد نگاه مى كرد، ابن عباس عرض كرد: يا اميرالمومنين! اين چه كارى است كه شما انجام مى دهيد؟

حضرت فرمود: نگاه مى كنم تا موقع فرا رسيدن ظهر، نماز را (در اول وقت) بخوانم.

ابن عباس گفت: آيا حالا وقت نماز است؟ ما مشغول جنگ هستيم.

حضرت فرمود: مگر ما براى چه چيزى مى جنگيم؟ به درستى كه ما براى نماز جنگ مى كنيم.

ابن عباس گفت: نماز شب على عليه‌السلام حتى در ليلة الهرير هم ترك نشد. (54)

بياييم مثل اصحاب امام حسين عمل كنيم، هنگام ظهر بشتابيم به سوى نماز، و نماز را به ياد بياوريم تا مشمول دعاى امام حسين عليه‌السلام شويم: «ذكرت الصلوة جعلك الله من المصلين الذاكرين؛ نماز را ياد كردى خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد.» (55)

### 71- اقامه نماز

اقامه نماز اشاره به اين است كه نه تنها خودشان نماز مى خوانند بلكه كارى مى كنند كه اين رابطه محكم با پروردگار همچنان و در همه جا برپا باشد. در زيارت نامه امام حسين عليه‌السلام مى خوانيم.

«اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت الزكوة؛ گواهى مى دهم كه با كشته شدنت نماز را برپا كردى.» و در زيارت مخصوص آن حضرت آمده است كه سلام بر تو اى فرزند گرامى پيامبر! گواهى مى دهم كه تو نماز را آن چنان كه حقيقت آن مى باشد به پا داشتى و زكات را پرداختى و به حق و حقيقت فرا خواندى و از تباهى و ناپسندى ها نهى كردى و قرآن را چنانكه بايد تلاوت نمودى و در راه خدا چنانكه شايسته بود جهاد كردى. (56)

او به راستى نماز را به صورت بى نظيرى به پا داشت، به گونه اى كه مخصوص او بود و نه ديگرى.

### 72- برپايى نماز جماعت

سالار شهيدان، در سرزمين كربلا با همه مشكلات و در مقابل چند هزار دشمن و ناله هاى زن و بچه ها، نماز جماعت را اقامه كرد، امام مى توانست نماز را كنار فرزندانش در داخل خيمه به فرادى بخواند، و بعد به ميدان برود، و در ضمن از تيرهاى دشمن نيز محفوظ مى ماند و چند لحظه اى را هم كنار فرزندانش لذت مى برد؛ ولى امام، نماز جماعت را ترجيح داد و آن را در مقابل دشمن برپا نمود و يكى از اصحابش سينه خود را سپر قرار داد و به خاطر نماز به شهادت رسيد.

### 73- محافظت بر نماز

نمازگزار در هر شرايطى چه در حالت عادى و يا خطر، از نماز بايد محافظت كند، امام حسين عليه‌السلام و اصحابش از ستون دين يه خوبى پاسدارى كردند و در پايان جان خود را فداى نماز نمودند تا اسلام باقى بماند.

مروى است حضرت حسين عليه‌السلام پس از پايان نماز اصحاب را به جهاد ترغيب كرد و سپس فرمود: اين بهشت است كه درهايش باز شده و جوى هايش متصل و ميوه هايش رسيده و قصرهايش زينت شده است و بچه ها و حورى هايش جمع شده اند و اين رسول الله و شهدايى است كه با او كشته شده اند و پدر و مادرم نيز هستند كه انتظار قدوم شما را دارند و شما را بشارت مى دهند و آنها مشتاق شما هستند از دينتان حمايت كنيد و از حرم رسول خدا و امامتان و پسر و دختر پيامبرتان دفاع نماييد. چرا كه خدا شما را امتحان كرده، شما در جوار جد ما هستيد و نزد ما بزرگواريد، دفاع كنيد خداوند شما را خير دهد.

### 74- ترويج نماز

امام حسين عليه‌السلام هم براى دشمن، هم براى اصحابش، و هم براى آيندگان درس نماز داد، امام در حالى كه خودش و اصحابش و فرزندانش ‍ تشنه بودند، از دشمن در خواست آب نكرد، ولى براى نماز و مناجات يك شب مهلت خواست.

از اين در خواست امام عليه‌السلام مى توان به اهميت نماز و دعا و نيايش و تلاوت قرآن پى برد كه آن حضرت تا آنجا به اين مسائل علاقه دارد كه از دشمن ناجوانمردش در خواست مهلت مى كند تا يك شب ديگر از عمر خويش را با اين اعمال بگذارند و چرا چنين نباشد كه حسين عليه‌السلام براى ترويج و زنده ساختن نماز و قرآن و سفار الهى به اينجا آمده است و مناجات و نيايش با پروردگار بهترين و لذت بخش ترين دقايق زندگى اوست و بايد هر ملتى كه براى خدا قيام مى كند، همين اعمال را شعار و ملاك عمل خويش قرار بدهد.

### 75- درس عمل به آيات نماز

خداوند سبحان آيات فراوانى در مورد نماز در قرآن بيان نموده و عمل به آن واجب است و سبب رستگارى انسان مى شود.

### 76- درس احياى اذان

امام در آن بحبوحه اذان گفتن را فراموش نمى كند، و شعار توحيد را يك بار در گوش ها و دل ها زنده مى كند و همانقدر پيامبر به بلال مى فرمود: «يا بلال فارحنا بالصلاوة؛ اى بلال! خوشحال كن ما را به نماز.» به خاطر مى آورد، و هنگام ظهر امام، به فرزندش مى گويد اذان بگو.

### 77- درس آزادى نماز و نمازگزار

امام معتقد بود انسان آزاد آفريده شده و ديگران حق ندارند او را بنده خود سازند خود او نيز اين حق را ندارد كه خود را برده ديگران سازد، نماز در كربلا، نشانگر آزادى امام و يارانش بود. هم نماز و هم نمازگزار آزاد است.

احدى نمى تواند جلو نماز و نمازگزار را بگيرد. امام به دشمنان نشان داد كه شما اسير نفس و دنيا هستيد.

### 78- استعانت از نماز

حسين بن على عليه‌السلام پس از نماز صبح در روز عاشورا آرى، پس از نماز صبح! دو نكته را تذكر مى دهد: يكى اصل كشته شدن كه به امر پروردگار است و ديگرى پايدارى و استقامت در برابر دشمن كه هر دو نكته با نماز ارتباط مستقيم دارد، زيرا اگر در قرآن مجيد حكم نماز در آيات متعدد آمده و نماز يكى از علائم اسلام و ايمان است، در شرايط خاص جنگ و جهاد و حتى در آن مرحله اى كه شكست ظاهرى و كشته شدن، قطعى و مسلم است طبق فرمان الهى واجب است و اگر احيانا كسانى نماز بخوانند و حكم جهاد را فراموش كنند از مصاديق كسانى خواهند گرديد كه قرآن مجيد با تعبير (نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ) نكوهش مى كند.

و اما روح استقامت و پايدارى در جهاد نيز بايد از همان نماز و ارتباط با پروردگار به دست بيايد و از عبادت و معنويت مدد و نيرو بگيرد كه:

(اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ). (57)

### 79- درس هدف دارى

ارزش وجودى هر انسان به ارزش هدف او بستگى دارد، امام به همه نشان داد كه هدف ما خدا است و هدف ما احياى روح و حقيقت نماز است امام در قتلگاه هدف خدايى خود را در نظر داشت و مى گفت: «إلهِى رِضًى بِقَضائِکَ.»

### 80- درس رمز و راز موفقيت

امام حسين چگونه پيروز شد، بايد گفت يكى از عوامل مهم آن، نماز و عبادت و اخلاص و دعاى امام و يارانش بود. همانطور در دوران جنگ تحميلى رزمندگان اقتداء به امام حسين كردند.

### 81- شهادت در حال نماز

حضرت سيد الشهداء عليه‌السلام به برادرش فرمود كه: اگر من به لانه حيوانات پناه ببرم بنى اميه بر من دست پيدا مى كنند. مى داند كه او را مى كشند و جناب اميرالمومنين عليه‌السلام مى دانست او را شهيد مى كنند، من عالم مى دانم كه مرا مى كشند حالا كه مى داند خوب چرا توى خانه؟ چرا توى دهليز؟ چرا توى يك بيابانى بى اطلاع؟ خوب. حالا كه مرا مى كشند طورى كشته و شهيد شوم كه خون من هدر نرود، مظلوميت من برملا بشود، آنها كه بالاخره على عليه‌السلام را مى كشتند؛ لذا مى رود به مسجد، اگر مسجد هم نمى رفت آن شب او را مى كشتند.

به يك وجه ديگر چه بهتر كه حقانيتشان را بر مردم معلوم كنند، در مسجد سر نماز (مسجد ماءمن مردم است) كه قساوت و شقاوت را خوب برساند اين را اختيار كرد، اين مسير را برگزيده است. نبايد گفت چرا على اميرالمومنين تن به تهلكه داده چرا؟ قرآن كه مى فرمايد: (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ).

انسان بالاتر از اين حرف هاست.

اينها دست از امام حسين برنمى داشتند به هر طريقى او را مى كشتند، ولى امام جهاد و شهادت را اختيار كرد، و در ميدان جهاد، درس استقامت و آزادى و شهادت و بندگى و معنويت و مناجات و عبادت و برپايى نماز براى تمام انسان ها داد.

نماز حقيقى را امام در شب، صبح و ظهر عاشورا به تصوير كشيد، اگر چه فيلمبردار آنجا نبود، ولى انسان با چشم بينا مى تواند الان هم ببيند چونكه آنها حق بودند و حق هم نابود شدنى نيست، تا ابد اين فيلم نماز كربلا زنده و پايدار است.

در قيامت خداوند تمام صف كربلا را به عالم محشر نشان مى دهد، واقعا ركوع و سجود امام ديدنى است. واقعا آنها چقدر قسى القلب بودند، كه به قلب نماز و به قلب نمازگزار تير زدند.

دشمنان با اين كار ثابت كردند كه نمازگزار واقعى نيستند، بلكه نمازگزار واقعى امام حسين و يارانش مى باشند، اگر آنها نمازگزار واقعى بودند به نماز و نمازگزار تير نمى زدند.

### 82- درس امانت دارى

امام به ما آموخت كه نماز امانت الهى است، انسان بايد به نحو احسن از آن امانتدارى كند.

هنگامى كه وقت نماز مى شد على عليه‌السلام به خود مى پيچيد، مى لرزيد به او مى گفتند: اى امير المومنين! تو را چه شده است؟

مى فرمود: وقت اداى امانتى رسيده است كه خداوند آن را بر آسمان ها و زمين و كوه ها عرضه كرد و آنها از تحمل آن ابا كردند و از آن بيمناك شدند. (58)

### 83- درس احترام به مقدسات

نماز عبادتى مقدس و ارزنده است و حسين عليه‌السلام به ما درس داد كه چگونه در برابر اين مقدسات بايد موضع داشت. او در روز نهم محرم جنگ را به تاءخير انداخت و به دشمن پيام داد كه من نماز و قرآن را دوست دارم شبى را به من مهلت دهيد! در روز عاشورا او مى توانست نماز را در ميان خيمه ها بخواند و حتى آرامش نسبى براى خانواده خود فراهم كند و ديديد كه در وسط ميدان در ميان تيرها و سنگ اندازى ها نماز را به اتمام رسانيد و نشان داد كه نماز در حين جنگ هم تعطيل بردار نيست.

### 84- درس اخلاص

امام حسين عليه‌السلام به ما درس اخلاص داد، كارى كه انسان براى خدا مى كند بايد خالصانه و با قصد قربت باشد، خلوص حسين خلوص ‍ بى شائبه و به دور از هرگونه ريب بود.

در هدف او ذره اى ريا آوازه گرى و خود خواهى و خودبينى نمى بينيم او براى خدا قيام كرد و تنها رضاى او را طلبيد و در اين طلب راست گفت و به صواب عمل كرد.

همين خلوص و اخلاص حسين بود كه كارسازى كرد و نام او را تا حال زنده داشته و از اين پس نيز زنده خواهد داشت و همين اخلاص و قصد قربت بود كه خون او را خون خدا كرد و تربت او موجب شفاء شد و او به همين خاطر ثارالله است.

نماز او سراسر خلوص بود، اگر چه در ميدان جنگ، و در مقابل جمعيت بود، نماز او چه آشكار عين هم است، در همه حال او را مى بيند. امام مصداق اين آيه بود:

(قُلْ إِنَّ صَلاتي وَ نُسُکي وَ مَحْيايَ وَ مَماتي لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ). (59)

### 85- درس شب زنده دارى

امام حسين عليه‌السلام در ميدان جنگ هم سحرخيزى و شب زنده دارى را به ما آموخت، يك شب جنگ را به تاخير انداخت، كه با نماز شب و سحرخيزى وداع كند، شب عاشورا، در خيمه ها تماشايى بود، امام و يارانش در دل شب با معبود خود مناجات مى كردند.

امام چقدر عاشق نماز شب است، در آخرين وداع او در روز عاشورا به خواهرش مى فرمايد: خواهرم! در شب مرا فراموش مكن و در آن هنگام برايم دعا كن. يعنى امام حسين از زينب التماس دعا داشت.

### 86- درس غيرت دينى

او به ما درس داد كه چگونه از دين و قرآن و نماز دفاع كنيم، و در مقابل تيرهاى دشمن نماز را برپا كردند و از هيچ چيز نترسيدند، و به هر شكلى نماز را خواندند. رزمندگان ما در دوران جنگ تحميلى به مولايشان سيد الشهداء عليه‌السلام اقتدا كردند.

### 87- حتى در جنگ، نماز ترك نشد

حتى در ميدان جنگ به ما گفتند، اصل عبادت ولو به صورت نماز خوف را فراموش نكنيد، اينكه نماز مسافر شكسته است اصلش در قرآن كريم در مورد نماز خوف رزمندگان است، در ميدان جنگ و در حال حمله چگونه نماز بخوانند، از مكتب عاشورا درس نماز مى گيريم، كه انسان در هر صورتى باشد نماز از او برداشته نمى شود.

امام در مقابل تيرهاى دشمن نماز را اقامه نمودند، تا براى آيندگان درس باشد. نماز نشانگر اطاعت عبد از معبود و عاشق از معشوق است. و تمامى اين درجات از عبادت يعنى اخلاص در بندگى در نماز تبلور مى يابد. اگر قرار بر اين باشد كه در لحظات سخت و جانفرسايى چون جنگ نماز انسان ترك شود اين ديگر اطاعت از نفس اماره است. و حتى اگر اين جنگ بر مبناى دفاع از كيان و سرزمين اسلامى صورت گرفته باشد بدون نماز ارزشى نخواهد داشت؛ و عينا به معناى نفى اولين پايه از فروع دين است.

### 88- درس در همه حال به ياد خدا بودن

امام حسين عليه‌السلام به ما آموخت كه در بحرانى ترين حالات و پيشامدها ياد خدا باشيم، و با ياد او كه به دل ها آرامش مى بخشد آرامش ‍ قلب پيدا نموده و اين اطمينان قلبى را به ياران و خانواده اش نيز منتقل كرد، خطبه هايش با نام و ياد خداست، امام در روز عاشورا در اوج سختى ها يك لحظه از ياد خدا غاقل نبود و پيوسته نام آن محبوب را بر زبان جارى مى كرد و به واسطه ذكر آن محبوب قطره وجودش را به درياى الهى متصل مى ساخت. در روايت آمده كه روز عاشورا امام حسين پيوسته و مداوم خدا را ياد مى كرد و مى گفت:

لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم.

### 89- درسى به پيكارگران در راه حق

اين بود راه و رسم حسين بن على عليه‌السلام و يارانش در روز عاشورا كه «نماز» همه مسائل را تحت الشعاع قرار مى دهد و آن حضرت به هنگام نماز همه چيز را فراموش مى كند و از دشمن خونخوارش درخواست آتش بس مى نمايد.

و اين درسى است به همه پيكارگران در راه حق، درسى است كه پدر ارجمندش امير مومنان عليه‌السلام در صفين و در بحبوحه جنگ به پيروانش ياد مى دهد، آنگاه كه ابن عباس ديد آن حضرت مراقب و منتظر وقت نماز است، سوال نمود: يا اميرالمومنين! مثل اينكه نگران مطلبى هستيد؟

فرمود: آرى! مراقب زوال شمس و داخل شدن وقت نماز ظهر مى باشم.

ابن عباس گفت: ما در اين موقع حساس نمى توانيم دست از جنگ برداريم و مشغول نماز گرديم.

امير مومنان عليه‌السلام در پاسخ وى فرمود: «انما قاتلناهم على الصلوة»؛ ما براى نماز با آنان مى جنگيم».

آرى! در جنگ صفين نماز صفين نماز شب على عليه‌السلام نيز ترك نمى گرديد و حتى در ليلة الهرير. (60)

### 90- دفاع از نماز و نمازگزار

يكى از درس هاى آموزنده نهضت سالار شهيدان حضرت حسين بن على عليه‌السلام پيوند آن با عبادت و نماز است، به گونه اى كه ظهر خونين عاشورا براى هميشه، همراه با كلمه نورانى «نماز» در خاطر تاريخ مانده است و يكى از شهداى كربلا نيز در هنگامى به شهادت رسيد كه از امام حسين عليه‌السلام محافظت مى كرد تا آن اسوه نمازگزاران نماز بخواند. اين درس است كه اهميت نماز را بيان مى كند و غفلت از آن هرگز روا نيست.

## فصل چهارم: سخنان امام درباره نماز

### 91- تفسير صمد

وهب قرشى مى گويد: امام صادق عليه‌السلام، امام باقر عليه‌السلام از امام سجاد عليه‌السلام برايم نقل نمود كه فرمود: اهل بصره به امام حسين عليه‌السلام نامه اى نوشتند و در آن از معنى «صمد» سوال نمودند، حضرت عليه‌السلام در پاسخ نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، اما بعد، در قرآن گفتگو و مجادله نكنيد و بدون آگاهى در آن سخن مگوييد، از جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنيدم مى فرمود: هر كس بدون علم در قرآن سخن گويد جايگاهش را در آتش آماده كند، (بدانيد كه) خداى سبحان خود تفسير «الصمد» را فرمود است: «نه زاييده است و نه زاده شده، و نه هيچ كس همتاى اوست».

«نه زاييده است»: (يعنى از آن رو كه او محيط، به اول و آخر و ظاهر و باطن وجود و شئون وجودى همه است پس) چيزى از او بيرون نيايد (و منفصل نشود) نه چيز متراكم و انبوه مرئى و مادى همچون نوزاد (هر جاندارى)، و اشياء متراكم و انبوه (مادى و مرئى) ديگر كه از پديده ها خارج مى شود، و نه چيز مجرد (لطيف و نامرئى) همچون جان (و روح)، و نيز حالات گوناگون از قبيل چرت و خواب و ترديد و نگرانى و اندوه و شادى و خنده و گريه و ترس و اميد و آرزو و آزادگى و گرسنگى و سيرى (كه عوارض ‍ عالم نقص و محدوديت اند، هيچ كدام) از او منشعب نگردند (و سر نزنند، پس ذات كبريايى) او بلند (منزلت و منزه) است از اينكه (همانند اشياء دستخوش تحولات گردد و) چيزى از او بيرون شود و منفصل گردد، چه مادى چه مجرد.

«و نه زاييده شده است» (يعنى باز به همان دليل كه محيط است پس) از چيزى منفصل و زاده نشده است، آنگونه كه اشياء متراكم و انبوه (مرئى و مادى) از عناصر اوليه خود، زاده و بيرون شوند از قبيل جماد از جماد، جاندار از جاندار، گياه از زمين، آب از چشمه ها، ميوه ها از درختان و يا اشياء نامرئى از پايگاه هاى اوليه خود بيرون زنند از قبيل ديدن از چشم و شنيدن از گوش و بوييدن از بينى و چشيدن از كام و سخن از زبان و شناخت و تميز از عقل و آتش از سنگ، نه، (ذات كبريايى او اينگونه نيست) بلكه اوست خداى صمد نه از چيزى جدا شده، نه در چيزى جاى گرفته و نه بر چيزى قرار يافته است (كه اينها همه نشانه نقص و محدوديت است).

او به وجود آورنده و آفريدگار همه چيز (از پيدا و ناپيدا و ملك و ملكوت) است، و همه را با قدرت مطلقه خود پديد آورده است، با مشيت او هر آنچه به منظور فنا آفريده است، نابود مى شود، و با علم او هر آنچه براى بقاء خلق نموده است، باقى مى ماند، اين است (ويژگى هاى) خدايى كه نه زاييده است و نه زاده شده است، داناى پنهان و آشكار، بلند مرتبه و والا منزلت، و او را هيچ همتايى نيست (زيرا ذات مقدس او كه هويت مطلقه است، تكرر بردار نيست، او يگانه است ).

حضرت امام محمد باقر، از امام زين العابدين، از امام حسين عليه‌السلام نقل نموده كه فرمود: «صمد آن است كه (همه عوالم غيب و شهادت و ملك و ملكوت را احاطه دارد و از هيچ ريز و درشت و پيدا و ناپيدايى) ميان تهى نيست، و صمد آن است كه سيادت (و ربوبيت) او تمام (و كامل) است، صمد آن است كه نه مى خورد، و نه مى آشامد. صمد آن است كه نمى خوابد، و صمد آن وجود هميشگى است كه پيوسته بوده و پيوسته خواهد بود. (61)

### 92- آداب دستشويى

از امام حسين عليه‌السلام سوال شد: آداب دستشويى چيست؟

فرمود: «در آن هنگام» رو به قبله و پشت به قبله، و نيز رو به باد و پشت به باد نباشد. (62)»

### 93- تشريع اذان

امام صادق عليه‌السلام از امام باقر عليه‌السلام از امام سجاد عليه‌السلام از امام حسين عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: از حضرت امير عليه‌السلام پرسيدند: بلكه عبدالله بن زيد آن را ديده و به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله گزارش نموده پس حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمان داد كه (از آن پس) اذان بگويند (آيا درست است)؟

حضرت حسين عليه‌السلام در حالى كه برافرخته (و ناراحت) شد فرمود:

«وحى بر پيامبر شما نازل مى شود و شما مى پندارى كه او اذان را از عبدالله بن زيد گرفته است؟! در حالى كه اذان سيماى دين شماست؟»

و فرمود: بلكه از پدرم على بن ابى طالب عليه‌السلام شنيدم مى فرمود: خداوند فرشته اى را براى زمين فرستاده تا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را به معراج برد سپس به شرح داستان معراج پرداخت تا اينكه فرمود: پس خداوند فرشته اى را كه پيش از آن وقت ديده نشده بود و پس از آن نيز ديده نشده، برانگيخت، پس اذان را دو به دو، و اقامه را دو به دو ادا كرد.

حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله چگونگى اذان را بيان نمود سپس فرمود: جبرئيل به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله عرض كرد: اى محمد! براى نماز، اينگونه اذان بگو. (63)

### 94- وضوى پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

از امام حسين عليه‌السلام روايت شده كه فرمود: «پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله هر گاه وضو مى ساخت از آب وضو بر پيشانى باقى مى گذاشت تا هنگام نماز بر محل سجده جريان يابد. (64)»

### 95- بسم الله بلند و آشكار

از رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله از اميرالمومنين عليه‌السلام از امام حسن عليه‌السلام از امام حسين عليه‌السلام از امام سجاد عليه‌السلام از امام صادق عليه‌السلام روايت شده است كه: «همه آن بزرگواران در نمازهاى جهريه خود (صبح و مغرب و عشا) بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و سوره در هر ركعتى را صدا دار و آشكار ادا مى فرمودند (بر خلاف اهل سنت) و در نمازهاى ديگر كه آهسته ادا مى شوند (ظهر و عصر)، آن را آهسته ادا مى كردند.

و امام حسين عليه‌السلام فرمود: ما فرزندان فاطمه عليها‌السلام بر اين روش اتفاق داريم. (65)

### 96- قنوت نماز

امام حسين عليه‌السلام از رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت فرمود كه قنوت در هر نمازى مستحب است و فرمود: «من رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را ديدم كه در همه نمازهايش قنوت مى گرفت و من در آن روز شش ساله بودم. (66)»

### 97- تشهد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

بهزى گويد: از امام حسين عليه‌السلام پرسيدم: تشهد على عليه‌السلام چگونه بود؟ فرمود: همان تشهد رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله بود.

عرض كردم: پس تشهد عبدالله چگونه بود؟

فرمود: پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دوست مى داشت كه (در تكاليف) بر امت خود تخفيف دهد.»

عرض كردم: تشهد على عليه‌السلام به تبعيت از تشهد رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله چگونه بود؟

فرمود: (با اين فراز مستحب آغاز مى شد كه) همه درودها از آن خداست، و همه صلوات (و نماز و نيايش) و آن پاكيزه هاى پگاهان و شبان كه بارور و پر بركت و خالصند از آن خداست. (67)

### 98- ايمان و يقين

يحيى بن نعمان گويد:

در محضر امام حسين عليه‌السلام شرفياب بودم، عربى نقابدار با چهره اى تيره رنگ وارد شد و سلام كرد. حضرت عليه‌السلام سلام او را پاسخ داد. آن مرد گفت:

اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سوالى دارم؟

فرمود: بپرس.

گفت: فاصله ميان ايمان و يقين چه قدر است؟

فرمود: «چهار انگشت.»

گفت: چگونه؟

فرمود: «ايمان آن است كه آن را مى شنويم، و يقين آن است كه آن را مى بينيم و فاصله بين گوش و چشم چهار انگشت است.»

پرسيد: ميان آسمان و زمين چه قدر است؟

فرمود: يك دعاى مستجاب.

پرسيد: ميان مشرق و مغرب چقدر است؟

فرمود: به اندازه سير يك روز آفتاب.

پرسيد: عزت آدمى در چيست؟

فرمود: بى نيازيش از مردم.

پرسيد: زشت ترين چيزها چيست؟

فرمود: «در پيران، هرزگى و بى عارى است، در قدرتمندان درنده خويى، در شريفان (و نجيب زادگان) دروغگويى، در ثروتمندان بخل و تنگ نظرى است و در عالمان حرص است. (68)»

### 99- دادرسى مومن

شخصى خدمت امام حسين عليه‌السلام رسيد و عرض كرد: پدر و مادرم فدايت باد! در برآوردن حاجتى به من كمك فرما.

حضرت عليه‌السلام از جا برخاست و همراه او شد، در بين راه گذر آنان بر امام حسين عليه‌السلام كه ايستاده بود و نماز مى گزارد افتاد، امام حسن عليه‌السلام پرسيد: چرا جهت حاجت خود از امام حسين عليه‌السلام كمك نطلبيدى؟

عرض كرد: در صدد بر آمدم اما گفتند: او معتكف است.

امام حسن عليه‌السلام فرمود: اگر (امكان داشت و) تو را يارى مى رساند از يك ماه اعتكاف برايش بهتر بود. (69)

### 100- نماز جمعه

از امام حسن عليه‌السلام و امام حسين عليه‌السلام نقل شده كه: «نماز جمعه با دو نفر هم منعقد مى شود. (70)»

### 101- بهترين عبادت

امام حسين عليه‌السلام فرمود:

«جمعى خدا را از شوق بهشت مى پرستند، اين عبادت سوداگران است، و گروهى خدا را از بيم دوزخ مى پرستند، اين عبادت بردگان است و مردمى هم خدا را از روى شكر و قدرشناسى و شوق مى پرستند، اين عبادت آزادگان و بهترين عبادت است. (71)»

### 102- فوايد روزه

از امام حسين عليه‌السلام سوال شد: چرا خداى سبحان بر بندگان خود روزه را واجب فرمود؟

فرمود: «تا ثروتمندان درد گرسنگى را بچشند، پس اضافه دارايى خويش را بر درماندگان صرف كنند. (72)»

### 103- امام حسين عليه‌السلام و نماز

«قال لا خيه العباس: اءن استطعت ان تصرفهم عنا هذا اليوم فافعل، لعلنا نصلى الى ربنا هذه الليلة. فانه يعلم اءنى احب الصلوة و تلاوة القرآن؛

عصر نهم ماه محرم امام حسين به برادرش عباس فرمود: اگر بتوانى كه لشكر دشمن را از جنگ منصرف كنى، چنين كن تا مگر امشب به درگاه پروردگارمان نماز بخوانيم، زيرا او مى داند كه من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم.» (73)

### 104- پاداش عبادت

امام حسين عليه‌السلام فرمود: «هر كس خدا را آن گونه كه حق پرستش اوست بپرستد، خدا از فيض خود به او بالاتر از آرزوها و كفايتش ارزانى دارد. (74)»

### 105- گريه از خشيت الهى

روايت شده كه امام حسين عليه‌السلام فرمود: گريستن از خشيت خدا، رهايى از آتش دوزخ است.

و فرمود: «گريه ديده ها و خشيت دل ها رحمتى از خداست. (75)»

### 106- خوف از خدا

به امام حسين عليه‌السلام عرض شد: بيم تو از پروردگارت چه فراوان است؟

فرمود: در روز قيامت جز آن كسى كه در دنيا خوف خدا داشته، كسى ايمن نيست. (76)

### 107- اهل بيت عليه‌السلام و اقامه نماز

«فى قوله تعالى: (الَّذِینَ إِنْ مَکنَّاهُمْ فِی الأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ) قال: هذه فينا اهل البيت؛

در تفسير آيه كسانى كه اگر ما به آنها در زمين قدرت و حكومت دهيم، نماز را به پا مى دارند فرمود: اين در مورد ما خاندان اهل بيت است. (77)»

### 108- زائران خدا

«أهل المسجد زوار الله و حق المزور التحفاء لزائره؛

اهل مسجد زائران خدايند و بر صاحب خانه است كه به زائرش هديه دهد. (78)»

### 109- منظور آيه نماز شب

ابن منذر نقل مى كند: ديده شد كه حسين بن على عليه‌السلام در فاصله ميان مغرب و عشا نيز نماز مى خواند از حضرتش در اين مورد سوال شد فرمود:

اين نماز از عبادت شب «ناشئة اليل» به شمار مى آيد.

## فصل پنجم: عشق امام به قرآن

### 110- قرآن بر چهار پايه استوار است

حسين بن على عليه‌السلام فرمود: «كتاب خداى عزيز و بزرگ بر چهار چيز استوار است:

الفاظ، اشارات، لطايف و حقايق

الفاظ قرآن را از آن عموم و اشارات آن از آن نخبگان است.

لطائف قرآن براى اولياء خدا و حقايق آن براى پيامبران است.

و فرمود: «ظاهر قرآن، آراسته و زيبا و باطن قرآن، ژرف و ناپيداست. (79)»

### 111- پاداش قرائت قرآن

بشر بن غالب اسدى از امام حسين بن على عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود:

«هركس ايستاده در نماز خود، يك آيه از كتاب خدا را بخواند، در برابر هر حرفى (پاداش) صد كار نيك برايش نوشته مى شود و اگر آن را در غير نماز بخواند، خدا در برابر هر حرفى، (اجر) ده كار نيك براى او مى نويسد. پس اگر (خاموش باشد و با توجه) گوش به قرآن بسپارد، در برابر هر حرفى (پاداش) يك حسنه دارد و اگر قرآن را در شب به پايان رساند، فرشتگان خدا تا هنگام صبح براى او طلب رحمت كنند و اگر آن را در روز تمام كند، ملائكه نگهبان تا شب بر او درود مى فرستند و چنين كسى (نزد خدا) «يك دعاى مستجاب دارد» و اين ختم قرآن براى او از آنچه ميان آسمان و زمين است بهتر خواهد بود».

(بشر مى گويد:) عرض كردم: اين پاداش كسى است كه همه قرآن را بخواند، اما كسى كه همه را نمى خواند چگونه است؟

حضرت فرمود: «اى برادر اسدى! همانا خدا بخشنده، با عظمت و بزرگوار است، هر گاه كسى هر چه از قرآن را كه مى تواند، بخواند، خدا همان پاداش را به او عطا مى كند. (80)»

### 112- تلاوت قرآن از سَر امام

زيد بن ارقم گويد: من در غرفه خود نشسته بودم كه سر مطهر امام عليه‌السلام را - كه بر نى بود - از آنجا عبور دادند. چون رو به روى غرفه من رسيد، شنيدم تلاوت مى كند: (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً)؛ آيا پنداشتى كه واقعه اصحاب كهف و رقيم از آيات عجيب ماست؟!»

مو بر بدنم راست شد و ندا كردم: اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله! به خدا سوگند، سر بريده تو شگفت تر است، شگفت تر!

ابو مخنف گويد: سر مبارك امام عليه‌السلام را در بازار صرافان كوفه بر نى داشتند كه (شنيده شد:) آن سر، صدا صاف كرد و سوره مباركه كهف را تا آيه شريفه: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدىً) تلاوت فرمود و اين واقعه شگفت جز بر گمراهى آنان نيفزود.

در نقل ديگرى آمده است: آنان چون سر مبارك امام عليه‌السلام را بر درخت آويختند، از او شنيده شد كه: (سَیعلَمُ الّذینَ ظَلَموا أَی مَنقَلَبٍ ینقَلِبونَ)؛ و آنان كه ظلم كنند به زودى خواهند دانست كه به چه كيفرگاهى بر مى گردند.»

نيز در دمشق شنيدند كه مى گويد: «لا قوة الا بالله»؛ هيچ نيرويى جز از خدا نيست.»

و نيز شنيدند كه تلاوت مى كند: (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً) زيد بن ارقم گفت: كار تو شگفت تر است اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله! (81)

### 113- تلاوت قرآن در شام

حرث بن وكيده گويد: من در ميان كسانى بودم كه سر مبارك امام عليه‌السلام را مى بردند، ناگاه شنيدم سوره مباركه كهف را تلاوت مى كند. با خود گفتم: آيا اين صداى دلنشين ابا عبدالله عليه‌السلام است كه مى شنويم؟!

ناگاه فرمود: اى ابن وكيده! آيا نمى دانى ما امامان نزد پروردگار خود زندگانيم؟! با خود گفتم اين سر مبارك را مى ربايم.

فرمود: «اى ابن وكيده! اين كار تو نيست. اينكه خونم را ريختند نزد خداوند متعال عظيم تر از گرداندن سر من (در كوى و برزن ها) است پس ايشان را به حال خود گذار»، (فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ \* إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ)؛ كه به زودى (به كيفر كردارشان) پى خواهند برد. آنگاه كه گردن هايشان با غل و زنجيرها (ى آتشين) كشيده شود!

منهال بن عمرو گويد: چون سر مطهر امام عليه‌السلام را به دمشق آورده بر نى حمل مى كردند من پيش روى او بودم. شخصى سوره كهف برا مى خواند تا رسيد به آيه شريفه (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً)؛ آيا پنداشتى كه واقعه اصحاب كهف و رقيم از آيات شگفت ماست؟!»

به خدا سوگند، ناگاه آن سر مطهر به سخن آمد و با زبان فصيح فرمود:

«شگفت تر از اصحاب كهف واقعه شهادت من و بردن من بر نى است.»

سلمة بن كهيل گويد: سر مطهر امام عليه‌السلام را ديدم كه بر نى اين آيه را مى خواند: (فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)؛ دل قوى داريد كه خداوند از شر و آسيب ايشان شما را نگاه مى دارد و او شنواى داناست.»

### 114- تلاوت قرآن در نماز

«مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَلاَتِهِ قَائِماً يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةُ حَسَنَةٍ؛ كسى كه آيه اى از قرآن را ايستاده در نماز خود بخواند، به هر حرفى يكصد حسنه براى او نوشته مى شود. (82)»

### 115- پرورش با قرآن

امام حسين عليه‌السلام فرمود: فرزندانتان را با دوست داشتن پيامبر و خاندان او و خواندن قرآن پرورش دهيد كه حاملين قرآن در آن زمان كه جز سايه لطف پروردگار گسترده نباشد همراه پيامبران و برگزيدگان خدا در آن سايه مكان گيرند. (83)

## فصل ششم: آثار تربت امام حسين عليه‌السلام

### 116- تسبيح با تربت امام حسين عليه‌السلام

تسبيح فاطمه الزهراء عليها‌السلام هديه اى از طرف پدر بزرگوارش بود كه مستحب است بعد از نماز يا در وقت خواب خوانده شود.

دختر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله كنار قبر عموى بزرگوارش جناب حمزة بن عبد المطلب و از تربت شهيد براى خود تسبيح درست كرد؛ اينها معنى دارد!

يعنى چه؟ خاك شهيد محترم است قبر شهيد محترم است، من براى عبادت خدا كه مى خواهم اذكار خود را بشماريم نيازمند به سبحه ام (تسبيح)، چه فرقى مى كند دانه هاى تسبيح از سنگ باشد يا چوب يا خاك، و از هر خاكى آدم بردارد، برداشته است ولى من اين را از خاك تربت شهيد برمى دارم و اين نوعى احترام به شهيد و شهادت است، نوعى به رسميت شناختن قداست شهادت است، تا آنكه بعد از شهادت وجود مقدس امام حسين عليه‌السلام، خود به خود لقب سيد الشهدا از جناب حمزه گرفته شد و به نوه برادر بزرگوارش حسين بن على عليه‌السلام داده شده و بعد از آن ديگر اگر كسى بخواهد به خاك شهيد تبرك بجويد از خاك حسين بن على عليه‌السلام تهيه مى كند.

### 117- تسبيح از مرقد امام حسين عليه‌السلام

امام كاظم عليه‌السلام مى فرمايد:

«لاَ تَسْتَغْنِي شِيعَتُنَا عَنْ أَرْبَعٍ خُمْرَةٍ يُصَلِّي عَلَيْهَا وَ خَاتَمٍ يَتَخَتَّمُ بِهِ وَ سِوَاكٍ يَسْتَاكُ بِهِ وَ سُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اَللَّهِ اَلْحُسَيْنِ عليه‌السلام؛

پيروان ما از چهار چيز بى نياز نيستند:

1- سجاده اى كه بر روى آن نماز خوانده مى شود.

2- انگشترى كه در انگشت باشد.

3- مسواكى كه با آن دندان ها را مسواك كنند.

4- تسبيحى از خاك مرقد امام حسين.» (84)

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

«و من كان معه سبحة من طين قبر الحسين عليه‌السلام كتب مسبحا و ان لم يسبح بها؛

كسى كه تسبيحى از خاك مرقد حسين عليه‌السلام با خود داشته باشد تسبيح گوى حق محسوب مى شود گرچه با آن تسبيح نگويد.» (85)

در حديثى ديگر امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: يك ذكر يا استغفار كه با تسبيح تربت حسين عليه‌السلام گفته شود برابر است با هفتاد ذكر كه با چيز ديگر گفته شود.

### 118- بوى شهيد با تربت امام حسين عليه‌السلام

اين خاك پاك به گونه اى است كه ذكر گفتن با تسبيح ساخته شده و با سجده كردن ثواب فراوانى دارد، اگر كسى بخواهد از خاك شهيد تبرك بجويد از خاك حسين بن على عليه‌السلام تهيه مى كند ما كه مى خواهيم نماز بخوانيم، و از طرفى سجده بر فرش و بر مطلق ماءكول و ملبوس را جايز نمى دانيم، با خود خاكى يا سنگى برمى داريم؛ ولى پيشوايان ما به ما گفته اند:

حالا كه بايد بر خاك سجده كرد، بهتر كه آن خاك، از خاك تربت شهيدان باشد.

اگر مى توانيد از خاك كربلا براى خود تهيه كنيد كه بوى شهيد مى دهد.

تو كه خدا را عبادت مى كنى سر بر روى هر خاكى بگذارى نمازت درست است، ولى اگر سر بر روى آن خاكى بگذارى كه تماس كوچكى، قرابت كوچكى، همسايگى كوچكى با شهيد دارد و بوى شهيد مى دهد اجر و ثواب تو صد برابر مى شود. (86)

### 119- اولين نمازگزار بر تربت امام حسين عليه‌السلام

اولين امامى كه بر تربت امام حسين عليه‌السلام نماز گزارد، امام زين العابدين عليه‌السلام بود بعد از آنكه از دفن پدر و اهل بيت و پدر گراميش فارغ شد، يك مشت از خاك زير جسد شريف پدر كه شمشيرها آن را مانند گوشت روى تخته قصابان پاره پاره كردند برداشت و آن را در كيسه اى بست آنگاه از آن مهر و تسبيحى درست كرد و اين تسبيح همان تسبيحى است كه هنگام ورود به شام در دست داشت و مى گرداند. يزيد از او سوال مى كند كه اين چيست كه در دستانت مى چرخانى؟

امام عليه‌السلام در جواب از حضرت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله خبرى را نقل مى كنند به اين مضمون كه، كسى كه تسبيحى در دست داشته باشد و دعاى مخصوص را بخواند تمام آن روز براى او ثواب ذكر سبحان الله نوشته مى شود، اگر چه ذكرى هم نگفته باشد.

و هنگامى كه امام عليه‌السلام با اهل بيتشان به مدينه برمى گردند با اين تربت خود را متبرك و بر آن سجده و بعضى از بيمارى هاى اهل بيتشان را معالجه مى نمايند. از آن پس اين عمل نزد علويين و اتباع و پيروان آنان رايج شد. (87)

### 120- همراه داشتن تربت امام حسين عليه‌السلام

همراه داشتن تربت سيد الشهداء عليه‌السلام ايمنى بخش است، چنانكه فرمودند: هرگاه از سلطان يا ديگرى ترس داشتى از منزلت بيرون ميا مگر اينكه تربت همراهت باشد. (88)

### 121- صورت بر تربت امام حسين عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام در زمان حيات خويش سجده كنان و گريان، هر كسى را كه چهره بر تربت حسين عليه‌السلام مى نهد، و هر كسى را كه بر او اشك مى ريزد و هر كسى را كه در سوگ او شيون مى كند همه را دعا مى فرمود. (89)

### 122- سجده بر تربت امام حسين عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

«السجود على طين قبر الحسين عليه‌السلام ينور الى الارض السابعة؛

سجده بر تربت قبر حسين عليه‌السلام تا زمين هفتم را نور باران مى كند.» (90)

«امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: السجود على تربة الحسين عليه‌السلام يخرق الحجب السبعة؛ سجده بر خاك حسين عليه‌السلام حجاب هاى هفتگانه را مى درد.» (91)

در ارشاد القلوب بيان شده: «كان الصادق عليه‌السلام لا يسجد الا على تربة الحسين عليه‌السلام تذللا لله و استكانة اليه؛ امام صادق عليه‌السلام جز بر تربت امام حسين عليه‌السلام سجده نمى كرد تا در پيشگاه خدا اظهار خوارى و فروتنى كند.» (92)

### 123- شفا گرفتن از تربت امام حسين عليه‌السلام

در تربت امام حسين عليه‌السلام شفاى تمام دردهاست مگر مرگ حتمى با چند شرط:

الف: اعتقاد به شفاء بودن تربت داشته باشد، و به قصد شفا بخورد «وَ مَنْ أَكَلَهُ لِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِفَاءٌ» در روايتى فرمودند: والله هر كس اعتقاد داشته باشد كه به او نفع مى بخشد البته منتفع مى شود.

ب: بيمار در آستانه اجل حتمى نباشد چون اجل حتمى علاج پذير نيست.

ج: تربت را با وضو بردارد.

د: با دو انگشت بردارد.

ه‍: به اندازه نخود، بلكه احوط آن است كه به قدر عدس مصرف كند، نه بيشتر.

و: آن را ببوسد و برديدگانش بگذارد.

ز: در وقت خوردن يا خورانيدن بگويد: «بِسْمِ اَللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللَّهُمَّ اِجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

ح: آن را سبك نشمارد، در ظروف يا مكان هاى نا مناسب نگذارد، خيلى دست بر آن نمالد. يا جايى كه زياد دست مالى مى شود نگذارد.

ط: فاصله تربتى كه براى شفا استفاده مى كنند از قبر مطهر تا چهار ميل باشد نه بيشتر. و هر چه به قبر شريف نزديك تر باشد بهتر است.

ى: خوب است تربت را در دهان بگذارد و بعد جرعه اى آب بخورد و بگويد: «اَللَّهُمَّ اِجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» (93).

### 124- تاثير تربت امام عليه‌السلام در قبر

با ميت در قبر گذاشتن و كفن را با آن نوشتن، يكى از بركات تربت حضرت سيد الشهداء عليه‌السلام اين است كه اگر با ميت در قبر بگذارند، آن ميت از عذاب و تاريكى قبر در امان خواهد ماند.

از امام موسى عليه‌السلام روايت شده كه فرموده اند: هرگاه ميت را در قبر گذاشتيد مهرى از تربت امام حسين عليه‌السلام را مقابل رويش بگذاريد نه زير سرش.

از امام صادق عليه‌السلام روايت شده نوشتن اعتقادات به وسيله تربت امام حسين عليه‌السلام بر كفن ميت، روشنى مومن به هنگام تاريكى قبر و امان در وقت سوال و هول و هراس قيامت است.

ظاهرا روايت محمد بن مسلم كه دلالت دارد خاك قبور رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله و ائمه عليه‌السلام شفاى دردها و سپر بلاهاست و هيچ چيز با آن برابرى نمى كند مگر دعا، منظور همراه داشتن است نه خوردن، براى اينكه روايات فراوانى دلالت دارد كه خوردن خاك مثل ميت و خون حرام است و به جز خاك قبر امام حسين عليه‌السلام كه شفاى تمام دردهاست است «وهو الدواء الاكبر. (94)»

### 125- درست كردن تسبيح با تربت

با تربت تسبيح درست كردن كه با آن ذكر گفتن و در دست داشتن فضيلت عظيم دارد. از ويژگى هاى اين تسبيح اين است كه در دست آدمى تسبيح مى گويد بدون آنكه صاحبش تسبيح بگويد. البته اين همان تسبيحى است كه خداوند فرمود: (وَ إِنْ مِنْ شَيْ‌ءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لكِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (95)؛ هر موجودى تسبيح و حمد او مى گويد، ولى شما تسبيح آنها را نمى فهميد. به هر حال تسبيح تربت، تسبيحى مى گويد كه ما نمى فهميم.» و اين ويژگى در تربت حضرت سيد الشهداء ارواحناله الفداء است. (96)

### 126- ذكر با تربت امام حسين عليه‌السلام

از امام رضا عليه‌السلام روايت شده كه هر كس با تربت امام حسين عليه‌السلام بگويد: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر با هر ذكر، خداوند شش هزار درجه بالا برده و شش هزار شفاعت براى او مى نويسد.

و از امام صادق عليه‌السلام نقل شده: هر كس سنگ هايى را كه از تربت امام حسين عليه‌السلام درست مى كنند (يعنى تسبيح پخته) بگرداند، به تعداد هر استغفر الله ربى و اتوب اليه هفتاد استغفارى براى او ثبت مى شود و اگر تسبيح در دستش باشد و ذكر نگويد به عدد هر دانه هفت مرتبه استغفار براى او نوشته مى شود.

در روايت ديگر فرمودند: كسى كه با تسبيح تربت يك مرتبه «سبحان الله» بگويد چهارصد حسنه براى او نوشته مى شود، چهارصد گناهش ‍ برطرف، چهارصد درجه اش بالا، چهارصد حاجتش برآورده مى گردد (97)

### 127- عزا فرشتگان در كنار قبر امام حسين عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام در ضمن حديثى فرمودند: سوگند به آنكه جانم به دست اوست، چهار هزار فرشته كنار قبر امام حسين عليه‌السلام تا روز قيامت خاك عزا بر سر مى ريزند و بر آن بزرگوار گريه مى كنند.

در روايت ديگر است كه خداوند هفتاد هزار فرشته را بر قبر امام حسين عليه‌السلام باز داشته كه سوگوارى كرده و نماز مى گزارند و براى زائران آن حضرت (كه عارف به حق آن حضرت باشند) دعا مى كنند و به رئيس آنها منصور گفته مى شود، هيچ زائرى به زيارت امام حسين نمى رود مگر اينكه او را مشايعت مى نمايند، بيمار نمى شود مگر اينكه به عيادت او مى روند، نمى ميرد مگر اينكه بر جنازه اش نماز مى گزارند و بعد از فوتش براى او استغفار مى كنند. (98)

### 128- شفاى چشم

محدث قمى در فوايد الرضوية آورده كه سيد نعمت الله جزايرى قدس سره در تحصيل علم زحمت بسيار كشيده و رنج فراوان ديده در اوايل تحصيل كه قادر نبوده چراغ تهيه كند به هنگام مطالعه بسيارى از شب ها از نور ماه استفاده مى كرده و شب هاى بى ماه متون محفوظه را مكرر مى كرده لاجرم از كثرت مطالعه در مهتاب و نوشتن دروس و كتاب چشمانش ضعيف شده، وليكن آن بزرگوار تربت حضرت سيد الشهداء عليه‌السلام و خاك قبور ساير شهداء كربلا را به چشمان خود كشيده و به بركت آن تربت ها چشمانش روشن شده است. (99)

### 129- احترام امام زمان عليه‌السلام

يكى از بانوان مومنه پرهيزگار به نام خديجه ظهوريان فرزند عباسعلى كه هم اكنون قريب نود سال از عمر با بركت خود را پشت سر گذاشته و با آنكه نزديك ده سال است بر اثر سكته از پا در آمده و با كمك دو عصا خود را به اين سو و آن سو مى كشاند نماز جماعتش ترك نمى شود، نقل مى كند:

حدود سى سال قبل مهر تربتى را كه خود از كربلا آورده بودم كثيف شده بود، آن را بردم در آب روان (آب خيابان وسط شهر مشهد مقدس) شستشو دادم و در ميان سطل گذاشته برگشتم، روبروى مسجد دوازده امامى ها كه رسيدم با خود گفتم: خوب است مهر را برگردانم، تا وقتى كه به منزل مى رسم طرف ديگرش نيز خشك شود، مهر را كه برگردانيدم بر اثر خيس بودن طرف زيرين مهر قدرى تربت به انگشت بزرگم چسبيده انگشتم را به ديوار رو به روى مسجد ماليده و رفتم.

شب در خواب ديدم آقاى بزرگوارى كه به ذهنم رسيد حضرت حجة بن الحسين امام زمان ارواحنا له الفداء هستند، سرشان را به همان جاى ديوار كه ذكر شد گذاشته و به من مى فرمايند: «اينجا تربت جدم (حسين عليه‌السلام را ماليده اى! (100)»

### 130- بى احترامى به تربت امام حسين عليه‌السلام

موسى بن عبدالعزيز مى گويد: يوحنّا (طبيب نصرانى) به من گفت: تو را به حق پيغمبرت و دينت سوگند مى دهم كه بگويى اين كيست كه مردم به زيارت قبر او مى روند؟ آيا او از اصحاب پيغمبر شما است؟

گفتم: نه، بلكه او امام حسين عليه‌السلام پسر دختر پيغمبر ما است. منظورت از اين سوال چيست؟

گفت: خبر شگفتى دارم و ادامه داد كه: يك شب شاپور، خادم رشيد مرا احضار كرد، نزد او رفتم، امر مرا به خانه موسى بن عيسى كه از خويشان خليفه بود برد، ديدم موسى بى هوش در رختخواب خود افتاده و طشتى پيش روى او گذاشته اند كه تمام احشاء و امعاء او در آن ريخته بود.

شاپور از خادم موسى پرسيد: اين چه حال است كه براى موسى رخ داده؟

خادم گفت: يك ساعت قبل حالش خوب و با خوشحالى نشسته بود و با نديمان خود صحبت مى كرد! شخصى از بنى هاشم اينجا بود، گفت: من بيمارى سختى داشتم و با هر چه معالجه كردم مفيد واقع نشد تا اينكه كاتب من گفت: از تربت امام حسين عليه‌السلام استفاده كنم، اين كار را كردم و شفا يافتم.

موسى گفت: از آن تربت چيزى نزد تو باقى مانده است؟

گفت: بله، شخصى را فرستاد و قدرى از آن تربت را كه باقى مانده بود آورد.

موسى آن را گرفت و از روى بى احترامى در نشيمنگاه خود داخل كرد!

در همان ساعت فرياد او بلند شد كه «النار، النار؛ آتش، آتش» طشتى بياوريد، اين طشت را آوردند و اينها امعاء و احشاء اوست كه از او خارج شده است!

نديمانش متفرق شدند و مجلس سرور موسى به ماتم مبدل شد. شاپور به من گفت: بيا نگاه كن، آيا مى توانى او را معالجه كنى؟

من چراغ طلبيدم و آنچه در طشت بود به دقت نگاه كردم ديدم جگر، سپرز و شش و دلش همه از او خارج شده است!

تعجب كردم و گفتم: «مالا حد فى هذا صنع الا ان يكون لعيسى الذى كان يحيى الموتى؛ هيچ كس نمى تواند درباره اين شخص كارى بكند مگر حضرت عيسى كه مرده را زنده مى كرد.»

شاپور خادم گفت: راست گفتى، وليكن اينجا باش تا معلوم شود كه حال موسى به كجا ختم مى گردد.

يوحنّا گفت: من آن شب نزد ايشان ماندم و موسى سحرگاه به جهنم واصل گرديد.

پسر عبدالعزيز مى گويد: يوحنّا با وجودى كه نصرانى بود مدتى به زيارت امام حسين مى آمد، تا اينكه به دين اسلام گرويد و اسلامش نيكو گرديد. (101)

### 131- قداست تربت امام حسين عليه‌السلام

او در سرزمين كربلا، در آن بيابان خشك و بى آب به شهادت رسيد.

كربلا فرودگاه حسين بود و سرزمين آن در برگيرنده پيكر حسين عليه‌السلام و ياران و فرزندان اوست.

مراسم شب عاشوراى حسين و يارانش در آن سرزمين برگزار شد.

صداى زمزمه مناجات او و ياران و اهل خانواده اش آن منطقه و آن سرزمين را عطر آگين كرده بود. فرياد حق طلبى حسين عليه‌السلام، صداى هل من ناصر حسين، حق گويى هاى حماسه آفرين حسين عليه‌السلام، احتجاجات خدا پسندانه حسين، نصايح و مواعظ او در روز عاشورا و قبل از آن همه و همه در آن سرزمين است.

و از همه مهم تر كدام سرزمين است كه آن همه خون هاى مقدس و به راه خدا ريخته، و توام با خلوص و اخلاص را در خود ذخيره داشته باشد؟ و كدام سرزمين است كه آن همه پيكرهاى مقدس شهيدان و آن همه ثار الله را در خود جاى داده باشد.

پس آن سرزمين به بركت خون مظلومان تاريخ مقدس است، خاك و تربت آن نيز قد است يافته است. آنچنان كه خداى در تربت او شفا قرار داده است، و خاك او را حرز و پاسدار جان ها به حساب آورده است.

همچنان خاك او سجده گاه عاشقان است و مهر و تسبيح عبادت كاران است و كام كودكان نوزاد شيعى در ولادت با تربت حسين متبرك و آشنا مى شود و هم در طول مدت عمر يك شيعى، خاك كربلايش مهر نماز است و در حين دفن زينت بخش كفن و مايه آرامش و امان ميت است. على عليه‌السلام در گذر از آن سرزمين، در واقعه صفين فرمود: «وَاهاً لَكِ أَيَّتُهَا اَلتُّرْبَةُ لَيُحْشَرَنَّ مِنْكِ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ اَلْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسٰابٍ؛

خوشا به سعادت تو اى خاك پاك كربلا! از تو قومى محشور مى شوند كه بدون حساب وارد بهشت مى گردند (102).»

### 132- بركت تربت امام حسين عليه‌السلام

در زمان امام صادق عليه‌السلام زن بدكارى بود كه هرگاه بچه دار مى شد، بچه خود را مى سورانيد. هنگامى كه از دنيا رفت چند مرتبه او را به خاك سپردند وليكن زمين او را قبول نكرد و او را از قبر بيرون افكند!

جريان را به عرض امام صادق عليه‌السلام رسانيدند، فرمودند: «اجعلوا معها شيئا من تربه الحسين؛ قدرى از تربت جدم حسين عليه‌السلام را با او دفن كنيد.» به دستور امام عليه‌السلام عمل كردند، خاك او را قبول كرد و ديگر او را بيرون نينداخت. (103)

### 133- سلام امام زمان عليه‌السلام بر تربت امام حسين عليه‌السلام

در عظمت حسين و قبول تقرب و اخلاص او در پيشگاه خدا همين بس كه خداى در خاك حسين عليه‌السلام شفا قرار داده. در اين زمينه اسناد بسيارى وجود دارد كه در دسترس ترين آنها زيارت منسوب به امام زمان عليه‌السلام است:

«أَلسَّلامُ عَلى مَنْ جَعَلَ اللهُ الشّـِفآءَ فی تُرْبَتِهِ؛ سلام بر (حسين) كسى كه خداوند در تربت او شفاء قرار داده است.»

از امام باقر عليه‌السلام نقل شده كه فرمود:

«ان الله تعالى عوض الحسين من قتله: (أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِی ذُرِّیَّتِهِ، وَ الشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ، وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ)؛

خداوند تبارك و تعالى در پاداش قتل حسين اين عوض را معين فرمود: كه امامت را در ذريه او قرار داد، و در تربت او شفا قرار داد، و در كنار قبرش ‍ وعده اجابت به در خواست ها داد. (104)

## فصل هفتم: نماز زيارت

### 134- تمام خواندن نماز

حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمود:

نماز در چهار مكان تمام خوانده مى شود (يعنى اگر چه از حد مسافت شرعى هم بيشتر باشد اما شكسته نمى شود):

1- مسجد الحرام (مكه).

2- مسجد الرسول (مدينه).

3- مسجد كوفه.

4- حرم امام حسين عليه‌السلام.

در روايت آمده كه: «ابن شبل از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: آيا قبر امام حسين عليه‌السلام را زيارت كنم؟

فرمود: پاك و خوب زيارت كن و نمازت را در حرمش تمام بخوان.

پرسيد: نماز را تمام بخوانم؟

فرمود: تمام.

عرض كرد: بعضى از اصحاب و شيعيان شكسته مى خوانند؟

فرمود: اينان دو چندان عمل مى كنند. (105)

و در رساله هاى عمليه آمده كه در حرم امام حسين عليه‌السلام مى توان نماز را هم شكسته خواند و هم به بركت آن حضرت تمام به جا آورد. (106)

### 135- نماز زائر امام حسين

اگر انسان زائر، حق امام را شناخته و با معرفت و ولايت او در كنار قبر مطهرش نماز گزارد مورد قبول حق تعالى قرار مى گيرد. چنانكه امام حسين عليه‌السلام در شان و مقام كسى كه به مرقد و بارگاه شريف حضرت مشرف شده و نماز بخواند فرمود: خداوند متعال اجر نمازش را قبولى آن قرار مى دهد. (107)

### 136- نماز حاجت

هرگاه حاجت مهمى داشتى در روز جمعه چهار ركعت نماز امام حسين عليه‌السلام را كه هشتصد مرتبه حمد و اخلاص دارد بخوان، در ركعت اول پس از توجه (و تكبيرة الاحرام) پنجاه مرتبه حمد را و پنجاه مرتبه هم اخلاص را بخوان پس در ركوع ده بار حمد را، و ده بار اخلاص را بخوان، پس از ركوع، باز هم حمد را ده بار و اخلاص را ده بار، و اينچنين در احوال ديگر نماز ادامه بده تا در هر ركعتى دويست بار حمد و اخلاص تمام شود.

سپس دعاى نقل شده را مى خوانى (و حاجت خويش را مى طلبى (108))

### 137- ماز بر رفع حوائج

از امام حسين عليه‌السلام روايت شده است كه، (در حوائج مهمه) چهار ركعت نماز مى گزارى، قنوت و اركان آنها را نيكو انجام مى دهى، در ركعت اول حمد را يك بار و «حسبنا الله و نعم الوكيل» را هفت بار مى خوانى و در ركعت دوم حمد را يك بار و «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مالًا وَ وَلَداً» را هفت بار مى خوانى و در ركعت سوم حمد را يك بار و «لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين» را هفت بار مى خوانى، و در ركعت چهارم حمد را يك بار، «وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» را هفت بار مى خوانى، سپس حاجت خود را مى طلبى. (109)

### 138- نماز مقدس اردبيلى كنار قبر امام حسين عليه‌السلام

درباره زهد مقدس اردبيلى نقل شده كه در سفر زيارت مخصوصه حضرت امام حسين كه از نجف مشرف مى شد نماز خود را جمع مى نمود (هم شكسته و هم تمام مى خواند) و مى فرمود: مى ترسم سفرم سفر معصيت باشد؛ چون كه طلب علم واجب است و زيارت امام حسين عليه‌السلام سنت است.

البته مقدس اردبيلى در اين سفرها حتى الامكان از مطالعه و تفكر در مشكلات علوم فارغ نبود. (110)

## فصل هشتم: آثار و بركات زيارت عاشورا

### 139- تعليم زيارت عاشورا

علقمه بن محمد حضر مى گويد: به امام باقر عليه‌السلام گفتم: به من دعايى تعليم بده كه با آن دعا در اين روز (عاشورا) هنگامى كه زيارت مى كنم او را (امام حسين عليه‌السلام) بخوانم. و دعايى تعليم بده كه با آن دعا، هنگامى كه او را از نزديك يا هنگامى كه از خانه ام و از راه دور (و به قصد زيارت بدان سو) اشاره مى كنم، بخوانم. حضرت فرمود: اى علقمه پس از آن كه به آن حضرت با سلام اشاره كردى، دو ركعت نماز بخوان و پس از آن اين قول (متن زيارت) را مى خوانى.

پس هنگامى كه اين زيارت را خواندى در حقيقت او را به چيزى خواندى كه هركس از ملايكه كه بخواهند او را زيارت كند به آن مى خواند. و خداوند براى تو هزار هزار سيئه محو مى كند، تو را هزار هزار درجه بالا مى برد.

جزو كسانى مى باشى كه در ركاب حضرت به شهادت رسيدند، حتى در درجات آنها هم شريك مى شوى و براى تو ثواب هر پيامبر و رسولى و هر كس كه حسين عليه‌السلام را از زمان شهادتش تا به حال زيارت كرده، را مى نويسند. مى گويى: «السلام عليك يا ابا عبدالله.... پس از نقل زيارت مى فرمايد: يا علقمة ان استطعت اءن تزوره فى كل يوم بهذه الزيارة من دهرك فافعل. فلك ثواب جميع ذلك ان شاء الله؛ اى علقمه! اگر توانستى هر روز از عمرت آن حضرت را با اين زيارت، زيارت كنى، اين كار را انجام بده، پس براى تو ثواب تمام اين زيارت است».

### 140- سفارش امام صادق عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام به صفوان مى فرمايند:

زيارت عاشورا را بخوان و از آن مواظبت كن، به درستى كه من چند چيز را براى خواننده آن تضمين مى كنم.

1- زيارتش قبول شود.

2- سعى و كوشش او مشكور باشد.

3- حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و نااميد از درگاه خدا برنگردد....

بعد فرمود: اى صفوان! هرگاه حاجتى براى تو به سوى خداوند متعال روى داد. پس به وسيله اين زيارت به سوى آن حضرت توجه كن از هر جا و مكانى كه هستى و اين دعا را بخوان و حاجتت را از پروردگار خود بخواه كه برآورده مى شود و خداوند وعده خود را خلاف نخواهد كرد.

آرى، هر كس حاجت بزرگى داشته باشد حوايج و خواسته هايش با چهل روز خواندن زيارت عاشورا برآورده مى شود. تجربه گواه هر عارف و عامى است كه ما در اين جا نمونه هايى از حكايات را خواهيم آورد.

### 141- سيره شيخ مرتضى انصارى رحمه‌الله

در شرح احوال مرحوم شيخ مرتضى، نواده شيخ انصارى آورده اند كه؛

«از جمله عاداتش خواندن زيارت عاشورا بوده كه در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را مى خواند و بر آن بسيار مواظبت مى نمود. بعد از وفاتش كسى او را در خواب ديد و از احوالش پرسش كرد؛ در جواب سه مرتبه فرمود: «عاشورا، عاشورا، عاشورا،»

### 142- سيره ميرزاى قمى

اين مرد بزرگ، هرگز نماز شب و زيارت عاشورا و نماز جماعت را ترك نكرد، و هرگاه به مسجد نمى رفت، در منزل با زن و فرزند خود نماز جماعت مى خواند. بسيار با انصاف بود و با افراد مستمند مواسات مى ورزيد. و در اصلاح امور مسلمان ها، اهتمامى عجيب داشت. حاكم دهكده خوانسار دستور داد مخصوص وى، يك مسجد جامع ساختند كه هميشه نماز جمعه و جماعتش در آن مسجد برپا مى شد.

### 143- سيره شهيد قدوسى

شهيد آيت الله قدوسى رحمه‌الله به خاندان عصمت و طهارت عشق مى ورزيد، به زيارت جامعه و عاشورا، و توسل به خاندان پيغمبر و شركت در جلسات روضه و سوگوارى حضرت سيد الشهداء مقيد بود.

مرحوم قدوسى مى فرمود: علامه طباطبايى، به اين معنا تاكيد دارد و در ايام محرم و صفر، زيارت عاشورايش ترك نمى شود و به زيارت جامعه اهتمام دارد.

### 144- دريافت علوم خاص

يكى از دوستان مرحوم قدوسى مى نويسد:

... ظاهرا ايشان نسبت به «زيارت عاشورا» مواظبت داشت. چون، موقعى كه دادستان كل بود، من در خواب ديدم كه بر اثر خواندن زيارت عاشورا، به ايشان علوم خاصى داده شده، وقتى به ايشان عرض كردم، متاءثر شد و گفت: مدتى است توفيق پيدا نكرده ام. و اين بر اثر كثرت كارشان در دادستانى بود، و آن كارها را ولى مى دانست؛ از اين رو بود كه فرمود:

مدتى است كه به خواندن زيارت عاشورا، موفق نشده ام.

### 145- سيره ميرزاى محلاتى

مرحوم ميرزاى محلاتى سى سال آخر عمرش، زيارت عاشورا را ترك نكرد و هر روز كه به سبب بيمارى يا امرى ديگر نمى توانست بخواند، نايب مى گرفت.

### 146- رفع بيمارى و بلا

شهيد دستغيب مى نويسد: از مرحوم آيه الله العظمى حاج شيخ عبدالكريم حايرى نقل شده است: اوقاتى كه در سامراء مشغول تحصيل علوم دينى بودم، اهالى سامراء به بيمارى وبا و طاعون مبتلا شدند و همه روزه عده اى مى مردند.

روزى در منزل استادم مرحوم سيد محمد فشاركى، عده اى از اهل علم جمع بودند، ناگاه مرحوم آقاى ميرزا محمد تقى شيرازى تشريف آوردند و صحبت از بيمارى وبا شد كه همه در معرض خطر مرگ هستند.

مرحوم ميرزا فرمود: اگر من حكمى بكنم آيا لازم است انجام شود يا نه؟

همه اهل مجلس پاسخ دادند بلى. فرمود: من حكم مى كنم كه شيعيان ساكن سامراء از امروز تا ده روز، همه مشغول خواندن زيارت عاشورا شوند، و ثواب آن را به روح نرجس خاتون، والده ماجده حضرت حجة ابن الحسن عليه‌السلام هديه نمايند تا اين بلا از آنان دور شود. اهل مجلس اين حكم را به تمام شيعيان رساندند و همه مشغول خواندن زيارت عاشورا شدند.

از فرداى آن روز تلف شدن شيعه موقوف شد و همه روزه، تنها عده اى از سنى ها مى مردند به طورى كه بر همه آشكار گرديد. برخى از سنى ها از آشنايان شيعه خود پرسيدند؛ سبب اين كه ديگر از شما كسى تلف نمى شود چيست؟ به آنها گفته بودند زيارت عاشورا. آنها هم مشغول شدند و بلا از آنها هم بر طرف گرديد.

در منزل ميرزاى شيرازى در كربلا ايام عاشورا، روضه خوانى بود و روز عاشورا به اتفاق طلاب و علما به حرم حضرت سيد الشهدا و حضرت اباالفضل مى رفتند و عزادارى مى نمودند. عادت ميرزا اين بود كه هر روز در غرفه خود، زيارت عاشورا مى خواند، سپس پايين مى آمد و در مجلس عزا شركت مى كرد. يكى از بزرگان مى گويد: روزى خودم حاضر بودم كه پيش از وقت پايين آمدن، ناگاه ميرزا با حالت غير عادى و پريشان و نالان از پله هاى غرفه به زير آمد و داخل مجلس شد و فرمود: امروز بايد از مصيبت عطش ‍ حضرت سيد الشهدا بگوييد و عزادارى كنيد. تمام اهل مجلس منقلب شدند و بعضى بيهوش شدند. سپس با همان حالت به اتفاق ميرزا به صحن و حرم مقدس مشرف شديم، گويا ميرزا به اين تذكر مامور شده بود.

### 147- مداومت به خواندن زيارت عاشورا

يكى از بزرگان مى فرمود: مرحوم آيه الله حاج آقا حسين خادمى و حاج شيخ عباس قمى و حاج شيخ عبدالجواد مداحيان روضه خوان امام حسين را در خواب ديدم كه در غرفه هاى بهشتى دور يكديگر جمع بودند. از آية الله خادمى احوالپرسى كردم و گفتم:

با هم بودن شما يك آية الله و آقاى حاج شيخ عباس قمى يك محدث و حاج شيخ عبدالجواد روضه خوان امام حسين عليه‌السلام چه مناسبتى دارد كه با يكديگر يك جا قرار گرفته ايد؟

جواب دادند: ما همگى مداومت به زيارت عاشورا داشتيم و در مقدار خواندن زيارت عاشورا مثل هم بوديم.

### 148- توسعه رزق و روزى

عالم جليل و زاهد مسلم حاج آقاى شيخ عبدالجواد حايرى مازندانى فرمود:

روزى كسى آمد خدمت خلد مكان شيخ الطائفه زين العابدين مازندرانى رحمه‌الله شكايت از تنگى معاش خود كرده، شيخ به او فرمود: برو حرم حضرت ابا عبدالله عليه‌السلام زيارت عاشورا بخوان رزق و روزى به تو خواهد رسيد اگر نرسيد بيا نزد من، من خواهم داد.

آن بنده خدا رفت. بعد از زمانى آمد خدمت آقا، آقا فرمود: چه كار كردى؟ گفت: در حرم مشغول خواندن زيارت عاشورا بودم كسى آمد و وجهى به من داد و در توسعه قرار گرفتم.

### 149- بهترين عمل براى سفر آخرت

مرحوم آية الله سيد محمد حسين شيرازى نوه مرحوم آية الله العظمى ميرزاى شيرازى بزرگ بعد از وارد شدن به ايران و مسدود شدن راه عراق در اثر جنگ جهانى دوم به اينجا آمد و براى خانواده اش كه در نجف بودند، فوق العاده ناراحت مى شود مراجعه مى كند به كسى كه ارتباط با ارواح بر قرار مى كرده - نه به وسيله هيپنوتيزم... دو سوال مى كند مطابق با واقع جواب مى آيد، علاقمند مى شود، سوال سوم مى كند: بهترين عمل براى سفر آخرت چيست؟ بعد از موعظه ها چنين جواب مى آيد بهترين عمل براى سفر آخرت زيارت عاشورا است. بدين جهت مرحوم آية الله سيد محمد حسين شيرازى تا آخر عمر ملتزم و مداوم به زيارت عاشورا بود.

### 150- رفع گرفتارى

يكى از علما و حجج اسلام و از ذريه رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله در يادداشت هاى خود چنين فرموده بود: شبى از طريقى به من الهام شد كه مبلغ چهل و پنج هزار تومان بر درب مغازه يكى از بندگان خدا كه مرد محترمى از اهل اصفهان است (و نخواسته اسمش گفته شود) صبح متحير بودم چه كنم، آيا آنچه فهميديم صحيح است يا نه و نمى دانستم چقدر پول دارم؟ وقتى مراجعه كردم ديدم موجودى من چهل و پنج هزار تومان است، اول وقت رفتم درب مغازه آن آقا كه از محترمين آن شهر بود، ديدم دو نفر درب مغازه او ايستاده اند، به آن آقا گفتم: من با شما كارى دارم، مى خواهم با هم برويم جايى و برگرديم.

گفت: بسيار خوب. من ايشان را بردم مسجدالنبى واقع در خيابان جى، آنجا عمله و بنا كار مى كردند، لب ايوان طرف قبله نشستيم.

من به ايشان گفتم: من مامور هستم گرفتارى شما را اصلاح كنم، مشكلى دارى بگو، هر چه اصرار كردم نگفت، بالاخره آن مبلغ را به ايشان دادم ولى نگفتم چقدر است. ايشان بى اختيار به گريه افتاد و گفت:

من چهل و پنج هزار تومان قرض داشتم، چهل زيارت عاشورا نذر كردم بخوانم و امروز بعد از اذان آخر آن را خواندم و از آقا ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام خواستم رفع گرفتاريم شود كه بحمد الله گره باز گرديد.

### 151- شفاى بيمار

يكى از فاميل هاى نزديك آقا سيد زين العابدين ابرقويى سخت دچار دل درد مى شود تا حدى كه خون از گلوى او بيرون مى آيد، دكترها مايوس شده و دستور حركت به تهران و عمل جراحى را خبر دادند، خبر را به آقا سيد زين العابدين رساندند و درخواست دعا و توسل نمودند، ايشان به فرزندان خود دستور دادند وضو بگيرند و در ميان آفتاب مشغول مى شوند، پس از ساعتى ناگهان از اطاق خود بيرون آمده و گفتند:

شفا حاصل شد، برخيزيد و مژده دهيد به مادرتان كه خداوند برادرت را شفا داد.

يكى از علماى اصفهان كه از ملازمين ايشان بودند گفتند:

آقاى سيد زين العابدين ختم زيارت عاشورا برداشته بودند براى كمالات نفسانى و رسيدن به درجه يقين، بدين جهت آن حالات براى ايشان پيدا شده بود. شرح حال سيد زين العابدين ابرقويى طباطبايى مولف كتاب ولاية المتقين.

## فصل نهم: مناجات و دعا

### 152- زمزمه دعا در سجده

از كتاب مقتل الحسين اخطب خوارزم نقل شده كه گفته است كه شريح گويد به مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مدينه وارد شدم. در آنجا حسين بن على عليه‌السلام را ديدم كه به سجده رفته و گونه بر خاك نهاده و مى گويد:

«سيدى و مولاى! المقامع الحديد خلقت اعضائى، ام لشرب الحميم خلقت امعائى، الهى لئن طالبتنى بذنوبى لاطالبنك بكرمك، و لئن حبستنى مع الخاطئين لاخبرنهم بحبى لك، سيدى! ان طاعتى لا ينفعك و معصيتى لا تضرك فهب لى ما لا ينفعك، واغفر لى ما لا يضرك، فانك ارحم الراحمين؛

يعنى، اى آقا و مولاى من! آيا براى گرزهاى آهنين اعضاى مرا آفريدى يا براى شراب حميم (جهنم) احشاء و امعاى مرا خلق فرمودى؟ خدايا! اگر مرا به گناهانم بگيرى من از تو كرم و بزرگواريت را مطالبه مى كنم، و اگر مرا با خطاكاران به زندان افكنى محبت و دوستى تو را كه در دل دارم به آنها بازگو كنم، اى آقاى من! به راستى كه اطاعت و فرمانبردارى من، تو را سود ندهد، و نافرمانى و معصيت من نيز تو را زيان نرساند. پس آنچه را سودت ندهد به من ببخش و آنچه را زيانت نرساند از من بيامرز؛ كه به راستى تو مهربان ترين مهربانانى.» (111)

### 153- دعاى امام حسين عليه‌السلام هنگام صبح عاشورا

از امام زين العابدين عليه‌السلام نقل شده كه فرمود: صبح عاشورا چون سپاه دشمن (براى نبرد) بر حسين عليه‌السلام رو آورد، امام عليه‌السلام دست به دعا برداشت و عرض كرد: «بارالها! در هر اندوهى، تكيه گاه منى و در هر سختى اميد منى، در هر حادثه ناگوارى كه بر من آيد، پشت و پناه و ذخيره منى! چه بسا غمى كه در آن دل، ناتوان و چاره، ناياب و دوست، خوار و دشمن، شاد مى شد و من آن را به درگاهت آورده به تو شكوه كردم، تا از جز تو بريده تنها به تو رو آورده باشم و تو گشايش دادى و آن را از من راندى، پس تو دارنده هر نعمت و صاحب هر نيكى و مقصد اعلاى هر خواسته اى. (112)»

### 154- نجات زنى به دعاى امام عليه‌السلام

ايوب بن اعين از امام صادق عليه‌السلام نقل مى كند كه فرمود: زنى طواف مى كرد و پشت سر او مردى بود، آرنج آن زن بيرون افتاد، آن مرد (تحريك شد و) دستش را بر آرنج زن نهاد، پس خدا دست او را به دست زن چسبانيد تا اينكه طواف تمام شد، از پى فرماندار مكه فرستادند، و مردم جمع شدند، (فرماندار آمد) و سراغ فقهاى مكه فرستاد، فقهاء مى گفتند: دست مرد را قطع كن؛ زيرا او (در يك چنين مكان مقدسى) جنايت كرده است.

فرماندار پرسيد: آيا در مكه كسى از فرزندان محمد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله حضور دارد؟

گفتند: بله، حسين بن على عليه‌السلام ديشب وارد مكه شده است.

از پى حضرت عليه‌السلام فرستاد و او را (به آنجا) دعوت نمود، چون حضرت عليه‌السلام حضور يافت، فرماندار گفت: (اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله) گرفتارى اين دو را ببين؟!

حضرت عليه‌السلام رو به قبله ايستاد و دست ها را بالا آورده مدتى طولانى دعا فرمود، سپس به سوى آن دو آمد و دست مرد را از دست زن نجات داد.

فرماندار عرض كرد: آيا مرد را به خاطر گناهش مجازات نكنيم؟

حضرت فرمود: نه. (113)

### 155- اجابت دعاى امام

ابن اعثم گويد: سواره اى از لشكر ابن سعد به نام مالك بن حوزه آمده نزد خندق ايستاد و فرياد كرد: اى حسين! مژده باد كه آتش دنيا قبل از آخرت مى سوزاندت!

امام عليه‌السلام فرمود: «اى دشمن خدا! دروغ گفتى، من بر پروردگارى رحيم و صاحب شفاعتى كه (فرشتگان) فرمانش برند درآيم و آن جدم رسول خداست.»

سپس فرمود «اين مرد كيست؟»

گفتند: مالك بن حوزه.

امام فرمود: «خدايا! او را در آتش بلا و پيش از آخرت در دنيايش ‍ بسوزان.»

پس بى درنگ اسب مالك بر او آويخته او را در آتش افكند و سوخت. امام عليه‌السلام به سجده افتاد و سر برداشت و فرمود: عجب دعايى! چه زود به اجابت رسيد!

سپس ندا فرمود: «خدايا! ما خاندان و ذريه و خويش پيامبر توييم، ستمگران و غاصبان حق ما را در هم شكن كه تو شنواى اجابت كننده اى. (114)»

### 156- استجابت دعا نزد ركن يمانى

در بعضى از نسخه هاى منسوب به امام رضا عليه‌السلام آمده است: از امام حسين عليه‌السلام روايت شده كه فرمود:

«ركن يمانى، درى از درهاى بهشت است كه خداى سبحان آن را از آن روزى كه گشوده (نبسته و) بى بهره نساخته است، همانا بين اين دو ركن حجرالاسود و يمانى، فرشته اى است كه «هِجير» نام دارد، او بر دعاهاى اهل ايمان، آمين مى گويد. (115)»

### 157- بركت دعاى امام عليه‌السلام

امام حسين عليه‌السلام با كاروانى كه در آن عده زيادى از مردم بودند به قصد زيارت خانه خدا از مدينه بيرون آمد. مردى از كاروان بيمار شد و به حضرت عرض كرد: دلم انار مى خواهد.

حضرت عليه‌السلام (به سويى اشاره نمود و) فرمود:

«اين باغى است كه در آن ميوه هاى گوناگون است. برو و هر چه مى خواهى بخور.»

در حالى كه قبلا كسى در آنجا آب و درخت و ميوه اى به خاطر نداشت.

چون اهل كاروان، باغ را ديدند، داخل شدند و هر چه خواستند خوردند و چون بيرون آمدند باغ از ديد آنها ناپديد شد. در همين هنگام آهويى را ديدند امام عليه‌السلام به آن اشاره فرمود و آهو آمد، سپس دستور داد تا كسى آن را ذبح كند، اما هيچ يك از استخوان هايش را نشكند، همگى از گوشت آن خوردند، پس حضرت عليه‌السلام دعايى خواند و آن آهو دوباره زنده شد، امام فرمود: «هر كه مى خواهد شير بنوشد آن را بدوشد»، همگى از شير آن نوشيدند و به بركت امام حسين عليه‌السلام و دعاى او همه كاروان را كفايت كرد. سپس حضرت عليه‌السلام رو به آهو نمود فرمود:

«نوزادهايى دارى كه انتظارت را مى كشند، برو و آنان را شير ده.» آهو برگشت. (116)

### 158- دعا در قنوت

«اللهم منك البدء و لك المشية، و لك الحول و لك القوة، و انت الله الذى لا اله الا انت، جعلت قلوب اوليائك مسكنا لمشيتك و مكمنا لارادتك، و جعلت عقولهم مناصب اوامرك و نواهيك.

فانت اذا شئت ما تشاء حركت من اسرارهم كوامن ما ابطنت فيهم، و ابداءت من ارادتك على السنتهم ما افهمتهم به عنك فى عقودهم، بعقول تدعوك و تدعو اليك بحقائق ما منحتهم به، و انى لاءعلم مما علمتنى مما انت المشكور، على ما منه اريتنى، و اليه آويتنى.

اللهم و انى مع ذلك كله عائذ بحولك و قوتك، راض بحكمك الذى سقته الى فى علمك، جار بحيث اجريتنى، قاصد ما اممتنى، غير ضنين بنفسى فيما يرضيك عنى، اذ به قد رضيتنى، و لا قاصر بجهدى عما اليه ندبتنى، مسارع لما عرفتنى، شارع فيما اشرعتنى، مستبصر ما بصرتنى، مراع ما ارعيتنى، فلا تخلنى من رعايتك، و لا تخرجنى من عنايتك، و لا تقعدنى عن حولك، و لا تخرجنى عن مقصد انال به ارادتك.

و اجعل على البصيرة مدرجتى، و على الهداية محجتى، و على الرشاد مسلكى، حتى تنيلنى و تنيل بى امنيتى، و تحل بى على ما به اردتنى، و له خلقتنى و اليه آويتنى.

و اعذ اولياءك من الافتتان بى، و فتنهم برحمتك لرحمتك فى نعمتك تفتين الاجتباء، و الاستخلاص بسلوك طريقتى و اتباع منهجى، و الحقنى بالصالحين من آبائى و ذوى رحمى؛

پروردگارا! آغاز هر چيز از توست و اراده انجامش در اختيار تو، و نيرو و توان از آن توست، و تو خدايى هستى كه معبودى جز تو نمى باشد، جان هاى اوليايت را جايگاه اراده و محل مشيت خود مقرر فرمودى، و در افكارشان اوامر و نواهيت را قرار دادى، تا يك لحظه از ياد تو غافل نگردند.

و تو آنگاه كه اراده امرى را بنمايى، در افكارشان آنچه خود در آنها به وديعت نهاده اى را به حركت در آورده، و بر زبانشان آنچه خود به آنان تفهيم كرده اى را جارى مى سازى، با عقل هايى كه تو را خوانده و با حقايقى كه به آنان ارزانى داشته اى به سوى تو مى خوانند، و من مى دانم از آنچه به من آموخته اى، از چيزهايى كه تو بر آنها شايسته سپاس مى باشى، از چيزهايى كه به من نشان داده اى و به سوى آن مرا پناه داده اى.

خداوندا! و با اين وجود به نيرو و توان تو پناهنده و به قضا و قَدَرت كه در علمت مرا در جهت آن قرار دادى، و در مسير آن به حركت در مى آيم، و به آنچه تو بخواهى مصمم مى گردم، راضى هستم، در حالى كه به آنچه تو بدان از من خشنود مى باشى بخيل نيستم، و از آنچه تو مرا بدان خوانده اى كوتاهى نمى كنم، و به آنچه مرا بدان آشنا ساخته اى سبقت نمى گيرم، و به آنچه تو مرا بدان آغاز نموده اى آغاز مى نمايم، از راه هدايت تو هدايت مى جويم، آنچه امر به رعايتش نمودى رعايت مى نمايم، پس مرا از رعايتت خالى ننما، از عنايتت خارج نساز، و مرا از فيض رسيدن تاءييدت عاجز و ناتوان قرار نده و از راهى كه به خشنودى تو مى رسم مرا خارج نكن.

حركتم را بر اساس روشنگرى، و راهم را با هدايت، و زندگيم را قرين رشد و تعالى قرار ده، تا مرا هدايت نموده و ديگران نيز به وسيله من راهنمايى گردند، و در آنچه تو خواهان آن بوده و به جهت آن مرا خلق كرده اى، و به سوى آن پناه داده اى، مرا وارد سازى.

و اوليائت را از اينكه به وسيله من امتحان شوند در پناه خود گير، و با رحمتت و در نعمتت آنان را امتحان و آزمايش نما، آزمايشى كه سبب برگزيدن آنها و پاك شدن آنها از زشتى ها و راهنمايى آنان به راهى كه من رفته ام باشد، و مرا به پدران و خويشاوندان رستگارم ملحق نما.»

### 159- دعاى براى طلب رغبت به آخرت

«اللهم ارزقنى الرغبه فى الآخرة، حتى اعرف صدق ذلك فى قلبى بالزهادة منى فى دنياى.

اللهم ارزقنى بصرا فى امر الآخرة، حتى اطلب الحسنات شوقا و افر من السيئات خوفا يا رب؛

خدايا! مرا به آخرت راغب و مشتاق گردان، تا آنگاه كه وجود آن را با زهد و پارسايى در امور دنيايى در خود احساس كنم.

پروردگارا! به من بينايى و شناخت در امور آخرت عطا كن، تا با شوق بسيار و از جهت ترس تو به جاى گناهان به دنبال كارهاى نيك باشم.»

### 160- دعاى در قنوت نماز وتر

«اللهم انك ترى و لا ترى، و انت بالمنظر الاعلى، و ان اليك الرجعى و ان لك الاخرة و الاولى، اللهم انا نعوذ بك من ان نذل و نخزى؛

خداوندا! تو مى بينى و ديده نمى شوى، و در جايگاه بلندى قرار دارى، و بازگشت به سوى توست، و دنيا و آخرت از آن تو مى باشد، خداوندا! از اينكه ذليل گشته و خوار شويم به تو پناه مى بريم.»

### 161- دعاى ديگر قنوت

«اللهم من آوى الى ماءوى فانت ماءواى، و من لجاء الى ملجاء فانت ملجاءى، اللهم صل على محمد و آل محمد و اسمع ندائى و اجب دعائى، و اجعل عندك مآبى و مثواى، و احرسنى فى بلواى من افتنان الامتحان و لمة الشيطان، بعظمتك التى لا يشوبها ولع نفس بتفتين، و لا وارد طيف بتظنين، و لا يلم بها فرج، حتى تقلبنى اليك بارادتك غير ظنين و لا مظنون، و لا مراب و لا مرتاب، انك انت ارحم الراحمين؛

پروردگارا! هر كه به پناهگاهى پناه جويد تو پناهم مى باشى، و هر كه به پناهگاهى پناه گيرد تو پناهگاهم مى باشى، خداوندا! بر محمد و خاندانش ‍ درود فرست و ندايم را بشنو و دعايم را اجابت نما، و مقر و جايگاهم را نزد خودت قرار ده، و در مواضع امتحان مرا از لغزش به جهت آنها و گمراهى به وسيله شيطان باز دار، به حق عظمتت كه تكذيب انسانى و خيال پردازى در آن مؤ ثر واقع نشده و امرى از آن خالى نمى باشد، تا اينكه مرا به اراده و مشيتت به سوى خود بازگردانى، بدون آنكه نسبت به تو مشكوك و مظنون بوده و رحمتت را مورد شبهه و شك قرار دهم، به درستى كه تو مهربان ترين مهربانانى.»

### 162- دعاى سجده شكر

«سيدى و مولاى! المقامع الحديد خلقت اعضائى، ام لشرب الحميم خلقت امعائى، الهى لئن طالبتنى بذنوبى لاطالبنك بكرمك، و لئن حبستنى مع الخاطئين لاخبرنهم بحبى لك، سيدى! ان طاعتى لا تنفعك و معصيتى لا تضرك فهب لى ما لا ينفعك، و اغفر لى ما لا يضرك، فانك ارحم الراحمين؛

اى آقا و مولايم! آيا براى گرزهاى آتشين اعضاى بدنم را خلق كرده اى، يا اندام درونيم را براى نوشيدن آب هاى گرم جهنم خلق نموده اى، خداوندا! اگر مرا به گناهان بازخواست كنى من تو را به كرم و بخششت مى خوانم، و اگر مرا با خطاكاران قرار دهى دوستيم نسبت به تو را به اطلاع آنان مى رسانم، اى آقايم! طاعتم تو را بهره اى نداده و گناهم به تو ضررى نمى رساند، پس آنچه به تو سود و بهره اى نمى رساند را به من عنايت كن و آنچه به تو ضرر نمى رساند را از من ببخشاى، به درستى كه تو مهربان ترين مهربانانى.»

### 163- دعاى آن حضرت در صبح و شب

«بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله، و بالله، و من الله، و الى الله، و فى سبيل الله و على ملة رسول الله، و توكلت على الله، و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم.

اللهم انى اسلمت نفسى اليك، و وجهت وجهى اليك، و فوضت امرى اليك، اياك اساءل العافية من كل سوء فى الدنيا و الاخرة.

اللهم انك تكفينى من كل احد، و لا يكفينى احد منك، فاكفنى من كل احد ما اخاف و احذر، و اجعل لى من امرى فرجا و مخرجا، انك تعلم و لا اعلم، و تقدر و لا اقدر، و انت على كل شى ء قدير، برحمتك يا ارحم الراحمين؛

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا و به ياد او، و از خداوند و بسوى او، و در راه او، بر مذهب رسول او، و بر خداوند توكل كردم، و نيرو و قدرتى جز به اراده خداوند بزرگ نيست.

پروردگارا! جانم را به تو تسليت كرده، و چهره ام را به سوى تو گردانده، و كارم را به تو تفويض كردم، و از تو عافيت و سلامتى از هر بدى در دنيا و آخرت را خواهانم.

پروردگارا! تو مرا از هر كس كفايت كرده، و هيچ كس مرا از تو كفايت نمى كند، پس مرا از موارد ترس و هراس از هر كه باشد كفايت فرما، و در كارم راه گشايش و رهايى قرار ده، به درستى كه تو مى دانى و من نمى دانم، و تو توانايى و من قادر نيستم، و تو بر هر كار توانايى، به رحمتت اى مهربان ترين مهربانان.»

### 164- دعا در مسجد پيامبر

در مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به مناجات و دعا نشست و چنين سرود:

«خداوندا! اگر مرا به گناهانم مورد بازخواست قرار دهى، من تو را به كرمت طلب مى كنم.

اگر مرا در شمار خطاكاران درآوردى، اعلام مى كنم كه ترا دوست مى دارم، اى خدا و آقاى من! طاعت من نفعى متوجه تو نمى كند، و معصيت من به تو زيان نمى رساند، خدايا! اگر كوتاهى است در گذر كه تو مهربان ترين مهربانانى. (117)»

### 165- دعا براى بهشت

«اللهم اجعل الجنة لنا و لاشياعنا منزلا كريما انك على كل شى ء قدير؛

خداوندا! بهشت را براى ما و شيعيانمان مكانى ارزشمند قرار ده، به درستى كه تو بر هر كار توانايى.»

### 166- دعا براى نمازگزار

دعاى امام حسين عليه‌السلام براى ابو ثمامه صيداوى:

«جعلك الله من المصلين الذاكرين؛

خداوند تو را از نمازگزارانى كه به ياد خدا هستند قرار دهد. (118)»

### 167- عاشق دعا

امام حسين عليه‌السلام اهل دعا بود. با خدا رابطه ذكر و مناجات بسيار داشت. دعاى عرفه او معروف است و اگر از حسين عليه‌السلام اثرى جز همين دعا باقى نمى ماند به تنهايى كفايت از آن داشت كه او را در جهان عرفان و ادب، معروف نموده و او را در بالاترين سطح ايمان و اخلاق معرفى كند. او دريايى از عرفان و خداشناسى و در عرصه اظهار ارادات و خلوص به پيشگاه خداى متعال هنوز فرياد و نداى «يا رب يا رب» او، در عرصه منا و عرفات به گوش اهل دل مى آيد، هنوز نداى اللهم او در گوش ‍ اقران و بزرگان طنين انداز است.

هنوز صداى زمزمه و ضجه و ناله او در ملكوت اعلى وجود دارد و پاكان و نيكان آنها را مى شنوند.

سراسر شب هاى عمرش، به ويژه شب عاشورايش، شب قدر بود و شب دعا بود و شب مناجات بود و شب اشك و آه و ناله بود، و هر يا رب و يا الله او معادل عبادت همه قدسيان بود. چه كسى مى تواند چون حسين خداى را بخواند و چون او به پيشگاه مقدسش عرض ارادت كند؟

در مكه و در مقام ابراهيم صورت بر آن مقام مى نهاد و مى گفت: خدايا! بنده كوچكت به درگاه تو روى آورده، گداى تو به درگاه تست، مستمند تو به سوى تو روى آورد. «عبيدك ببابك، سائلك ببابك، مسكينك ببابك....» (119)

### 168- طلب باران توسط امام حسين عليه‌السلام

حميرى، از ابوالبخترى، از امام صادق، از امام باقر، از امام سجاد عليهم‌السلام نقل كرده كه فرمود: عده اى نزد على بن ابى طالب عليه‌السلام آمده از كمى باران شكايت كردند و گفتند: اى اباالحسن! در طلب باران، براى ما دعاهايى بكن.

على عليه‌السلام، به حسين عليه‌السلام فرمود: در طلب باران براى ما دعاهايى بكن.

حسين عليه‌السلام (رو به خدا آورده) عرض كرد: بارالها! اى بخشنده خيرات از چشمه هايش! و اى نازل كننده رحمت ها از كان هايش! و اى روان كننده بركات بر اهلش! باران فريادرس از توست و تو فريادرس و پناهى، ما خطاكار و اهل گناهيم و تو آمرزش خواه آمرزنده اى، هيچ معبود به حقى جز تو نيست، بارالها! آسمان را در اين لحظه بر ما سرشار ببار و از باران پى در پى و پرريزش، بارانى فريادرس، گشايش دهنده فراگير، پيوسته، گوارا، حاصلخيز و فراوان، پرموج، پرخروش، ريزان، تند و سخت، روان، سيل آسا، پردامنه، لبريزساز چشمه ها و آبگيرها ما را سيراب فرما، بارانى كه بر چهره زمين راه افتاده، يكى ديگرى را پيش براند و دانه اى از پى دانه ديگر رسد، برقش بى بار و رعدش دروغين نباشد، تا با آن بندگان ناتوانت را نيرو بخشى و زمين هاى مرده را زنده كنى، و ارتفاعات تپه ها و بلندى ها را شاداب سازى و منت هايت را بر ما ببخشايى، آمين اى پروردگار جهانيان!»

آن بزرگوار نيايش خود را به پايان نبرد مگر اينكه خداى متعال باران پربار آسمان را بر آنان نازل كرد.

از سلمان پرسيدند: اى ابا عبدالله! آيا اين دعاها را به او آموخته اند؟

سلمان گفت: واى بر شما! چرا سخن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را به ياد نمى آوريد كه فرمود: هر آينه خدا فروغ هاى حكمت را بر زبان اهل بيت من روان ساخته است. (120)

## پى نوشت ها

۱- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۱۱.

۲- جامع الاخبار، ص ۷۶.

۳- بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۱۰.

۴- وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۴۳۴.

۵- نفس المهموم، ۱۰۴.

۶- احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۳.

۷- موسوعه كلمات الامام الحسين، ص ۶۸۶.

۸- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۶۳۰.

۹- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۸۰۶.

۱۰- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۳۳.

۱۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۵. شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ۵۳.

۱۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ۱۹۵.

۱۳- موسوعه كلمات الامام الحسين، ص ۱۳۳.

۱۴- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۲.

۱۵- بحارالانوار، ص ۱۴۹.

۱۶- مقتل الحسين، ج ۱، ص ۱۸۶.

۱۷- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۳۷۰.

۱۸- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۱۴۳.

۱۹- بگذار تا ببويم، ص ۲۶.

۲۰- القمقام الزخار، ج ۱، ص ۷۶.

۲۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۸۸.

۲۲- نفثه المصور، شيخ عباس قمى.

۲۳- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

۲۴- احتجاج، ج ۲، ص ۸۸.

۲۵- به نقل از امام حسين، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴.

۲۶- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۲۷- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲۸- بحارالانوار، ج ۴۵. ص ۱۲۱ و ۱۸۸.

۲۹- بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۱۱۰.

۳۰- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۰۴.

۳۱- مقتل الحسين، مقرم، ص ۲۵۶.

۳۲- شيخ صدوق، ص ۴۴.

۳۳- دمع السجوم، ص ۱۱۸.

۳۴- گفتارهاى معنوى، ص ۱۳۰.

۳۵- نفس المهموم، ص ۱۰۴.

۳۶- زندگانى امام حسين عليه‌السلام، رسولى محلاتى، ۳۹۸.

۳۷- اذان نغمه آسمانى، ۸۸.

۳۸- بحارالانوار، ۴۴، ص ۳۱۴.

۳۹- سخنان حسين بن على عليه‌السلام، ص ۱۰۱.

۴۰- لهوف، ص ۹۶.

۴۱- زندگانى امام حسين، سيد هاشم محلاتى، ۴۳۳.

۴۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، باب ۳۰، حديث ۱۲.

۴۳- گفتارهاى معنوى، ص ۱۰۲.

۴۴- صحيفة الحسين، ۹۸.

۴۵- صحيفه الحسين، ۱۰۰.

۴۶- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۴۲۶.

۴۷- طهارت، ص ۷۵۹.

۴۸- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۴۰۰.

۴۹- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۳۹۱.

۵۰- زيباترين شكست، ۸۷.

۵۱- رياحين الشريعة، ج ۳، ص ۶۲.

۵۲- رياحين، الشريعة، ج ۳، ص ۶۲.

۵۳- زينب كبرى، للنفدى، ص ۵۰.

۵۴- بحارالانوار، ۸۳، ص ۲۳.

۵۵- مقتل الحسين، ۲۹۴.

۵۶- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۳.

۵۷- سوره بقره، آيه ۴۵.

۵۸- محجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵۹- انعام، ۱۶۲.

۶۰- وسائل الشيعه، ج ۱. سخنان حسين بن على عليه‌السلام، ص ۱۹۹.

۶۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۶۳۷.

۶۲- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۵۰.

۶۳- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۵۳.

۶۴- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۵۰.

۶۵- مستدرك الوسائل، ج ۴، ص ۱۸۹.

۶۶- مستدرك الوسائل، ص ۳۹۶.

۶۷- كنز العمال، ج ۸، ص ۱۵۵.

۶۸- موسوعة كلمات الامام الحسين، ص ۷۴۵.

۶۹- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵.

۷۰- وسائل الشريف المرتضى، ج ۱، ص ۲۲۲.

۷۱- وسايل شريف المرتضى، ص ۷۴۸.

۷۲- المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۹۸.

۷۳- لهوف، ص ۱۲.

۷۴- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۷۱.

۷۵- مستدرك الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۵.

۷۶- مناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۹.

۷۷- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶.

۷۸- كلمه الامام حسن، ص ۴۱، سخنان چهارده معصوم پيرامون نماز، ص ۷۴.

۷۹- جامع الاخبار، ص ۴۸.

۸۰- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۶۱۸.

۸۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۵۷۸.

۸۲- الكافى، ج ۲، ص ۴۴۷. سخنان چهارده معصوم پيرامون نماز، ص ۷۳.

۸۳- احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۷.

۸۴- تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۷۵.

۸۵- وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۶۰۸ - جامع، ج ۲، ص ۴۲.

۸۶- طهارت روح، ص ۲۱۴.

۸۷- زمين و تربت امام حسين ص ۶۳.

۸۸- شفاعت امام حسين، ص ۲۰.

۸۹- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۵۱.

۹۰- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۹۱- بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۵۳.

۹۲- بحارالانوار، ۸۵، ص ۱۵۸.

۹۳- شفاعت امام حسين، ص ۱۹.

۹۴- شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۲۰ - ۲۱.

۹۵- سوره اسراء، آيه ۴۴.

۹۶- شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۲۱.

۹۷- مصباح المتهجد شيخ طائفه (ره)، ص ۶۷۸.

۹۸- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۲. شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۲۴.

۹۹- ۷۲ داستان از شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۶۷.

۱۰۰- شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۲.

۱۰۱- وقايع الايام، ج ۲، ص ۱۸۲. شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۳.

۱۰۲- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۲۲۸.

۱۰۳- ۷۲ داستان از شفاعت امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۲.

۱۰۴- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۲۲۹.

۱۰۵- كامل الزيارات، ۲۴۸.

۱۰۶- آثار و بركات، ص ۸۱.

۱۰۷- كامل الزيارات، ۱۹۵.

۱۰۸- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۶۰.

۱۰۹- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۵۹.

۱۱۰- داستانها، ۲۱۰۷.

۱۱۱- صحيفة الحسين، ص ۶۴.

۱۱۲- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۴۶۴.

۱۱۳- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۳. فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۱۱.

۱۱۴- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۴۳۸.

۱۱۵- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۷۳.

۱۱۶- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۷۱۲.

۱۱۷- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۱۴۵.

۱۱۸- صحيفة الحسين، ص ۱۰۶.

۱۱۹- در مكتب مهتر شهيدان، ص ۱۴۴.

۱۲۰- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه‌السلام، ص ۱۶۰.

فهرست مطالب

[پيشگفتار 3](#_Toc17285672)

[گزيده اى از زندگانى امام حسين عليه‌السلام 5](#_Toc17285673)

[فصل اول: جلوه نماز از ولادت تا كربلا 7](#_Toc17285674)

[1- اذان و اقامه در گوش امام حسين عليه‌السلام 7](#_Toc17285675)

[2- هزار ركعت نماز 8](#_Toc17285676)

[3- وضوى امام حسين عليه‌السلام 8](#_Toc17285677)

[4- سنت هفت بار تكبير 8](#_Toc17285678)

[5- نماز در يك لباس 9](#_Toc17285679)

[6- عبور از جلوى نماز گزار 9](#_Toc17285680)

[7- ركوع و سجده طولانى 9](#_Toc17285681)

[8- تغيير رنگ صورت امام هنگام وضو 10](#_Toc17285682)

[9- نماز تقيه 10](#_Toc17285683)

[10- سفارش اهل بيت به نماز 10](#_Toc17285684)

[11- تسليم در برابر خدا 12](#_Toc17285685)

[12- طواف و نماز پس از نماز عصر 12](#_Toc17285686)

[13- انفاق بعد از نماز 13](#_Toc17285687)

[14- روزه امام حسين عليه‌السلام 15](#_Toc17285688)

[15- طلب باران 16](#_Toc17285689)

[16- نماز و نفرين بر منافق 17](#_Toc17285690)

[17- نماز و غسل على عليه‌السلام 18](#_Toc17285691)

[18- نماز كنار قبر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 19](#_Toc17285692)

[19- دو ركعت نماز كنار قبر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 20](#_Toc17285693)

[20- نماز جماعت 20](#_Toc17285694)

[21- مناجات حضرت كنار مزار خديجه 21](#_Toc17285695)

[22- عبادت امام حسين عليه‌السلام از زبان دشمنان 22](#_Toc17285696)

[23- همه چيز او عبادت بود 23](#_Toc17285697)

[24- انس با مسجد 24](#_Toc17285698)

[25- مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 25](#_Toc17285699)

[26- نماز بر پيكر پدر 26](#_Toc17285700)

[27- انفاق بعد از نماز 27](#_Toc17285701)

[28- زيارت قبر امام حسين عليه‌السلام 27](#_Toc17285702)

[29- نماز بر دشمن نمى خوانم 28](#_Toc17285703)

[30- بهترين كار بعد از نماز 28](#_Toc17285704)

[31- مزد معلم 30](#_Toc17285705)

[فصل دوم: جلوه نماز در كربلا 31](#_Toc17285706)

[32- روز تبلور عبادت 31](#_Toc17285707)

[33- اسوه عالى عبادت 32](#_Toc17285708)

[34- چهار نوع نماز عاشقانه 33](#_Toc17285709)

[35- شيرينى معرفت 35](#_Toc17285710)

[36- همانند نماز فرشتگان 36](#_Toc17285711)

[37- نماز، محبوب حسين عليه‌السلام 37](#_Toc17285712)

[38- شهادت به خاطر احياى نماز 38](#_Toc17285713)

[39- شهادت در حال نماز 39](#_Toc17285714)

[40- به خاطر نماز جنگ را به تاخير انداختند 41](#_Toc17285715)

[41- سخنرانى بعد از نماز مغرب 43](#_Toc17285716)

[42- شب معراج 45](#_Toc17285717)

[43- تا صبح در حال عبادت 47](#_Toc17285718)

[44- نماز جماعت شب عاشورا 47](#_Toc17285719)

[45- تمام شب براى عبادت 47](#_Toc17285720)

[46- اذان گفتن امام در صبح عاشورا 48](#_Toc17285721)

[47- سخنرانى بعد از نماز صبح عاشورا 48](#_Toc17285722)

[48- اذان براى ظهر عاشورا 49](#_Toc17285723)

[49- موذن امام 49](#_Toc17285724)

[50- ياد آورى وقت نماز ظهر 50](#_Toc17285725)

[51- اولين شهيد نماز در جبهه كربلا 52](#_Toc17285726)

[52- جنگ بعد از نماز ظهر 53](#_Toc17285727)

[53- نماز خوف در صحراى كربلا 54](#_Toc17285728)

[54- دعا در آخرين لحظات روز عاشورا 55](#_Toc17285729)

[55- علت تاخير افتادن جنگ 57](#_Toc17285730)

[56- ياد خدا تا لحظه شهادت 58](#_Toc17285731)

[57- آخرين سجده خونين حسين عليه‌السلام 59](#_Toc17285732)

[58- دعا قبل از شهادتش 60](#_Toc17285733)

[59- توجه به خيام و نماز 60](#_Toc17285734)

[60- دعوت به بهشت بعد از نماز ظهر 61](#_Toc17285735)

[61- بهترين اصحاب امام حسين 62](#_Toc17285736)

[62- نماز مسلم بن عقيل 64](#_Toc17285737)

[63- مناجات ياران امام 65](#_Toc17285738)

[64- ايمان و اخلاص ياران امام 66](#_Toc17285739)

[65- نماز يكى از اصحاب امام حسين عليه‌السلام 67](#_Toc17285740)

[66- خسته ناپذير 68](#_Toc17285741)

[67- نماز شب حضرت زينت 69](#_Toc17285742)

[68- سفارش امام حسين به نماز شب 69](#_Toc17285743)

[فصل سوم: آثار و پيام نماز عاشورا 70](#_Toc17285744)

[69- درس عبادت و بندگى 70](#_Toc17285745)

[70- اهميت نماز اول وقت 70](#_Toc17285746)

[71- اقامه نماز 71](#_Toc17285747)

[72- برپايى نماز جماعت 72](#_Toc17285748)

[73- محافظت بر نماز 72](#_Toc17285749)

[74- ترويج نماز 73](#_Toc17285750)

[75- درس عمل به آيات نماز 73](#_Toc17285751)

[76- درس احياى اذان 73](#_Toc17285752)

[77- درس آزادى نماز و نمازگزار 74](#_Toc17285753)

[78- استعانت از نماز 74](#_Toc17285754)

[79- درس هدف دارى 75](#_Toc17285755)

[80- درس رمز و راز موفقيت 75](#_Toc17285756)

[81- شهادت در حال نماز 75](#_Toc17285757)

[82- درس امانت دارى 77](#_Toc17285758)

[83- درس احترام به مقدسات 77](#_Toc17285759)

[84- درس اخلاص 78](#_Toc17285760)

[85- درس شب زنده دارى 78](#_Toc17285761)

[86- درس غيرت دينى 79](#_Toc17285762)

[87- حتى در جنگ، نماز ترك نشد 79](#_Toc17285763)

[88- درس در همه حال به ياد خدا بودن 80](#_Toc17285764)

[89- درسى به پيكارگران در راه حق 80](#_Toc17285765)

[90- دفاع از نماز و نمازگزار 81](#_Toc17285766)

[فصل چهارم: سخنان امام درباره نماز 82](#_Toc17285767)

[91- تفسير صمد 82](#_Toc17285768)

[92- آداب دستشويى 84](#_Toc17285769)

[93- تشريع اذان 84](#_Toc17285770)

[94- وضوى پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 85](#_Toc17285771)

[95- بسم الله بلند و آشكار 85](#_Toc17285772)

[96- قنوت نماز 85](#_Toc17285773)

[97- تشهد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 85](#_Toc17285774)

[98- ايمان و يقين 87](#_Toc17285775)

[99- دادرسى مومن 88](#_Toc17285776)

[100- نماز جمعه 89](#_Toc17285777)

[101- بهترين عبادت 89](#_Toc17285778)

[102- فوايد روزه 89](#_Toc17285779)

[103- امام حسين عليه‌السلام و نماز 89](#_Toc17285780)

[104- پاداش عبادت 90](#_Toc17285781)

[105- گريه از خشيت الهى 90](#_Toc17285782)

[106- خوف از خدا 90](#_Toc17285783)

[107- اهل بيت عليه‌السلام و اقامه نماز 90](#_Toc17285784)

[108- زائران خدا 90](#_Toc17285785)

[109- منظور آيه نماز شب 90](#_Toc17285786)

[فصل پنجم: عشق امام به قرآن 91](#_Toc17285787)

[110- قرآن بر چهار پايه استوار است 91](#_Toc17285788)

[111- پاداش قرائت قرآن 91](#_Toc17285789)

[112- تلاوت قرآن از سَر امام 92](#_Toc17285790)

[113- تلاوت قرآن در شام 93](#_Toc17285791)

[114- تلاوت قرآن در نماز 94](#_Toc17285792)

[115- پرورش با قرآن 94](#_Toc17285793)

[فصل ششم: آثار تربت امام حسين عليه‌السلام 95](#_Toc17285794)

[116- تسبيح با تربت امام حسين عليه‌السلام 95](#_Toc17285795)

[117- تسبيح از مرقد امام حسين عليه‌السلام 95](#_Toc17285796)

[118- بوى شهيد با تربت امام حسين عليه‌السلام 96](#_Toc17285797)

[119- اولين نمازگزار بر تربت امام حسين عليه‌السلام 97](#_Toc17285798)

[120- همراه داشتن تربت امام حسين عليه‌السلام 97](#_Toc17285799)

[121- صورت بر تربت امام حسين عليه‌السلام 97](#_Toc17285800)

[122- سجده بر تربت امام حسين عليه‌السلام 98](#_Toc17285801)

[123- شفا گرفتن از تربت امام حسين عليه‌السلام 98](#_Toc17285802)

[124- تاثير تربت امام عليه‌السلام در قبر 100](#_Toc17285803)

[125- درست كردن تسبيح با تربت 100](#_Toc17285804)

[126- ذكر با تربت امام حسين عليه‌السلام 101](#_Toc17285805)

[127- عزا فرشتگان در كنار قبر امام حسين عليه‌السلام 101](#_Toc17285806)

[128- شفاى چشم 102](#_Toc17285807)

[129- احترام امام زمان عليه‌السلام 102](#_Toc17285808)

[130- بى احترامى به تربت امام حسين عليه‌السلام 104](#_Toc17285809)

[131- قداست تربت امام حسين عليه‌السلام 106](#_Toc17285810)

[132- بركت تربت امام حسين عليه‌السلام 107](#_Toc17285811)

[133- سلام امام زمان عليه‌السلام بر تربت امام حسين عليه‌السلام 107](#_Toc17285812)

[فصل هفتم: نماز زيارت 108](#_Toc17285813)

[134- تمام خواندن نماز 108](#_Toc17285814)

[135- نماز زائر امام حسين 109](#_Toc17285815)

[136- نماز حاجت 109](#_Toc17285816)

[137- ماز بر رفع حوائج 109](#_Toc17285817)

[138- نماز مقدس اردبيلى كنار قبر امام حسين عليه‌السلام 110](#_Toc17285818)

[فصل هشتم: آثار و بركات زيارت عاشورا 111](#_Toc17285819)

[139- تعليم زيارت عاشورا 111](#_Toc17285820)

[140- سفارش امام صادق عليه‌السلام 112](#_Toc17285821)

[141- سيره شيخ مرتضى انصارى رحمه‌الله 112](#_Toc17285822)

[142- سيره ميرزاى قمى 113](#_Toc17285823)

[143- سيره شهيد قدوسى 113](#_Toc17285824)

[144- دريافت علوم خاص 113](#_Toc17285825)

[145- سيره ميرزاى محلاتى 114](#_Toc17285826)

[146- رفع بيمارى و بلا 114](#_Toc17285827)

[147- مداومت به خواندن زيارت عاشورا 116](#_Toc17285828)

[148- توسعه رزق و روزى 116](#_Toc17285829)

[149- بهترين عمل براى سفر آخرت 116](#_Toc17285830)

[150- رفع گرفتارى 117](#_Toc17285831)

[151- شفاى بيمار 118](#_Toc17285832)

[فصل نهم: مناجات و دعا 119](#_Toc17285833)

[152- زمزمه دعا در سجده 119](#_Toc17285834)

[153- دعاى امام حسين عليه‌السلام هنگام صبح عاشورا 119](#_Toc17285835)

[154- نجات زنى به دعاى امام عليه‌السلام 120](#_Toc17285836)

[155- اجابت دعاى امام 120](#_Toc17285837)

[156- استجابت دعا نزد ركن يمانى 121](#_Toc17285838)

[157- بركت دعاى امام عليه‌السلام 122](#_Toc17285839)

[158- دعا در قنوت 123](#_Toc17285840)

[159- دعاى براى طلب رغبت به آخرت 125](#_Toc17285841)

[160- دعاى در قنوت نماز وتر 125](#_Toc17285842)

[161- دعاى ديگر قنوت 125](#_Toc17285843)

[162- دعاى سجده شكر 126](#_Toc17285844)

[163- دعاى آن حضرت در صبح و شب 126](#_Toc17285845)

[164- دعا در مسجد پيامبر 127](#_Toc17285846)

[165- دعا براى بهشت 127](#_Toc17285847)

[166- دعا براى نمازگزار 128](#_Toc17285848)

[167- عاشق دعا 128](#_Toc17285849)

[168- طلب باران توسط امام حسين عليه‌السلام 129](#_Toc17285850)

[پى نوشت ها 130](#_Toc17285851)